

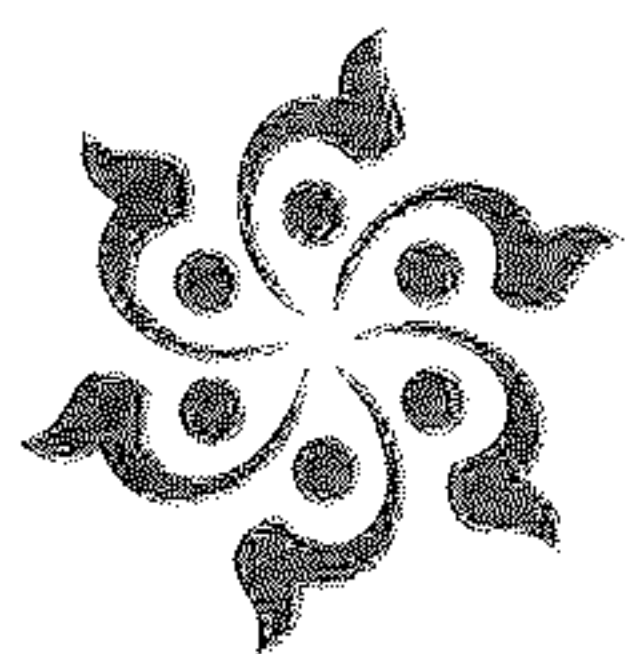
نشانہ قحطی
یا جنگ جهانی
قبل از ظهور

آتش

مصطفی امیری



الحمد لله
الرحمن الرحيم



آتش مشرق قبل از ظہور

نشانه جنگ جهانی یا انفجار هسته‌ای؟

لویس لند
مصطفی امیری

آتش مشرق قبل از ظهور

نویسنده: مصطفی امیری

ناشر: کتاب جمکران

نوبت چاپ: دوم، زمستان ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: خانه چاپ جمکران

مدیریت بازرگانی: ۰۹۱۲۱۵۱۸۱۴۹

بازرگانی کتاب جمکران: ۰۹۱۹۲۵۵۲۰۳۰

سرشناسه: امیری، مصطفی، ۱۳۶۱-

عنوان و نام پدیدآور: آتش مشرق قبل از ظهور نشانه جنگ جهانی یا انفجار هسته‌ای؟ / نویسنده مصطفی امیری.

مشخصات نشر: قم: کتاب جمکران، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: [۱۲۴]ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۷۴۰-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۱۱]-۱۲۳.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: Muhammad ibn Hasan, Imam XII

موضوع: مهدویت -- انتظار -- آینده‌نگری

Mahdism -- *Waiting -- Foreseating

مهدویت -- انتظار

Mahdism -- *Waiting

آینده‌پژوهی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

Forecasting -- Study and teaching -- Religious aspects -- Islam

رده بندی کنگره: BP۲۲۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۳۲۸۴۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



ketabejamkaran.ir

دفتر مرکزی پژوهش و نشر: قم، خیابان شهید فاطمی، کوچه ۲۸، پلاک ۶، انتشارات کتاب جمکران، تلفن تماس: ۳۷۱۵۶۶۶۴۴۳ کدپستی: ۰۲۵۳۷۷۳۲۲۱۲

@ketabejamkaran

t.me/ketabejamkaran

فهرست

مقدمه..... ۱۹

پازل ظهور

ضرورت عدم غفلت از برنامه ریزی دشمن قبل ظهور..... ۱۳
آینده پژوهی مهدوی: رصد بحران های سیاسی، نظامی، امنیتی..... ۱۴
دیدبانی حوادث کشورهای تأثیرگذار و نقش آفرین در «عصر ظهور»..... ۱۵
حوادث «جغرافیای ظهور»، قطعه های مختلف «پازل واحد»..... ۱۶

سناریوی آخر الزمانی

«عصر آتش مشرق» قبل ظهور

طرح مسأله..... ۲۳
اهمیت و ضرورت پژوهش..... ۲۴
پیشینه پژوهش..... ۲۶

نسخه‌شناسی گزاره «آتش مشرق» قبل ظهور	۲۷
منابع شیعی	۲۷
منابع اهل سنت	۳۱
اشتراکات و افتراقات گزارش آتش مشرق در منابع شیعه و اهل سنت	۳۳
اعتبارسنجی «سندی» آتش مشرق	۳۴
سند اول و دوم: سند موثق و معتبر	۳۴
سند سوم: سند صحیح و معتبر	۳۷

«آتش مشرق»:

پدیده فلکی و اعجاز الهی یا جنگ و انفجار هسته‌ای؟

آتش مشرق: پدیده فلکی و رخداد آسمانی	۳۹
ابهامات این دیدگاه	۴۲
آتش مشرق: صُنع بشری (هویت جنگی)	۴۴
مقصود از مشرق: ایران یا سایر کشورهای مشرق جغرافیایی؟	۴۶
آتش در مشرق یا آتش از مشرق؟	۴۷

دیدگاه‌های مختلف درباره «آتش جنگ مشرق» قبل ظهور

دیدگاه اول: آتش شرق حجاز قبل ظهور	۵۱
دیدگاه دوم: آتش آذربایجان قبل ظهور	۵۲
دیدگاه سوم: حمله دشمن به ایران و محور مقاومت شیعی	۵۴
استناد به توقیع امام عصر به شیخ مفید	۵۵
اشتمال توقیع بر ملاحم و اخبار غیبی؟	۵۸
دیدگاه چهارم: حمله ایران و جبهه شیعی به مثلث «غربی، عبری، عربی» ...	۶۱
حمله نظامی ایران و جبهه شیعی به دشمن در زمین و دریا	۶۳



اعقبات سقجی «مختوایی» آتش مشرق قبل ظهور

- سه تا هفت شبانه روز: تقابل نظامی و جنگ محدود ۶۷
- عمود آتش، اشاره به حادثه و مکان معین دارد..... ۶۹
- آیا عمود آتش مشرق، اشاره به حمله اتمی دارد؟ ۷۰
- الهردی: تقابل نظامی در زمین و دریا..... ۷۲
- زمان وقوع آتش مشرق: ماه رمضان؟ ۸۲
- فرج آل محمد و قدام القائم: بشارت نزدیکی ظهور..... ۸۵



مراحل «سیوف»: تقابل نظامی و «انقلاب سخت» ایران

- حمله به منافع نظامی مثلث «غربی، عبری، عربی»..... ۹۲
- جنگ دریایی ایران و جبهه شیعی با دشمن ۹۳
- بررسی سندی..... ۹۴
- نگاه «حداقلی» جریان شریعت‌گرای سنتی ۹۷
- توهم سقوط انقلاب زمینه‌ساز ۹۹



خاتمه: آتش مشرق؛ اعجاز الهی یا انفجار هسته‌ای؟ (۱۰۳)

کتابنامه (۱۱۱)

مقدمه

در این کتاب و در ادامه بررسی سلسله حوادث کشورهای عصر ظهور، رخداد آخرالزمانی «آتش مشرق قبل از ظهور» - و تأثیر بسیار مهم آن از لحاظ سیاسی و نظامی در معادلات جهانی و بین‌المللی - در میراث «آینده‌پژوهی مهدوی» از آوردگاه حدیثی، اعتبارسنجی سندی و محتوایی خواهد گردید. درباره ابعاد و جزئیات این رخداد در هندسه معارف مهدوی و ارتباط معنادار آن با احتمال وقوع «سال قحطی» در دنیا و «جنگ جهانی» قبل ظهور، تاکنون نوشتار جامع که به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته شود، یافت نشد. البته این گزاره مهدوی^۱ به دلیل ذکر «سنة الجوع در آخرالزمان» بسیار مورد توجه اهل سنت قرار گرفته است؛^۲ از این رو اهمیت بررسی و واکاوی آن مضاعف می‌شود.

۱. زمان وقوع آن در علم الهی محفوظ است.

۲. با جستجو عباراتی همچون: «نار من المشرق»، «عمود من نار فی السماء»، «عمود النار فی رمضان»، «العمود الاحمر فی السماء»، «سنة الجوع و خزن طعام»، «عام الجوع فی آخرالزمان»، دریافت می‌شود که جمع کثیری از کارشناسان اهل سنت درباره آتش مشرق اظهار نظر کردند.

دو دیدگاه مطرح است: پدیده فلکی و اعجاز الهی؛ تقابل نظامی و هویت جنگی؛ سپس سه احتمال مطرح است:

۱. آتش شرق عربستان

۲. حمله به ایران و وقوع جنگ منطقه‌ای و بین‌المللی

۳. حمله ایران به دشمن

این رخداد به نوعی با حوادث «ایران قبل ظهور» نیز مرتبط است. و صدا البته دیده‌بانی سیاسی و نظامی «کشورهای نقش‌آفرین و حادثه‌خیز»، در هر برهه‌ای از زمان، می‌تواند اهمیت استراتژیک و آینده‌پژوهانه، داشته باشد؛ و ناگفته پیداست اگر عصر، عصر ظهور باشد؛^۱ مؤمنین هر لحظه باید مختصات خویش را با ظهور نسبت‌سنجی نمایند. ضمن اینکه استراتژی «محور مقاومت شیعی» در رویارویی با فتنه‌ها و جنگ‌ها و دسیسه‌های دشمنان قبل ظهور، «اوج آمادگی و اقتدار نظامی» قلمداد شده است. زیرا دشمنان و جبهه باطل، بیکار ننشسته و با ایجاد فتنه‌ها و جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی بر علیه جبهه حق دسیسه‌چینی می‌کنند. از این رو شایسته است «حوادث پیرامونی» در محدوده جغرافیایی کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور با تأکید بر رویدادهای تأثیرگذار در

۱. به فرموده امام خمینی: «امید است عصر معاصر، عصر ظهور باشد» (خمینی، *صحیفه امام*، ج ۲۱، ص ۳۲۷) «و این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین باشد» (خمینی، *صحیفه امام*، ج ۱۵، ص ۱۷۱) «و جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه» (خمینی، *صحیفه امام*، ج ۱۷، ص ۴۸۰-۴۸۱).

آینده، رصد گردد تا «جامعه منتظر» برای مقابله با آن‌ها آماده شود^۱ و «حکومت زمینه‌ساز» را درباره نقشه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان، هشیار و آگاه سازد.^۲

از استاد محترم جلال‌الدین علی‌الصغیر - امام مسجد بُراثا و عضو کادر رهبری مجلس اعلای اسلامی عراق و از خواص و ملازمان شهید سلیمانی - که اینجانب را در طول این سال‌ها یاری و نصرت فرمودند، تشکر ویژه دارم.

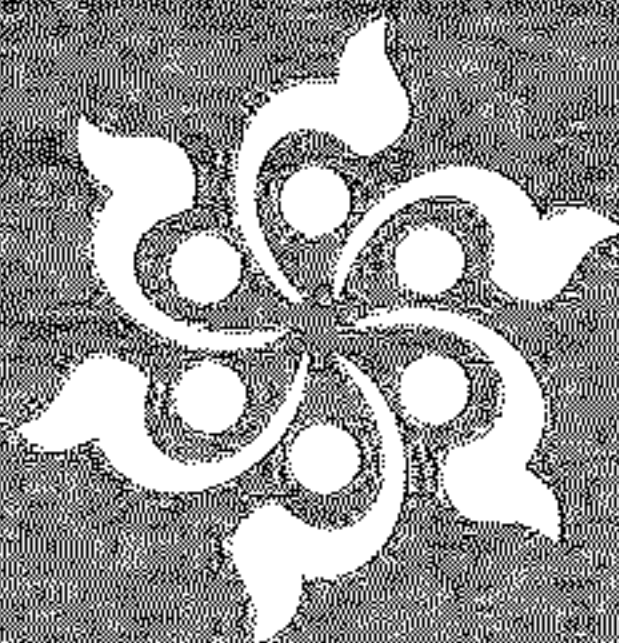
کتاب برای مخاطب عموم تدوین شده است و البته به دلیل رعایت قواعد پژوهشی و استانداردهای علمی، برای جامعه نخبگانی و اساتید دانشگاه نیز قابل استفاده است.

مصطفی امیری

سال ۱۳۹۹

۱. قربانی، «تأملات آینده‌پژوهانه در آرمانشهر مهدوی»، فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱.

۲. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه شرفی موعود، ش ۴۹، ص ۷۷.



پازل ظهور

ضرورت عدم غفلت از برنامه‌ریزی دشمن قبل ظهور

در گستره تاریخ، همیشه در کنار جریان حق، جریان باطل نیز وجود داشته که همه توان خود را برای شکست یا کاستن از گسترش و تأثیرگذاری جبهه حق، به کار گرفته است. و این نزاع مستمر بین حق و باطل^۱ در طول تاریخ ادامه داشته و در آخرالزمان و پیش از ظهور - که تلاش‌ها برای به ثمر رسیدن آمال انبیاء و ایجاد جبهه توحید برای تشکیل حاکمیت جهانی ادیان الهی با محوریت اسلام و آخرین ذخیره الهی و منجی بشریت، امام مهدی است - به اوج می‌رسد.^۲

۱. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۶۳-۲۶۴. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۳۲. سلیمانی، «بررسی آیات غلبه حق بر باطل از منظر علامه طباطبائی»، فصلنامه مطالعات فلسفی، ش ۳۰، ص ۲۰۱.

۲. الهی‌نژاد، «مهدویت و فرجام تنازع حق و باطل»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۳۹، ص ۱۳۶-۱۳۷. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۷۲-۷۳.

از این رو آگاهی از برنامه ریزی دشمنان، طرح‌ها و برنامه‌های جبهه باطل برای مقابله با اهداف زمینه‌سازان ظهور و تحقق حاکمیت جهانی اسلام، همواره باید در دستور کار منتظران ظهور امام عصر قرار گیرد و این امر محقق نخواهد شد جز با دانش آینده‌پژوهی مهدوی و بارصد طرح‌ها، نقشه‌ها، برنامه‌ها، فتنه‌انگیزی‌های دشمنان در کشورها و سرزمین‌های درگیر واقعه شریف ظهور.

آینده‌پژوهی مهدوی: رصد بحران‌های سیاسی، نظامی، امنیتی
«آینده‌پژوهی مهدوی» عبارت است از دانش شناخت نظام‌مند آینده با رویکرد دینی و درباره موضوعات و پدیده‌های مختلف که امکان فهم درست مواجهه آگاهانه و مدبرانه آن‌ها در حد مطلوب و مؤثر را فراهم می‌سازد و موجب حرکت به سمت جامعه آرمانی و برنامه‌ریزی مناسب در راستای چشم‌انداز در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی می‌شود. در واقع آینده‌پژوهی مهدوی، به ما کمک می‌کند تا از سطح مقدماتی فراتر رفته و وارد سطح مؤثر و استراتژیک شویم و نقش خود را در «زمینه‌سازی انقلاب جهانی مهدوی» بر اساس رصد کردن تحولات محتمل جهانی، به‌ویژه در جغرافیای ظهور و مثلث «کوفه، مکه و قدس» بهتر ایفا کنیم.^۱

کارگر، «مهدویت و فرجام ستیزش حق و باطل»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۹، ص ۹۴ و ۱۰۳.

۱. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۷۷.

۲. کارگر، «آینده‌پژوهی مهدوی»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۲۸، ص ۸۳.

در واقع آینده‌پژوهی مهدوی با تکیه بر هشدارهای حدیثی در تراث مهدوی و محور قرار دادن گزارشات درباره فتنه‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی، امکان وقوع آن‌ها در «جغرافیای کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور» را رصد می‌کند و اذهان را متوجه رویدادهای تأثیرگذار در آینده می‌نماید و «جامعه منتظر» را برای مقابله با آن‌ها آماده می‌سازد^۱ و جامعه منتظر را از غفلت درباره نقشه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک آگاه می‌سازد^۲، و از آن جا که «آینده‌پژوهی مهدوی» مبتنی بر قوانین و سنن تخلف‌ناپذیر الهی است، بسیار قابل اعتماد خواهد بود.^۳

دیدبانی حوادث کشورهای تأثیرگذار و نقش‌آفرین در «عصر ظهور» چند کانون مرکزی در تحولات و حوادث قبل از ظهور و آینده جهان، وجود دارد که شناخت و رصد کردن تحولات مربوط به آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند ما را در تحلیل درست رویدادها و مباحث مرتبط با آخرالزمان و ظهور امام زمان در علم «آینده‌پژوهی»، یاری دهد. این کانون‌های مرکزی عبارت است از: منطقه شام (سوریه)، ایران، عراق، فلسطین و عربستان؛ کشورهای مذکور در «جغرافیای

۱. قربانی، «تأملات آینده‌پژوهانه در آرمانشهر مهدوی»، فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱.

۲. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرقی موعود، ش ۴۹، ص ۷۷.

۳. پورعزت، «سنت‌پژوهی رویکردی نوین به آینده‌پژوهی مهدویت»، فصلنامه مشرقی موعود، ش ۴۴، ص ۲۸۱.

ظهور» و در مثلث «مکه، کوفه، قدس» مرکز تحولات و رویدادهای مهمی خواهند بود و در آینده این کشورها، قبل از ظهور، اتفاقاتی بسیار سریع و شگفت‌آور رخ خواهد داد که تأثیرات مهمی بر امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی خواهند گذاشت. بنابراین دیده‌بانی سیاسی و نظامی «کشورهای نقش‌آفرین در تحولات فرایند ظهور» در هر برهه‌ای از زمان، می‌تواند اهمیت استراتژیک و آینده‌پژوهانه داشته باشد. از این رو، شناخت آن، علاوه بر وظایف فردی برای «دیپلماسی خارجی و بین‌المللی» حکومت زمینه‌ساز نیز تکلیف‌آور است.^۱

حوادث «جغرافیای ظهور»، قطعه‌های مختلف «پازل واحد»

در مباحث مهدویت، باید به نکته بسیار مهمی توجه کرد و آن اینکه: احادیث مهدویت، بویژه حوادث «جغرافیای ظهور» منتهی به نشانه‌های حتمی، قطعه‌های مختلف «پازل واحد»، محسوب می‌شوند و جدا از هم، نباید نگریسته شود و اگر مستقل از یکدیگر بررسی شوند، نتایج واقعی و مطلوب حاصل نخواهد شد؛ همان مُشکلی که برخی از نویسندگان با تحلیل صرفاً «تاریخی» در بررسی مباحث مهدوی بدان گرفتار شده‌اند. زیرا اگر به بررسی تنها یک نشانه ظهور بسنده کنیم، ممکن است به این نتیجه دست یابیم که این نشانه در گذشته و تاریخ واقع شده و یا ممکن است شبیه آن در آینده به طور متعدد، تکرار شود.

۱. «معرفة علائم الظهور، الظاهر هو وجوبها؛ حذرا عن الوقوع في الضلالة و دفعا للضرر المحتمل» (صافی گلپایگانی، مذهب ائمه اطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۰۳).

اما اگر مجموعه علامت‌ها و نشانه‌ها را به عنوان قطعه‌های مختلف پازل واحد توجه کنیم، به نتیجه‌ای واقعی‌تر دست خواهیم یافت.

به عنوان مثال، هرگاه احادیث «فتنه شام»^۱ به تنهایی و منفصل از سایر وقایع مرتبط با ظهور بررسی شود، ممکن است فوراً استنباط شود که این حوادث در گذشته نیز واقع شده است؛ اما اگر با مجموع رخداد‌های دیگر که در تراث مهدوی ذکر شده است و در قالب قطعه‌های مختلف پازل واحد بررسی شود، آنگاه نتیجه فرق خواهد کرد. توضیح بیشتر این‌که: اگر حوادث فتنه منطقه شام (سوریه و الکور الخمس شام) مبنی بر اینکه بعد از اختلاف رمحان (اختلاف دو جبهه نظامی مقابل هم)، آنگاه رجفه (جنگ و قتل وسیع) در منطقه شام رخ خواهد داد، و در ادامه ورود رایات الصفر (دخالت نظامی پرچم‌های زرد رنگ) در صحنه تحولات میدانی فتنه شام، و سپس خسف (فرورفتن زمین) در محور جاییه - حرستا دمشق در کشور سوریه و بعد خروج سفیانی (اولین نشانه حتمی)^۲ رخ خواهد داد؛ آنگاه درک حوادث قبل از ظهور آسان‌تر خواهد شد. همچنین اگر حوادث دیگری همچون: تشکیل حکومت

۱. در احادیث متعددی با سندهای معتبر از حوادث «فتنه شام» قبل ظهور، سخن به میان آمده است (نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۵. طوسی، الغیبه، ص ۴۶۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۶ و ۲۵۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹. مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵. طوسی، الغیبه، ص ۴۴۲. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۶۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷).

۲. برای آگاهی بیشتر: امیری، «بررسی و تحلیل حوادث فتنه شام سوریه قبل از ظهور»، فصلنامه مشرقی موعود، ش ۴۹، ص ۳۴۷-۳۶۸.

زمینه ساز ظهور در ایران^۱ توسط مردی از قم^۲ و در ادامه رهبری خراسانی قبل از ظهور^۳، و نیز وجود حکومت شیعی در عراق اما ضعیف که در برابر تهاجم نظامی تاب مقاومت نداشته و شهرهای شیعی عراق، صحنه تاخت و تاز لشکر سفیانی مورد حمایت غربی ها^۴ قرار خواهد گرفت،

۱. در احادیث معتبر از قوم زمینه ساز سخن به میان آمده است که قیام می کنند و با دشمن می جنگند و کشته های آنان «شهید» محسوب می شود و سرانجام انقلاب شان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِيقِ ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ ... يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳).

۲. به نقل از کتاب معتبر تاریخ قم که قدمت آن بیش از هزار سال (۳۷۸ ق) است، از انقلاب ایران به رهبری مردی از قم (رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ)، پرچم هدایت وی و مشروعیت قیام (يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ)، خصوصیات یاران وی و صلابت و استواری آنان در پیشبرد اهداف انقلاب (يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدِ)، ایستادگی در برابر فتنه ها و طوفان های سخت (لَا تُرَاهِمُ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ) و خسته نشدن از جنگ (وَلَا يَمَلُونَ مِنَ الْحَرْبِ) و سرنوشت انقلاب ایران (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) به روشنی سخن به میان آمده است (اشعری قمی، تاریخ قم، ص ۲۷۸. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶).

۳. قبل از ظهور، خراسانی و یمانی به عنوان پرچم هدایت با جبهه سفیانی خواهند جنگید: «خُرُوجُ الشُّفْيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۵. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۷۵. طوسی، الغيبة، ص ۴۴۶). این مواجهه و تقابل نظامی بین جبهه حق و باطل در عراق به اوج خواهد رسید: «الشُّفْيَانِيُّ ... يَبْعَثُ مِائَةً وَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا إِلَى الْكُوفَةِ» (حلی، مختصر البصائر، ص ۴۷۰. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۸۳)؛ «فَبَيْنَمَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ خَيْلُ الْيَمَانِيِّ وَالْخُرَاسَانِيِّ» (نبلی نجفی، سرور أهل الإيمان، ص ۵۲-۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳-۲۷۴).

۴. «وَيَبْعَثُ الشُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ ... فَيُصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صُلْبًا وَ سَبِيًّا» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰).

۵. «الشُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ ... فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ» (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳)؛ در عبارت «فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ» دو احتمال مطرح است: یا خود سفیانی چون مسیحی و رومی است، صلیب بر گردن دارد و نماینده غربی ها است یا به ظاهر مسلمان است اما مورد حمایت غربی ها است.

در کنار تحرکات گروه‌های تکفیری پرچم‌های سیاه در منطقه شام (اسامی خود را کُنیه و نسبت خویش را از نام شهرها انتخاب کردند)^۱، و همچنین تحرکات مارقة الشام (جدایی طلبان منطقه شام)^۲ و متعاقب

۱. در کتب معتبر آینده‌پژوهی مهدوی از وجود اهل سنت تکفیری در منطقه شام قبل ظهور به رهبری شخصی سنگدل و از خاندانی بی‌اصل و نسب که یارانش دارای موهای بلند و لباس سیاه و صاحبان پرچمهای سیاه هستند، سخن به میان آمده است که هر شخصی با ایشان دشمنی ورزد، بی‌قانون و بی‌ملاحظه، اعراب ساکن مناطق فرات را در شهرهای خودشان به قتل می‌رساند: «عَبْدًا عَنِيْفًا خَامِلًا أَصْلُهُ أَصْحَابُهُ الطَّوِيلَةُ سُغُورُهُمْ أَصْحَابُ السَّبَالِ سُودٌ ثِيَابُهُمْ أَصْحَابُ رَايَاتٍ سُودٍ وَبِلَ لِمَنْ نَاوَاهُمْ يَقْتُلُونَهُمْ هَرْجًا وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَ إِلَى أَفْعَالِهِمْ وَ مَا يَلْقَى الْفَجَارُ مِنْهُمْ وَ الْأَعْرَابُ الْجَفَاءُ يُسَلِّطُهُمُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِلَا رَحْمَةٍ فَيَقْتُلُونَهُمْ هَرْجًا عَلَى مَدِينَتِهِمْ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ الْبَحْرِيَّةِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۶-۲۵۷).

۲. پرچم‌های سیاه که خود را «دولت اسلامی» معرفی می‌کنند اما حق نیستند و به هیچ عهد و میثاقی وفادار نیستند و اسامی خود را کُنیه (به عنوان مثال: ابوبکر) و نسبت خویش را از نام شهرها انتخاب کردند (به عنوان مثال: بغدادی) و موهای شان همچون موهای زنان، طویل و بلند است: «الرَّايَاتِ السُّودِ... أَصْحَابُ الدَّوْلَةِ لَا يَقُونَ بِعَهْدٍ وَلَا مِيثَاقٍ يَدْعُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهِ أَشْمَاؤُهُمُ الْكُنَى وَ نِسْبَتُهُمُ الْقُرَى سُغُورُهُمْ مُرَخَّاءُ كَشْعُورِ التِّسَاءِ» (ابن طاووس، الملاييم والنسب، ص ۸۹).

۳. در خلال حوادث فتنه شام و سوریه قبل از ظهور، به واقعه «مارقة الشام» نیز اشاره شده است: «مَارِقَةُ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰. مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵)؛ «المارقة: الخارجين» (ثعالبی، فقه النخعة، ص ۳۵۷)؛ «المروق عن الشيء: الخروج منه» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۴۱)؛ «مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَةِ»: وقتی تیر از کمان خارج می‌شود، به گونه‌ای که دیگر به آن تعلق ندارد را گویند (ابن عباد، المعجم، فی اللغة، ج ۵، ص ۴۱۶)؛ «الناحية: الجانب» (فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۹۶) «الناحية: الجهة» (طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۵۹) «من ناحية الترك: ای من جهة الترك؛ مارقة الشام تخرج من جهة الترك = خروج مارقة از سمت ترک‌ها». بنابراین «مَارِقَةُ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ» یعنی ساکنان ناحیه هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام، اعلام خروج و جدایی خواهند کرد همچون جدا شدن تیر از کمان «مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَةِ» که گویا دیگر به آن تعلق ندارد.

آن حمله اخوان‌الترک به شرق سوریه^۱، و نیز وجود حکومت آل‌فلان در عربستان^۲، و نیز فساد یهود در فلسطین و جنگ ایرانیان شیعی با اسرائیل قبل ظهور^۳ - که همگی در روایات و احادیث نشانه‌های ظهور به وضوح و صراحتاً ذکر شده است - کنارهم قرار دهیم؛ به درک واضح‌تر از احادیث و معارف مهدویت، دست خواهیم یافت.

از این رو، با کنارهم قرار دادن احادیث «مرتبط و هم‌خانواده» در قالب قطعه‌های مختلف «پازل واحد» و آنچه را که در صحنه تحولات میدانی «جغرافیای ظهور» می‌بینیم، انعکاس قوی در احادیث مهدویت

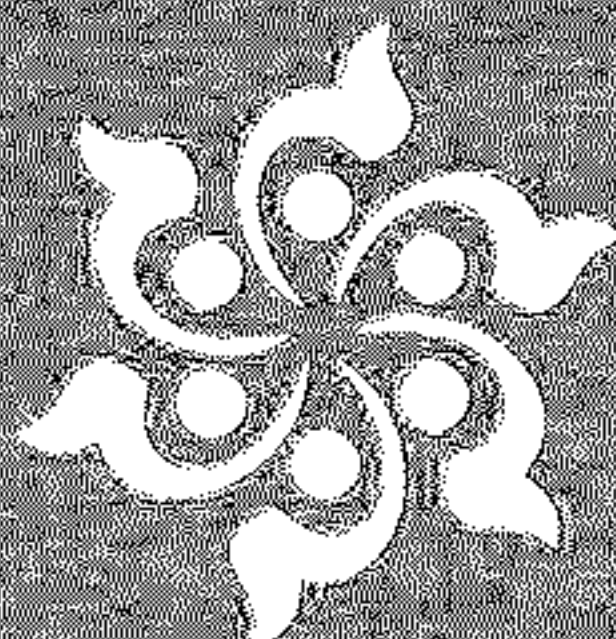
۱. آنگاه حمله ترک‌ها به شرق سوریه رخ خواهد داد: «مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ الثُّرُكِ ... وَ سَيُقْبَلُ إِخْوَانُ الثُّرُكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰. مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵)؛ مناطق شرق سوریه را جزیره الشام گویند: «أَرْضُ الْجَزِيرَةِ ... الرِّقَّةُ وَ الرُّهَا وَ قَرْقِيسِيَا» (ابن مزاحم، وفتحة صغیر، ص ۱۲).

۲. قبل ظهور، خاندان آل‌فلان بر عربستان حکومت می‌کنند: «يَا زُرَّادُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَلَيْسَ يَقْتُلُهُ جَيْشُ الشُّفْيَانِيِّ قَالَ لَا وَلَكِنْ يَقْتُلُهُ جَيْشُ آلِ بَنِي فُلَانٍ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷. نعمانی، الغيبة، ص ۱۶۶-۱۶۷. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۴۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۷).

۳. توجه به آیات ابتدایی سوره اسراء «قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ ... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا ... بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» (سوره اسراء، آیه ۴-۵)؛ و احادیث ذیل آن در کتب معتبره: «قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ فَلَا يَدْعُونَ وَثَرًا لِأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتَلُوهُ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۰۶. ابن قولویه، کمال‌الزیارات، ص ۶۳) و به قرینه عبارت «قتل‌هم شهداء» در حدیث انقلاب مشرق‌زمین قبل از ظهور (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳) و نیز به ضمیمه حدیث معرفی «اهل قم» به عنوان هویت ایرانی مجازات‌کنندگان یهود: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ .. فَقُلْنَا جُعِلْنَا فِدَاكَ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ هُمْ وَ اللَّهُ أَهْلُ قُمَّ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶) مشخص است که عقوبت یهود قبل از ظهور توسط ایرانیان شیعی رخ خواهد داد (بخشی، «مواجهه امام زمان با قوم یهود در عصر ظهور»، فصلنامه مشرق‌موجود، ش ۴۲، ص ۶۵-۶۷. مافی، «نقش ایرانیان در عصر ظهور»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۵، ص ۲۶).

دارد، آنگاه این سؤال مطرح می‌شود: عصر ظهور چه زمان خواهد بود؟
و متعاقب آن چه تکالیف فردی و اجتماعی برای جامعه زمینه‌ساز در
مقابله با دسیسه‌های جبهه باطل، ایجاد خواهد شد؟

۱. در هیچ دوره‌ای از تاریخ، تمام آنچه از نشانه‌های ظهور که در عصر حاضر در حال روی دادن است، اینچنین در کنارهم قرار نگرفته است؛ و به فرموده امام خمینی: «امید است عصر معاصر، عصر ظهور باشد» (خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷) «و این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین باشد» (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱) «و جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه» (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۰-۴۸۱).



سناریوی آخرالزمانی «عمود آتش مشرق» قبل ظهور

از جمله حوادثی که به رخداد های «ایران» نیز مرتبط است، «آتش مشرق» پیش از ظهور است که درباره آن چند دیدگاه مختلف مطرح است. در این نوشتار، ابتدا به گزارشی از این حادثه آخرالزمانی در تراث فریقین اشاره و سپس «اشتراکات و افتراقات» احادیث شیعی با اهل سنت ذکر می شود و آنگاه اعتبارسنجی «سندی و محتوایی» نیز صورت می گیرد و در پایان «دیدگاه برگزیده» با ذکر شواهد و قرائن به تفصیل بیان خواهد شد.

طرح مسأله

در اندیشه مهدویت، ظهور امری تصادفی تلقی نمی شود. بلکه واقعه ای است که با زمینه سازی و تمهیدات زمینه سازان (ممهّدون) شکل

می‌گیرد.^۱ از این رو در منابع فریقین، قیام‌های حق قبل از ظهور (رجل من اهل قم، خراسانی و یمانی) معرفی شده و اوصاف «ممهّدون و زمینه‌سازان» ظهور در احادیث فریقین شیعه و اهل سنت نیز ذکر شده است.^۲ در مقابل دشمنان و جبهه باطل نیز بیکار ننشسته‌اند و با ایجاد فتنه‌ها و جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی علیه جبهه حق دسیسه‌چینی می‌کنند. از این رو، شایسته است «حوادث پیرامونی» در محدوده جغرافیایی کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور با توجه به رویدادهای اثرگذار در آینده رصد گردد تا «جامعه منتظر» برای مقابله با آن‌ها آماده شود^۳ و «حکومت زمینه‌ساز» را درباره نقشه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان، هشیار و آگاه سازد.^۴

اهمیت و ضرورت پژوهشی

در این نوشتار، گزاره آخرالزمانی «آتش مشرق» پیش از ظهور - و تأثیر بسیار مهم آن از لحاظ سیاسی و نظامی در معادلات جهانی و بین‌المللی - در میراث «آینده‌پژوهی مهدوی»^۵ از آوردگاه حدیثی،

۱. پورسیدآقایی، «زمینه‌سازی ظهور»، فصلنامه «مشرق» موعود، ش ۱۰، ص ۲۰-۲۱.

۲. فتلاوی، «رایات الهدی و الضلال فی عصر الظهور»، ص ۶۳-۱۲۶.

۳. قربانی، «تأملات آینده‌پژوهانه در آرمانشهر مهدوی»، فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱.

۴. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه «مشرق» موعود، ش ۴۹، ص ۷۷.

۵. آینده‌پژوهی مهدوی با تکیه بر هشدارهای حدیثی در تراث اسلامی و محور قرار دادن گزارش‌ها درباره فتنه‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی امکان وقوع آن‌ها را در «جغرافیای کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور» و محدوده پیرامونی این کشورها رصد می‌کند (قربانی، «تأملات آینده‌پژوهانه در آرمانشهر مهدوی»، فصلنامه

اعتبارسنجی و بررسی خواهد شد. در احادیث فریقین شیعه و اهل سنت در زمره سلسله حوادث در آستانه ظهور از «عمود آتش مشرق زرد و سرخ فام» سخن به میان آمده است. و به نوعی با حوادث «ایران» نیز مرتبط است و البته درباره آن سه دیدگاه مهم، مطرح می باشد.

ضرورت واکاوی «آتش مشرق» بدان جهت اهمیت مضاعف دارد که خود نشانه ای است بر آغاز قحطی و گرسنگی در جهان (سنة الجوع) و باید ذخایر استراتژیک غذایی و تدابیر اقتصادی از طرف حکومت ها انجام شود که البته ناشی از وقوع جنگ جهانی (هرج الروم) قبل از «سنة الجوع» است که در اثر آن، مرگ سفید (طاعون) و مرگ سرخ (جنگ و خونریزی) در گستره جهانی رخ خواهد داد.

مساله اصلی پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل «آتش مشرق» قبل ظهور با نگاه آینده پژوهانه مهدوی است. پرسش اساسی این است: عمود آتش مشرق، - که زمان وقوع آن در علم الهی محفوظ است - آیا اشاره به پدیده فلکی و نجومی (اعجاز الهی) دارد یا حادثه صُنع بشری (حمله نظامی) یا انفجار هسته ای؟

دیدگاه اول: پدیده فلکی و اعجاز الهی است و ادعای کنند مرتبط با موضوع «ستاره دنباله دار» (النجم ذو الذنب) است.

دیدگاه دوم: هویت جنگی؛ مطابق این دیدگاه، گزاره «آتش مشرق»

آینده پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱). و از آنجاکه «آینده پژوهی مهدوی» مبتنی بر قوانین و سنن تخلف ناپذیر الهی است، بسیار قابل اعتماد خواهد بود (پورعزت، «سنت پژوهی رویکردی نوین به آینده پژوهی مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۴، ص ۲۸۱).

در میراث آینده پژوهی مهدوی، آیا به شعله‌های آغاز جنگ جهانی اشاره دارد و یا تقابل نظامی با دشمن خواهد بود و در واقع تلمیحی است به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی؟ البته سه احتمال مهم مطرح است:

۱. وقوع آتش در عربستان

۲. حمله به ایران و وقوع جنگ منطقه‌ای و بین‌المللی

۳. حمله ایران به دشمن

شایان ذکر است مؤمنان هر لحظه باید مختصات خویش را با شرایط ظهور بسنجند. ضمن اینکه استراتژی «محور مقاومت شیعی» نسبت به فتنه‌ها و جنگ‌ها و دسیسه‌های دشمنان قبل از ظهور، در اوج آمادگی نظامی قلمداد شده است.

در این نوشتار با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر، کوشش خواهد شد اقوال مختلف، نقد و بررسی گردد.

پیشینه پژوهش

هرچند گزاره «آتش مشرق قبل ظهور» به صورت خیلی گذرا در برخی مقالات و کتب پرداخته شده است اما درباره ابعاد و جزئیات آن در هندسه معارف مهدوی و ارتباط معنادار آن با احتمال وقوع «سال قحطی» در دنیا و «جنگ جهانی» قبل ظهور، تاکنون نوشتار جامع که به بررسی ابعاد مختلف این رخداد پرداخته شود، یافت نشد. البته این

گزاره مهدوی، به دلیل ذکر «سنة الجوع در آخرالزمان» بسیار مورد توجه اهل سنت قرار دارد؛ از این رو اهمیت بررسی و واکاوی آن مضاعف می شود.

البته برخی مولفین در کتب و مقالات و کارشناسان حوزه مهدویت، وارد تطبیق احتمالی و مصداق یابی نیز شده اند اما این نوشتار از ورود به تطبیق احتمالی نیز خودداری می کند و صرفاً به بیان اقوال مختلف و ترجیح دیدگاه برگزیده با تأکید بر احادیث معتبر خواهد پرداخت؛ ضمن اینکه «دیدگاه مشهور» نیز مورد خدشه قرار خواهد گرفت.

نسخه شناسی گزاره «آتش مشرق» قبل ظهور

«مناهی شیعی»

گزاره آتش مشرق قبل ظهور در الغیبة نعمانی نقل شده است؛ البته محتوای آن با سند دیگر در کتاب الإرشاد شیخ مفید، کتاب إعلام الوری طبرسی، نیز نقل شده است. شایان ذکر است عدم ذکر گزاره حدیثی «آتش مشرق» توسط شیخ طوسی در کتاب الغیبة للحجة و

۱. با جستجو عباراتی همچون: «نار من المشرق»، «عمود من نار فی السماء»، «عمود النار فی رمضان»، «العمود الاحمر فی السماء»، «سنة الجوع و خزن طعام»، «عام الجوع فی آخرالزمان»، دریافت می شود که انبوه کارشناسان اهل سنت درباره آتش مشرق اظهار نظر کردند.

۲. به آتش سوزی چاه های نفتی عربستان قبل ظهور تطبیق شده است (سلیمان، يوم الخلاص، ص ۴۴۰. مهدی پور، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۸۳۸).

۳. اصولاً تطبیق نشانه های ظهور که منجر به تعیین زمان ظهور نمی شود، توقیت نیست و اشکالی ندارد (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۴۵۶ و ج ۸، ص ۱۵۸).

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از کتب ثلاثه مهدویت^۱، خللی به محتوای آن وارد نمی‌شود. زیرا کتاب شیخ صدوق در باب علائم ظهور^۲ که به صورت مستقل تدوین شده^۳، مفقود است و دسترسی به آن ممکن نیست؛ شیخ طوسی نیز تصریح کرده است: بنا نداشته آنچه در دیگر کتب ذکر شده، مجدداً تکرار نماید^۴. ضمن اینکه روش قدمای شیعه، اینگونه نبوده است که رونویسی نمایند؛ بلکه هر مولف، طرق سندی مختص به خود را در کتاب خویش ذکر کرده است. بنابراین، اینکه بیان می‌شود فلان حدیث از «مُنفردات شیخ طوسی» و یا از «مُنفردات نعمانی» است، سخن غیرعلمی و اشتباه است و نشانگر این است، گوینده با مبانی حدیثی قدمای شیعه، آشنایی کامل ندارد. شاهد بر این امر گفتار شیخ مفید (استاد شیخ طوسی)، در توصیف نعمانی و ارزش کتاب الغیبة وی است که بیان می‌کند با وجود روایات الغیبة نعمانی نیازی به تکرار آن احادیث در کتاب تألیفی خویش نمی‌بیند^۵.

البته گزاره آتش مشرق قبل ظهور در دیگر کتب حدیثی شیعه^۶

۱. کتاب الغیبة شیخ طوسی، کتاب کمال الدین شیخ صدوق به همراه کتاب الغیبة نعمانی به عنوان کتب «مرجع» مهدویت قلمداد می‌شوند.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۶.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۳۹۲.

۴. طوسی، الغیبة، ص ۲ و ۳۲۷.

۵. «الروایات فی ذلك كثيرة قد دونها أصحاب الحديث من هذه العصابة و أثبتوها فی كتبهم المصنفة فمن أثبتها علی الشرح و التفصیل محمد بن إبراهیم المکنی أبا عبد الله النعمانی فی كتابه الذي صنّفه فی الغیبة فلا حاجة بنا مع ما ذكرناه إلی إثباتها علی التفصیل» (مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۰).

۶. کورانی، معجم احادیث الإمام المهدي، ج ۴، ص ۳۸۲-۳۹۰ و ج ۵، ص ۲۱۷-۲۱۸.

از جمله کتاب نوادر الأخبار فیض کاشانی، کتاب إثبات الهداة^۱ حر عاملی، نیز تکرار شده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شَبَهَ الْمُزْدِيِّ الْعَظِيمِ تَظْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.^۲

ابوبصیر به نقل از امام باقر روایت کرده است: هنگامیکه نشانه آتش عظیم و بزرگ در آسمان از سمت مشرق دیدید که بین سه تا هفت روز ادامه داشت، فرج آل محمد و ظهور امام مهدی را توقع داشته باشید.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَظْلُعُ لَيَالِي فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَهِيَ قُدَّامُ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ.^۳

ابوبصیر به نقل از امام صادق روایت کرده است: هنگامیکه نشانه آتش عظیم و بزرگ در آسمان از سمت مشرق دیدید که برای چند شبانه روز ادامه داشت، در آن هنگام، فرج مردم و نزدیکی های ظهور قائم است.

همان طور که بیان گردید، گزاره آتش مشرق از «منفردات» نعمانی نیست بلکه محتوای آن با سند متفاوت در کتاب الإرشاد شیخ مفید،

۱. فیض کاشانی، نوادر الأخبار، ص ۲۵۹.

۲. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۶.

۳. نعمانی، النبیة، ص ۲۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

۴. نعمانی، النبیة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

کتاب إعلام الوری طبرسی، کتاب سرور أهل الإیمان نیلی نجفی و کتاب إثبات الهداة حر عاملی نیز تکرار شده است:

الْعَلَاءُ بْنُ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:
إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنَ الْمَشْرِقِ كَهَيْئَةِ الْمُرْدِي الْعَظِيمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ
سَبْعَةً - الشَّكُّ مِنَ الْعَلَاءِ (في نسخة أخرى: الشك من الراوي) -
فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ.

عن الحسن بن محبوب عن [العلاء بن رزين] عن محمد [بن مسلم]
عن أحدهما قال: إذا رأيتم نارا كهيئة الهودة العظيم تطلع ثلاثة أيام
أو سبعة - بالشك من الراوي - فتوقعوا فرج آل محمد إن الله عزيز
حكيم.

عن الإرشاد شيخ مفيد: نار تظهَرُ بِالمَشْرِقِ طَوِيلًا وَتَبْقَى فِي الْجَوِّ ثَلَاثَةَ
أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ.

شایان ذکر است، گزارش شیخ مفید^۵ در دیگر کتب حدیثی شیعه
همچون: روضة الواعظین^۶ ابن فثال نیشابوری، تاج الموالید^۷ طبرسی،

۱. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۲.

۲. طبرسی، إعلام الوری ط قدیم، ص ۴۵۸. طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴. حر عاملی،
إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۲.

۳. نیلی نجفی، سرور أهل الإیمان، ص ۴۷.

۴. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۶۹.

۵. شیخ مفید هر چند سندی برای آن نقل نمی کند اما تصریح می کند عبارات را از احادیث
معتبر اخذ کرده است: كَمَا جَاءَتْ بِذَلِكَ الْأَخْبَارُ ... ذَكَرْنَاهَا عَلَى حَسَبِ مَا ثَبَتَ فِي
الْأُصُولِ وَتَضَمَّنَهَا الْأَثَرُ الْمَنْقُولُ (مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۷۰).

۶. ابن فثال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۲.

۷. طبرسی، تاج الموالید، ص ۱۱۳.

الملاحم و الفتن ابن طاووس، كشف الغمة^۱ اربلی، صراط المستقیم^۲ عاملی، تاریخ الاثمة^۳، نوادر الأخبار و الوافی^۴ فیض کاشانی، إثبات الهداة^۵ حر عاملی، مختصر کفایة المهتدی^۶ میرلوحی، كشف الحق^۷ خاتون آبادی، ریاض الأبرار جزائری و بحار الأنوار^۸ مجلسی نیز ذکر شده است.

«مناقب اهل سنت»

گزاره آخرالزمانی «آتش مشرق» در کتب اهل سنت همچون فیض القدير مناوی، المعجم الأوسط طبرانی، أمالی الشجرى و ... نیز نقل شده است:

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا أَحْمَرَ قَبْلَ الْمَشْرِقِ فِي رَمَضَانَ فَادْخِرُوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا سَنَةٌ جُوعٍ.

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا مِنْ نَارٍ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي السَّمَاءِ

۱. ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۳۷۰.
۲. اربلی، كشف الغمة، ج ۲، ص ۴۵۷.
۳. عاملی، صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۴۸.
۴. عدة من العلماء تاریخ الاثمة، ص ۱۱۳ و ۳۴۷.
۵. فیض کاشانی، نوادر الأخبار، ص ۲۵۵. فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۵۳.
۶. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۳۷۰.
۷. میرلوحی سبزوارى، مختصر کفایة المهتدی، ص ۲۱۲.
۸. خاتون آبادی، كشف الحق، ص ۱۴۵.
۹. جزائری، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة، ج ۳، ص ۱۷۱.
۱۰. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۰.
۱۱. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۱۱۹.

فَأَعِدُّوا مِنَ الطَّعَامِ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّهَا سَنَةٌ جُوعٌ.^۱

سَتَبْدُو آيَةً عَمُودًا مِنْ نَارٍ يَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يَرَاهُ أَهْلُ الْأَرْضِ
كُلُّهُمْ فَسَنُ أَذْرَكَ ذَلِكَ فَلْيُعِدِّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ.^۲

إِذَا رَأَيْتُمْ مِنَ السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لِيَالِي
فَعِنْدَهَا قَدَامَ الْمَهْدِيِّ.^۳

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ مِثْلَ النَّارِ فِي رَمَضَانَ
فَأَعِدُّوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا تَكُونُ سَنَةً جُوعٍ.^۴

هنگامیکه عمود آتش از سمت مشرق در ماه رمضان قبل
ظهور دیدید که برای همه اهل زمین نیز قابل رویت و مشاهده
است، ذخیره غذایی یک سال را تهیه کنید که سال قحطی
(سنة جوع) در پیش است.

همچنین در دیگر کتب اهل سنت از جمله: الفصول المهمة^۵، فرائد
فوائد الفكر^۶ به نقل از پیامبر و امام باقر و امام صادق نیز نقل شده است.^۷
گزاره آتش مشرق در تراث اهل سنت با عبارت های گوناگون (آية
الحدثان، عمود النار، آية الحدث، العمود الأحمر) ذکر شده است. و در
منابع اهل سنت بر وقوع رخداد آتش مشرق در ماه رمضان و رابطه آن با

۱. ابن حنبل، الفتن، ص ۱۵۳.

۲. مناوی، فیض القدير، ج ۱، ص ۳۶۱.

۳. مقدسی شافعی، عقود الدرر فی اخبار المنظر، ص ۱۴۵.

۴. الشجرى، الامالى المصیبه، ج ۲، ص ۳۷.

۵. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۱۲۸.

۶. حنبلی، فرائد فوائد الفكر فی الإمام المهدی المتظر، ص ۲۶۴.

۷. کورانی، معجم احادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۵۳۵-۵۳۶.

سنة الجوع (سال قحطی و گرسنگی) بیشتر تأکید شده است؛ و البته در ادامه به شباهت‌ها و تفاوت‌های گزارشات شیعی با منابع اهل سنت نیز اشاره خواهد شد.

► اشتراکات و افتراقات گزارش آتش مشرق در منابع شیعه و اهل سنت
استشهاد به روایات اهل سنت، فقط زمانی موجه و صحیح است که مضمون آن در روایات اهل بیت نیز وجود داشته باشد. بنابراین، اثبات موضوعی در روایات اهل سنت، بدون توجه به روایات کتب معتبر شیعی، صحیح نیست.

در موضوع این نوشتار نیز با مراجعه به منابع معتبر شیعی، در نگاه اول، احتمال «وحدت محتوایی» و اشتراک مضمونی گزاره آتش مشرق قبل ظهور در شیعه با اهل سنت تقویت می‌شود:

شیعه: إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَظْلُعُ لَيَالِي فَعِنْدَهَا فَرْجُ النَّاسِ وَهِيَ قُدَّامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ^۱

شیعه: لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَيُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ؛ الْجُوعُ فَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ^۲

اهل سنت: إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا أَحْمَرَ قِبَلَ الْمَشْرِقِ فِي رَمَضَانَ فَادْخُرُوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا سَنَةُ جُوعٍ^۳

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۱. حر عاملی، إنبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۳.

۳. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۶۸. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۱. حر عاملی، إنبات الهداة، ج ۵، ص ۳۷۰.

۴. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۱۱۹.

اهل سنت: سَتَبْدُو آيَةً عَمُودًا مِنْ نَارٍ يَظْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يَرَاهُ أَهْلُ
الْأَرْضِ كُلُّهُمْ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيُعِدَّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ.

بنابراین، احتمال اینکه «عمود آتش مشرق» در ماه رمضان باشد و بعد از آن نیز سنة الجوع (سال قحطی) در پیش است، تقویت می شود. اما واضح است این مقدار اشتراک، الزاماً به معنای وحدت محتوایی نیست البته دلیلی هم بر تفاوت وجود ندارد.

نهایت امر این است با مقایسه درمی یابیم هرچند منابع فریقین اشتراک نظر دارند که آتش مشرق با فرج آل محمد و ظهور مرتبط است اما مصادر شیعی به زمان وقوع آتش مشرق در ماه رمضان تصریح ندارند.

اعتبارسنجی «سندی» آتش مشرق

► سند اول و دوم: سند موثق و معتبر

سند اول و دوم گزاره «آتش مشرق قبل ظهور» در الغیبه نعمانی بدین قرار است:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ ابْنُ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ
بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ
قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حمزة عَنْ أَبِيهِ وَوُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ
عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ: إِذَا رَأَيْتُمْ نَاراً مِنْ قِبَلِ
الْمَشْرِقِ

۱. مناوی، فیض القدیر، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳.

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ
يَعْقُوبَ الْجُعْفِيِّ أَبُو الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا
الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حمزة عَنْ أَبِيهِ وَوُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ
قِبَلِ الْمَشْرِقِ ...!

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ ابْنُ عُقْدَةَ الْكُوفِيِّ: احادیث ابن عقده،
به فور در کتب اربعه شیعه یافت می شود و وثاقت وی نزد رجالین
بزرگ شیعی ثابت است؛ و قدمای امامیه بر وثوق وی تأکید داشته اند.
نجاشی، وی را چنین توصیف می کند: «هذا رجل جلیل فی أصحاب
الحديث و عظم محله و ثقته و أمانته». شیخ طوسی نیز ابن عقده را
جلیل القدر و عظیم المنزلة توصیف می نماید.

۲. أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ الْجُعْفِيِّ: صاحب اصل و کتاب،
دارای مقام حسن و جلالت^۷ و قرائن مشعر به وثاقت^۸ است.

۱. نعمانی، الغریبة، ص ۲۶۷.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۹۴.

۳. طوسی، الرجال، ص ۴۰۹.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۱۲۷.

۵. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۸، ص ۲۶۶-۲۶۹.

۶. مازندرانی، منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۱، ص ۳۶۸.

۷. وثاقتی که از طریق بررسی های روایی و تتبع در اقوال رجالین شیعی و نیز توجه به قراین،
به دست می آید، «وثاقت اجتهادی و تحقیقی» گویند (غلامعلی، سلسله شناسی، ص ۳۱۶)؛
مثال بارز در بررسی وثاقت اجتهادی، می توان به حاصل تلاش پژوهشگران خبره رجال
شیعه تحت نظر آیه الله شبیری زنجانی اشاره نمود که البته اطلاعات آن هر سال به
روزرسانی و ویرایش نهایی می شود و حاصل بیش از ۲۰ سال تلاش تحقیقات رجال شیعه
است و در قالب دیجیتالی «نرم افزار درایة النور» به جامعه پژوهشی ارائه شده است.

۳. إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ (اسماعیل بن مهران بن محمد بن ابی نصر):
ثقه.^۱

۴ و ۵. الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ (عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ
البطائنی): از سران واقفیه لکن علماء و فقهاء به احادیث دوران
استقامت و وثاقت آنان که در دوران امام صادق و امام کاظم بوده، عمل
می کنند^۲ و احادیث دوران استقامت در زمره موثقہ قلمداد می شود.^۳

۶. وَهَيْبُ بْنُ حَفْصٍ (وهیب بن حفص الجریری): ثقه.^۴

۷. أَبِي بَصِيرٍ (یحیی ابوبصیر الاسدی): از اصحاب اجماع^۵ جلیل و
ثقه.^۶

۸. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (امام جعفر صادق): امام معصوم.

۹. أَبِي جَعْفَرٍ (امام محمد باقر): امام معصوم.

بنابراین گزاره «آتش مشرق قبل ظهور» در الغیبة نعمانی، دو طریق
دارد: الف. سند اول (ابی حمزه بطائنی از ابوبصیر از امام باقر) چون در
دوران استقامت بوده، حدیث موثق است؛ ب. سند دوم (وهیب بن

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۶. طوسی، الفهرست، ص ۲۷.

۲. «عملت الطائفة بأخبار ... الواقعة مثل ... علی بن ابی حمزة ... فیما لم یکن عندهم فیہ
خلافه» (طوسی، المدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱).

۳. «واعلم أنَّ الأصحاب إنما عملت بأخبارهم لكون أكثرهم نقلة الأخبار عن الأصول وكتبهم
عين كتب القدماء ... ولهذا جعلنا أخباره في الموثقات كالصحيح» (مجلسی، روضة
المتقين، ج ۱۴، ص ۳۹۴. مجلسی، روضة المتقين، ج ۱۴، ص ۴۷ و ۳۵۴).

۴. نجاشی، الرجال، ص ۴۳۱.

۵. کشی، الرجال، ج ۲، ص ۵۰۷.

۶. نجاشی، الرجال، ص ۴۴۱.

حفص از ابوبصیر از امام صادق (از نظر سندی، حدیث صحیح و معتبر است.

«سند سوم: سند صحیح و معتبر»

سند سوم گزاره آتش مشرق قبل ظهور در کتاب إعلام الوری طبرسی و کتاب سرور اهل ایمان نیلی نجفی نیز ذکر شده است:

عن الحسن بن محبوب عن [العلاء بن رزین] عن محمد [بن مسلم]
عن أحدهما قال: إذا رأيتم ناراً....^۱

البته محققین کتاب سرور اهل ایمان، اذعان کردند که سند دچار افتادگی است - و با توجه به سند موجود در کتاب إعلام الوری و به قرینه طریق مشهور با تصریح به اینکه طریق «الحسن بن محبوب عن العلاء» در کتب حدیثی «طریق پرتکراری»^۲ است - سند را تصحیح کردند.^۳

۱. الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ (الحسن بن محبوب السراذ): امامی^۴ ثقة^۵
عین جلیل القدر و از اصحاب اجماع.^۶

۱. طبرسی، إعلام الوری ط. قدیم، ص ۴۵۸. طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴. نیلی نجفی، سرور اهل ایمان، ص ۴۷.

۲. در کتب اربعه (الكافي، التهذيب و...)، طریق «الحسن بن محبوب عن العلاء بن رزین» با عبارت های گوناگون، بیش از ۸۰ مرتبه تکرار شده است (مرکز نور، فرم الغرر در راية النور، عنوان معیار الحسن بن محبوب السراذ).

۳. نیلی نجفی، سرور اهل ایمان، ص ۴۷.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۱۴۰ و ۱۶۰.

۵. طوسی، الرجال، ص ۳۳۴ و ۳۵۴.

۶. حلی، خلاصة الرجال، ص ۱۵۱.

۷. کشی، الرجال، ص ۵۵۶.

۲. العلاء بن رزین: وجه ثقه.

۳. مُحَمَّد بن مُسْلِم: امامی، ثقه وجه و از اصحاب اجماع.

۴. أَحَدِهِمَا: امام باقر یا امام صادق: امام معصوم.

اما مشکل اساسی، هرچند طریق معتبر است اما سند از مولف کتاب (طبرسی) تا حسن بن محبوب، مشخص نیست و در این صورت سند مرسل خواهد شد؛ هرچند قرائنی دال بر صحت وجود دارد.

با این حال، نقل إعلام الوری به همراه گزارش شیخ مفید در الإرشاد به عنوان موید، قابل پذیرش است. زیرا این گزاره در الغیبة نعمانی به دو سند موثق و معتبر ذکر شده و در اعتبار محتوای آن کفایت می‌کند.

بنابراین، سند گزاره «آتش مشرق» قبل ظهور در کتب شیعی، سند موثق و معتبر است و البته در کتب دیگر، نیز به عنوان موید محتوای آن ذکر شده است.

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۹۸.

۲. برقی، الرجال، ص ۱۷.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۴. کشی، الرجال، ص ۲۳۸ و ۵۵۶.

۵. طبرسی، به دلیل وجود احادیث در کتاب‌هایی که حکم به صحت آن‌ها شده است، برخی مواقع، سند را حذف کرده است: «أثبتها محذوفة الأسانید تعویلا في ذلك على اشتهاها بين نقلة الآثار و اعتمادا على أن نقلها من كتب محكمة بالصحة عند نقاد الأخبار» (طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۳۵۹).

«آتش مشرق»: پدیده فلکی و اعجاز الهی یا جنگ و انفجار هسته‌ای؟

آتش مشرق: پدیده فلکی و رخداد آسمانی

معتقدان این دیدگاه، بیان می‌کنند: گزاره «عمود نار مشرق» پدیده فلکی و اعجاز الهی است سپس ادعا می‌کنند این قبیل روایات را می‌توان در پیوند با موضوع «ستاره دنباله دار» (التَّجْمُ ذُو الذَّنْبِ) مورد بررسی قرار داد و البته در کنار روایات آتش مشرق که بیان کردیم، به برخی احادیث دیگر نیز استناد می‌شود؛ از جمله در کتاب کمال الدین صدوق ذکر شده است:

ظَهَرَتِ الْحُمْرَةُ فِي السَّمَاءِ ثَلَاثًا فِيهَا أَعْمِدَةٌ كَأَعْمِدَةِ اللَّجَيْنِ تَتَلَأَلُ نُورًا.^۱

۱. فلاح، «بررسی مقارن پدیده‌های کیهانی در پیش و پس از عصر ظهور»، فصلنامه «مشرق

«مشرق»، ش ۴۷، ص ۱۹۵-۱۹۸.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام السعید، ج ۲، ص ۴۶۹.

در آسمان، سه سرخی پدیدار می شود و در آن ستون هایی
سیمین و نورانی پدیدار گردد.

و نیز ابن طاووس به نقل از منابع اهل سنت در کتاب الملاحم والفتن
به این رخداد اشاره می کند:

سَتَبْدُوا آيَةً عَمُودٍ مِنْ نَارٍ تَطْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يَرَاهَا أَهْلُ الْأَرْضِ
كُلُّهُمْ.

عمودی از آتش از طرف مشرق ظاهر می شود که همه
اهل زمین آن را می بینند.

روایت دوم گرچه تصریح به رخدادی خاص در آسمان ندارد ولی
باتوجه به تعبیر «تَطْلُعُ» (طلوع می کند) که غالباً برای نشانه های آسمانی
به کار می رود، و نیز باتوجه به اینکه همه اهل زمین آن را مشاهده می کنند،
حاکمی از رخداد فلکی است که با گردش در آسمان همانند ماه، فرصت
مشاهده را به همه ساکنان زمین می دهد.

و اگر پدیده فلکی و رخداد آسمانی باشد، باتوجه به احادیث عامه،
زمان وقوع آن در ماه رمضان است. و عبارت سه تا هفت روز، اشاره به
این است که برخی مردم، این پدیده را زودتر مشاهده خواهند کرد و
برخی دیرتر. و طبیعی است آن هایی که زودتر مشاهده کردند، زمان
بیشتری برای شان متصور است و این اختلاف به تناسب وضعیت
مشاهده کنندگان در اقصی نقاط کره زمین است. در نتیجه عبارت
«ثلاثة او سبعة ايام»، قرینه بر این است که نار مشرق، پدیده فلکی است

«آتش مشرق»: پدیده فلکی و اعجاز الهی یا جنگ و انفجار هسته‌ای؟ [۴۱]

و بسته به موقعیت جغرافیایی هر شخص، در نهایت برای تمام اهل زمین دیده خواهد شد (يَرَاهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ) و این پدیده، علامتی برای هرج و مرج جهانی و نشانه جنگ است:

إِنَّ لِحُرُوجِهِ عَلَامَاتٍ عَشْرَةً أَوَّلُهَا طُلُوعُ الْكَوْكَبِ ذِي الذَّنْبِ وَيُقَارِبُ مِنَ الْحَادِي وَيَقَعُ فِيهِ هَرْجٌ وَمَرْجٌ وَشَغَبٌ.

آگاه باشید که برای ظهور منجی، ده علامت است از جمله: طلوع ستاره دنباله‌دار است که به ستاره حادی نزدیک می‌شود، و در آن موقع هرج و مرج و شرارت روی می‌دهد.

در این حدیث از وقوع هرج و مرج جهانی خبر داده شده است که قطعی و گرسنگی در دنیا از مصادیق بارز آن خواهد بود. و از آنجا که در احادیث آتش مشرق نیز از وقوع سنة الجوع و سال گرسنگی سخن به میان آمده، شاهدی بر اتحاد محتوایی کوكب ذوالذنب و آتش مشرق است. از دیگر موارد استشهاد قائلین به فلکی بودن رخداد آتش مشرق، متن نقل شده در کتاب الاختصاص شیخ مفید است:

إِذَا رَأَيْتَ كَوْكَبًا أَحْمَرَ لَا تَعْرِفُهُ وَ لَيْسَ عَلَى مَجَارِي النُّجُومِ يَنْتَقِلُ فِي السَّمَاءِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ يُشَبِّهُ الْعُمُودَ وَ لَيْسَ بِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ آيَةُ الْحَرْبِ وَ الْبَلَايَا وَ قَتْلِ الْعُظَمَاءِ وَ كَثْرَةِ الشُّرُورِ وَ الْهُمُومِ وَ الْأَشُوبِ فِي النَّاسِ.

چون ستاره سرخ ببینید برخلاف روال معمول ستاره‌ها که مانند عمود در آسمان جابجا می‌شود، آگاه باشید که نشانه

۱. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۲۱۶.

۲. مفید، الإختصاص، ص ۱۶۲.

جنگ و بلا و کشتار بزرگ و شر و اندوه و آشوب فراوان در میان مردم خواهد بود.

اما متن نقل شده در کتاب فوق، الزاماً حدیث نیست و علامه مجلسی نیز این موضوع را تذکر داده است.^۱

► ابهامات این دیدگاه

لکن این احتمال معجزه آسمانی و رخداد فلکی بودن آتش مشرق، ضعیف است. زیرا در لسان احادیث از پدیده فلکی معمولاً به آتش تعبیر نمی شود بلکه همان طور که در روایات کسوف و خسوف، صیحه آسمانی در ماه رمضان، نداهاى سه گانه در ماه رجب مشاهده می شود، بیشتر به آیه (نشانه) برای این وقایع تعبیر شده است.^۲ ضمن اینکه توجه به جوهر معنایی «الهُدَى»، دیدگاه پدیده فلکی بودن این رخداد آخرالزمانی را تضعیف می کند. توضیح اینکه:

۱. معمولاً ستاره دنباله دار به آتش تعبیر نمی شود. و این سؤال به ذهن متبادر است چه لزومی داشت حتی اگر قرار است «آثار» ستاره دنباله دار که به صورت عمود زرد و سرخ زعفرانی در آسمان ظاهر شود، به نار و آتش تعبیر شود در حالی که می شد همان تعبیر نجم استعمال گردد؟ یعنی عبارتی

۱. علامه مجلسی بیان می فرماید: «لما ذكر الشيخ المفيد هذه الأحكام في الاختصاص أورده ولم يستند إلى رواية وأخذ من كتب أصحاب علم النجوم بعيد» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۳۶).

۲. «لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَةٌ» (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۶). «آيَتَيْنِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ ... وَ ذَلِكَ أَنَّ الشَّمْسَ تَنْكَسِفُ فِي النِّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْقَمَرَ فِي آخِرِهِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۱).

همچون عبارت «نجم من قبل المشرق شبه الهردی» و مشابه آن اگر تعبیر می‌شد، دیدگاه اول کاملاً تقویت می‌شد درحالی‌که چنین نیست.

۲. ضمن اینکه نعمانی این دو واقعه «نجم ذوالذنب» و «نار من قبل المشرق» را جدا از هم ذکر کرده است. و نشان می‌دهد در نگاه قدماء دو رویداد مستقل بوده است.

۳. در لغت عربی استعمال واژه «نار» برای جنگ، تعبیر شایع و مشهوری است^۱، و اصولاً در تراث مهدوی، تعبیر «نار» برای عذاب، فتنه‌ها و جنگ نیز استعمال شده است و نیز با توجه به جوهره معنایی واژه «الهردی»^۲، وصف آتش برای ستاره دنباله‌دار، دشوار است.

۴. مهم‌تر اینکه با مقایسه درمی‌یابیم، کلیدواژه‌های این دو حادثه نیز با هم فرق دارد. زیرا در گزاره آتش مشرق، عبارت فرج و گشایش برای مردم «فَرَجُ النَّاسِ» است درحالی‌که در گزاره نشانه آتش آسمانی و احادیث مرتبط با نجم و کوکب ذوالذنب، سخن از زجر و عذاب مردم «يُزَجَرُ النَّاسُ»^۳ است.

۱. «طُلُوعُ النَّجْمِ الْأَحْمَرِ» (نعمانی، النبیة، ص ۱۴۷). البته در فرض اینکه نجم احمر همان نجم ذوالذنب باشد.

۲. «نَارًا مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ شِبْهَ الْهَرْدِيِّ الْعَظِيمِ» (نعمانی، النبیة، ص ۲۵۳).

۳. سوره مائده، آیه ۶۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۲۸.

۴. رخداد بارنگ زرد و سرخ زعفرانی را الهردی گویند. «الهردی: صُبْغٌ أَصْفَرُ» (جوهری، التمهید، ج ۲، ص ۵۵۶. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۵۰)؛ «الْكُرْكُمُ الزَّعْفَرَانُ» (فراهیدی، المیزان، ج ۵، ص ۴۳۲)؛ «و طِينٌ أَحْمَرُ» (فیروزآبادی، قاموس المحیط، ج ۱، ص ۴۸۳).

۵. «يُزَجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَنْ مَعَاصِيهِمْ بِنَارٍ تَطْهَرُ فِي السَّمَاءِ وَ حُمْرَةٌ تُجَلِّلُ السَّمَاءَ» (مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۷۸).

۵. بنابراین، قرائن درون متنی همچون واژه «الهردی» (آتش زرد و سرخ به رنگ زعفران)، زبانه کشیدن «عمود» شعله‌های آتش در آسمان، دستور «ذخیره غذایی» به مدت یک سال (سنة الجوع)، نشانگر این است جهان با بحران سیاسی امنیتی نظامی در ابعاد گسترده مواجه است که دستور ذخیره غذایی صادر شده است، و بیشتر حاکی از وقوع جنگ دارد. در نتیجه ذکر «سال گرسنگی» و قحطی در جهان (سنة الجوع) بیانگر این واقعیت است که هویت نار مشرق، آتش جنگی و صنّع بشری است و نه رخداد فلکی و پدیده کیهانی. زیرا گرسنگی و قحطی در ابعاد جهانی اشاره به این دارد که امنیت در مقیاس بین‌المللی به خطر افتاده است که اینچنین موجب جوع و قحطی خواهد شد.

آتش مشرق: صنّع بشری (هویت جنگی)

برخی از محققین «عمود آتش در آسمان»، را صنّع بشری و هویت جنگی می‌دانند و معتقدند «نار» به معنای حقیقی آن یعنی وقوع آتش‌سوزی طبیعی هرچند محتمل است لکن به قرائن «درون متنی» همچون واژه «الهردی» (آتش زرد و سرخ به رنگ زعفران)، زبانه کشیدن «عمود» شعله‌های آتش در آسمان به گونه‌ای که توجه بیشتر مردم زمین را به خود جلب می‌کند، دستور «ذخیره غذایی» به مدت یک سال (سنة الجوع)، همگی حاکی از وقوع تقابل نظامی و جنگ دارد. بویژه ذکر «سال

۱. آتش به صورت عمودی به مدت چند روز به آسمان شعله می‌کشد.

۲. و نشانگر این است جهان با بحران سیاسی امنیتی نظامی در ابعاد گسترده مواجه است که دستور ذخیره غذایی صادر شده است،

قحطی» در جهان (سنة الجوع) نشانگر این است که هویت نار مشرق، آتش جنگی و صنّع بشری است و نه رخداد فلکی و پدیده کیهانی. زیرا گرسنگی و قحطی در ابعاد جهانی به صرف آتش سوزی و حریق و یا گدازه‌های آتشفشانی^۱ در «منطقه‌ای خاص» رخ نخواهد داد بلکه در واقع نار مشرق اشاره به این مهم دارد که امنیت بین‌المللی به خطر افتاده است که اینچنین موجب جوع و قحطی خواهد شد.

قرائن «برون متنی» یعنی به قرینه سایر احادیث که از وقوع جنگ‌های خانمان سوز قبل ظهور گزارش شده نیز موید است. ضمن اینکه سخن از «فرج الناس و فرج آل محمد»، مناسبتی با آتش سوزی چندروزه ندارد بلکه آتش سوزی طبیعی، قرن‌ها است که به وقوع می‌پیوندد. و در واقع ذکر «فرج الناس» بیانگر این است این آتش، نه تنها متوجه دشمنان امام عصر است بلکه متوجه «دشمنان بشریت» خواهد بود که بعد از آن به سبب شکست «ظالم جهانی»، چنین گشایشی ایجاد خواهد شد و این نیز خود قرینه دیگری است که مقصود آتش سوزی طبیعی نیست. از این رو تعبیر «آتش مشرق قبل ظهور» اشعار به درگیری نظامی و جنگ دارد که به سبب شکست دشمن بشریت، نه تنها «فرج الناس» رخ خواهد داد بلکه به سبب شکست دشمنان امام عصر، گشایش شیعیان «فرج آل محمد» نیز اتفاق خواهد افتاد.

۱. آتش مشرق حاصل فعل و انفعالات آتشفشانی نیست زیرا فوراً گدازه‌های آتشفشان بر روی زمین جاری می‌شود درحالی‌که در احادیث به صراحت بیان شده است «عمود» آتش چند روز در آسمان دیده می‌شود.

«مقصود از مشرق: ایران یا سایر کشورهای مشرق جغرافیایی؟»

در تراث حدیثی، مقصود از «مشرق» اعم است و نمی‌توان به محدوده خاص جغرافیایی منحصر شود و فقط به حسب قرائن و نسبت به مکان صدور حدیث، تشخیص داده می‌شود؛ مهمترین احتمالات در تعیین محدوده جغرافیایی «مشرق» از این قبیل است:

۱. احتمال اول: چون مخاطب (راوی) و امام معصوم (امام باقر و امام صادق) در حجاز بوده است، مقصود مناطق شرق عربستان است.^۱
۲. احتمال دوم: بنابر احادیث هم خانواده در تراث مهدوی مقصود، ایران است^۲ کما اینکه در احادیث دیگر نیز از سرزمین ایران و قوم سلمان فارسی به ارض مشرق تعبیر شده است.^۳

۱. به عنوان مثال: در برخی احادیث از وقوع آتش در حجاز و برخی مناطق عربستان سخن به میان آمده است: «إِذَا مَلَأَ نَجْفَكُمُ السَّيْلُ وَ الْمَطَرُ وَ ظَهَرَتِ النَّارُ بِالْحِجَازِ ... فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ» (عاملی، صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۰۷).

۲. به عنوان مثال: در توصیف «شیعیان زمینه‌ساز» که انقلاب‌شان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد، به «قوم مشرق» تعبیر شده است: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَظْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ... حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ محققین نیز در اینکه مراد از مشرق، ایران می‌باشد، تردیدی به خود راه ندادند (ر.ک: مافی، «نقش ایرانیان در عصر ظهور»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۵، ص ۲۰. صمدی، «بایسته‌های ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۵، ص ۱۳۹. الاسدی، «عنصر الخفاء فی القضية المهدویة»، فصلنامه الموعود، طبع نجف اشرف، ش ۴، ص ۱۲۶. ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۸، ص ۳۶۲. فتلاوی، ثورة الموبطین المهدی، ص ۱۹۴. طبسی، چشم‌اندازی به حکومت مهدی، ص ۴۶. کورانی، المجمع الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۴۹۵. مرتضی عاملی، دراسة فی علامات الظهور، ص ۲۸. پوررستمی، مجموعه آثار ششمین همایش بین‌المللی «کتابین مهدویت»، ج ۱، ص ۳۸۰. قبانچی، موجز دائرة المعارف الغیبة، ص ۵۶).
۳. به عنوان مثال: در توصیف لشکر ایرانیان زمینه‌ساز - هنگامیکه از قصد رویارویی نظامی

۳. احتمال سوم: جمیع بلاد مشرق (همه سرزمین‌ها اعم از مناطق دریایی و خشکی در مشرق جغرافیایی)؛ بنابراین همه کشورها در شرق حجاز و جزیره العرب، می‌تواند مقصود باشد از جمله ایران و عراق که نیز جزو بلاد مشرق نسبت به کشور عربستان می‌باشند.

► آتش در مشرق یا آتش از مشرق؟

سؤال و ابهام اساسی دیگر اینکه، آتش در مشرق است یا از سمت مشرق روانه می‌شود؟ (نار فی المشرق او نار من المشرق) کدام مقصود است؟ یعنی آتشی که از ناحیه دشمن بر ساکنین منطقه مشرق فرود می‌آید و سه تا هفت روز طول می‌کشد یا آتشی که از سمت مشرق به دشمنان فرود خواهد آمد؟ شواهد تقویت فرض دوم یعنی آتشی که از سمت مشرق به دشمنان وارد می‌شود:

إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ ... إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ^۱

با لشکر سفیانی همپیمان با غربی‌ها در عراق سخن به میان می‌آید - تصریح شده است که لشکر خراسانی از مشرق به کوفه وارد می‌شوند: «يُخْرِجُ عَلَيْهِمُ الْخُرَّاسَانِيَّ وَالشُّفْيَانِيَّ هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۵)؛ و نیز مثال دیگر: «تَأْخُذُهُ مِنْكَ بِدَّةٌ دَوَّازْدَه» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۹۷)؛ «بده دوازده لفظ فارسی و معناه العشرة باثنی عشر يستعمله التجار بالمشرق» (ابن حیون، دهاشم الاسلام، ج ۲، ص ۴۹).

۱. به عنوان مثال: در توصیف صبحه آسمانی ذکر شده است که همه اهل زمین در شرق و غرب عالم، این ندای آسمانی را می‌شنوند: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۴).

۲. نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

۳. نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

از طرفی با جستجو در میراث حدیثی شیعه، به موارد مشابه‌ای نیز دست می‌یابیم که این احتمال دوم را تقویت می‌کند از جمله، در تراث مهدوی، عبارت «من قبل المشرق» در احادیث دیگر نیز تکرار شده است و کاملاً واضح است که از «سمت، ناحیه و جهت مشرق» مراد است:

الْمُهْدِيُّ ... يَكُونُ مَبْدُؤُهُ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ^۱

مبداء و زمینه‌سازی حکومت امام مهدی از سمت مشرق است.

اما ممکن است بیان شود: «نار من المشرق» احتمال دارد حمله دشمن به ایران نیز باشد زیرا در اینصورت نیز مردم آتشی را از مشرق (ایران) می‌بینند. لکن ترجیح معنای عرفی «نار من قبل المشرق»، یعنی آتش از سمت مشرق به سوی دشمن است. در لسان احادیث نیز اینگونه تعبیر وجود دارد. به عنوان مثال، عبارت حدیثی «رایات من قبل خراسان»^۲ آیا مقصود حضور رایات در خراسان است یا حرکت از سوی منطقه خراسان به سمت مکان دیگری که عراق می‌باشد.

قرائن درون‌متنی دال بر فرض دوم است. و در صورت اندک آشنایی با لسان احادیث اهل بیت، عبارت «من قبل المشرق»، ترجیحاً مقصود صدور آتش از ناحیه مشرق (ایران) به سوی دشمن است و نه وقوع آتش در سرزمین مشرق. لغت نیز بر همین معنا استوار است.^۳

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۴. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۵۲۸.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰.

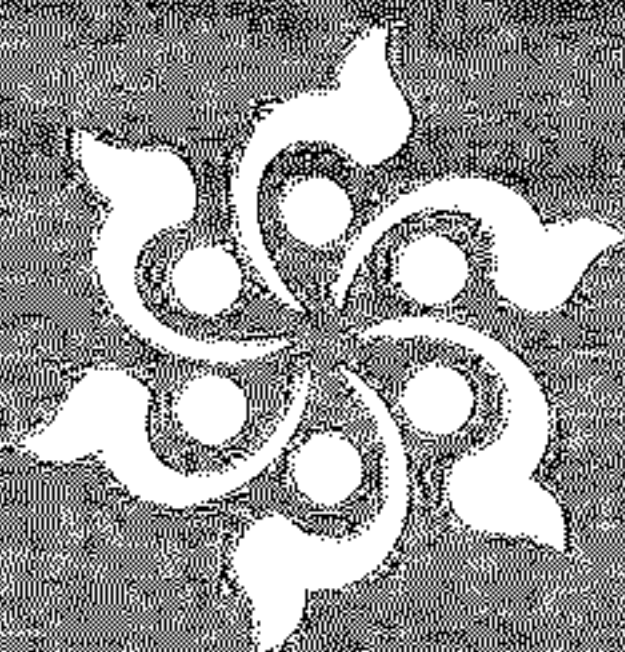
۳. قبيله: أي جِهته (فیومی، المصباح المفیر، ج ۲، ص ۴۸۹)؛ الناحیه: الجهة (طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۵۹).

بنابراین درباره گزاره نار (آتش) مشرق اگر کنایه از جنگ است، دو احتمال مطرح است: صدور جنگ از سمت مشرق یا وقوع جنگ در مشرق؟ و نیز با توجه به حرف «مِنْ»، عبارت بدین گونه خواهد بود: جنگ از سمت مشرق^۱ یا جنگ در منطقه مشرق^۲. البته هرچند فرض دوم ترجیح دارد لکن هر دو دیدگاه قابل جمع است و فرقی ندارد. زیرا در هر صورت آتش و جنگ در ناحیه مشرق برای مردم و اهل زمین قابل رویت خواهد بود.

با فرض اینکه هویت آتش مشرق قبل ظهور، صُنع بشری و هویت جنگی است، چهار دیدگاه مهم مطرح است که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

۱. حرف مِنْ به معنای ابتدائیت (ابن هشام، مغنی اللییب، ج ۱، ص ۳۱۸).

۲. حرف مِنْ به معنای فی (ابن هشام، مغنی اللییب، ج ۱، ص ۳۲۱).



دیدگاه‌های مختلف درباره «آتش جنگ مشرق» قبل ظهور

دیدگاه اول: آتش مشرق حجاز قبل ظهور

هرچند مکان وقوع این آتش عظیم، به طور دقیق مشخص نشده است که در کدام کشور واقع خواهد شد؟ لکن قائلین دیدگاه اول با استناد به گزاره حدیثی وقوع آتش در حجاز (عربستان):

إِذَا وَقَعَتِ النَّارُ فِي حِجَازِكُمْ وَجَرَى الْمَاءُ فِي نَجْفِكُمْ فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ قَائِمِكُمْ؛ إِذَا مَلَأَ نَجْفُكُمُ السَّيْلُ وَالْمَطَرُ وَظَهَرَتِ النَّارُ بِالْحِجَازِ... فَتَوَقَّعُوا ظُهُورَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ.^۱

بیان می‌کنند آتش مشرق، احتمالاً انفجار میادین نفتی در عربستان قبل ظهور مقصود است.^۲

۱. عاملی، صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۲. حر عاملی، إنبات الهداة، ج ۵، ص ۲۰۷.

۳. کورانی، المعجم الموضوعی للإمام المهدي، ص ۳۹۷. کورانی، عصر الظهور، ص ۲۰۳. کورانی، عصر الظهور، ص ۲۹۷-۲۹۸.

لازم به ذکر است، وقوع آتش در حجاز در منابع معتبر اهل سنت همچون کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم نیز گزارش شده است:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَخْرُجَ نَارٌ مِنْ أَرْضِ الْحِجَازِ^۱

البته بیان گردید اطلاق مشرق بر مناطق شرقی حجاز (عربستان)، احتمال ضعیفی است. و اصولاً آیا در احادیث، لفظ مشرق برای حجاز استعمال شده است؟ در لسان احادیث، مشرق به مناطق ایران، خراسان قدیم و... بیشتر اطلاق می شده است و اهل بیت برای مناطق عربستان از واژه حجاز و جزيرة العرب استفاده کرده اند^۲. از این رو احتمال دارد وقوع گزاره آتش در عربستان متفاوت از آتش مشرق قبل ظهور قلمداد شود و دو حادثه جداگانه باشند.

دیدگاه دوم: آتش آذربایجان قبل ظهور

این دیدگاه بیان می کند با توجه به اینکه منطقه آذربایجان قدیم، جزو بلاد مشرق بوده است^۳، به قرینه گزاره حدیثی «نار آذربایجان»^۴، مقصود

۱. بخاری، صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۲۹. النیسابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۸.
 ۲. البته در تراث حدیثی فریقین، از حوادث عربستان علاوه بر واژه «حجاز» و «جزیره العرب» با ذکر کلیدواژه هایی همچون: «حجاز کم»، «الحجاز»، «الکعبه»، «بین الرکن و المقام»، «بین الرکنین»، «البیداء»، «جیش الخسف»، «مکه و المدینه»، «الحرم»، «بیت الله الحرام»، «بین الحرمین» و... سخن به میان آمده است (کورانی، المعجم الموشح للاحادیث الإمام المهدي، ص ۳۹۴-۴۰۴).

۳. منطقه آذربایجان جزو بلاد مشرق شمرده می شود: «نَهْرٌ يُقَالُ لَهُ الرَّشُّ مِنْ بِلَادِ الْمَشْرِقِ» (صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۴۱). مناطق پیرامونی رودخانه ارس جزو بلاد آذربایجان محسوب می شود: «الرس وادی آذربایجان» (حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۴).

۴. «لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ آذَرْبَیجَانٍ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ وَأَلْبُدُوا

از آتش مشرق، همان آتش جنگ در آذربایجان قبل ظهور است که محدوده جغرافیایی بلاد آذربایجان در زمان صدور نص تا مرزهای امپراطوری روم شرقی و بحر القرم (دریای سیاه) امتداد داشته است. و در دلیلی عجیب بیان می‌کنند، راویان آتش مشرق و آتش آذربایجان، مشترک و یکی هستند؛ از این رو اتحاد مضمونی را ثابت می‌دانند که یک واقعه و حادثه به دو بیان مختلف ذکر شده است.

جواب واضح است: سیاق دو گزاره با هم فرق دارد؛ آتش مشرق نهایت تا هفت روز ادامه خواهد داشت در حالی که آتش آذربایجان چیزی جلودار گسترش آن نیست (لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ أَذْرَبِيجَانَ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ)؛ در واقع آتش مشرق، محدود اما آتش آذربایجان رو به گسترش است. البته در گزاره «آتش آذربایجان» دعوت به سکون و عدم مداخله نظامی نیز شده است (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ) در حالی که در گزاره «آتش

مَا أَلْبَدْنَا فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعَوْا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبَوْنَا وَ اللَّهُ لَكَائِي أَنْظُرْ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۴ و ۲۶۳).

۱. «آذربایجان، آذربایجان: اقلیم واسع ... من اردبیل الی برزند (تفلیس)، اران، نخجوان و ایضا بعض البلاد التي على ساحل بحر القرم حدود بلاد الروم» (ر.ک: اصطخری، مسالک الممالک، ص ۱۸۱. حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵. یعقوبی، البلدان، ص ۷۹. مدنی، الطراز الاول، ج ۷، ص ۲۴. بروسوی، أوضح المسالك إلى معرفة البلدان، ص ۶۲۳. ابوالفداء، تقویم البلدان، ص ۴۴۰).

۲. «حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد ابن عقدة الكوفي قال حدثنا أحمد بن يوسف بن يعقوب الجعفي أبو الحسن قال حدثنا إسماعيل بن مهران قال حدثنا الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه وهيب بن حفص عن أبي بصير عن أبي عبد الله: لا بد لنا من آذربيجان» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۴)؛ «إذا رأيتم نارا من قبل المشرق شبه الهندي العظيم» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۳).

۳. نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۴ و ۲۶۳.

۴. نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۴ و ۲۶۳.

مشرق» سخن از فرج آل محمد (گشایش شیعه) و دعوت به اتخاذ برنامه اقتصادی برای مقابله با تهدیدات سال قحطی شده است.

اما ممکن است اینگونه پاسخ داده شود: اگر در فتنه آتش آذربایجان قبل ظهور از سلاح هسته‌ای و حمله اتمی استفاده گردد، آنگاه شعله‌های انفجار هسته‌ای شبیه توصیف گزاره آتش مشرق (الْهَرْدِی: آتش به رنگ زرد و سرخ) است و باید بعد از آن ذخیره مواد غذایی برای یک سال انجام شود.

و البته درباره آتش فتنه و جنگ در بلاد آذربایجان - که از گسل‌های فعال شرارت جنگ جهانی قبل ظهور خواهد بود - به تفصیل در نوشتاری مستقل و جداگانه، بحث و گفتگو شده است.^۱

دیدگاه سوم: حمله دشمن به ایران و محور مقاومت شیعی

دیدگاه سوم، نگاه بسیار متفاوتی را نسبت به دو دیدگاه پیشین، ابراز و بیان می‌نماید: مقصود از آتش مشرق، به قرینه اینکه مشرق در تراث مهدوی به ایران نیز اطلاق شده است، می‌تواند حمله دشمن به بلاد شیعی تلقی شود. البته مدافعان این نظریه در تقویت این دیدگاه سوم می‌کوشند به شواهدی از میراث حدیثی، نیز استناد نمایند که به اجمال^۲ فقط یکی از ادله قائلین این دیدگاه، نقد و بررسی خواهد شد:

۱. امیری، آتش آذربایجان قبل از ظهور، نشر مسجد جمکران.

۲. زیرا سایر ادله قائلین دیدگاه سوم، ارتباطی با گزاره «آتش مشرق» ندارد و از موضوع این نوشتار، تخصصاً خارج است.

► استناد به توقیع امام عصر به شیخ مفید

در کتاب الإحتجاج طبرسی و در توقیع منسوب امام عصر به شیخ مفید، ضمن ارائه دستورات و برشمردن وظایف شیعیان، به وقوع رویدادها و اخبار غیبی در «جغرافیای ظهور» نیز اشاره می‌شود؛ از جمله: در ماه جمادی از آسمان و زمین، علامت‌هایی آشکار می‌شود. قوم مشرق (ایرانیان)، محزون و غمگین می‌شوند. بعد حوادثی در عراق رخ می‌دهد و «مارقین» بر بخشی از امور عراق مسلط می‌شوند که مخالف محور مقاومت شیعی هستند. درباره عبارت «مراق عن الاسلام» (خارج از اسلام) و تسلط آن‌ها بر عراق، دو احتمال مطرح است: ۱. مراق یعنی مسلمان (همچون خوارج که مارقین نام گرفتند) اما مخالف جریان زمینه‌ساز شیعی که با کودتا یا تزویر بر قدرت مسلط خواهند شد؛ ۲. مراق یعنی غیرمسلمانان همچنانکه درباره همپیمان غربی و حامی یهود نیز «مارقة الروم» اطلاق شده است. البته جمع بین دو احتمال نیز امکان‌پذیر است (جریان درون مذهبی مخالف محور مقاومت شیعی در عراق که از حمایت غربی‌ها نیز برخوردار هستند).

تضعیف جبهه حق در امور عراق ادامه دارد تا اینکه یکی از سران شرور مخالف شیعه - و به قرینه اینکه در ادامه سخن از باز شدن حج است، می‌توان دریافت راه حج قبل از آن بسته بوده است - در عربستان سعودی یا کشور دیگری به هلاکت می‌رسد و آنگاه حوادثی شگرف و خشنوده‌کننده برای شیعیان آغاز خواهد شد:

إِذَا حَلَ جُمَادَى الْأُولَى مِنْ سَنَتِكُمْ هَذِهِ فَاعْتَبِرُوا بِمَا يَخْدُثُ فِيهِ وَ
 اسْتَيْقِظُوا مِنْ رَقَدَتِكُمْ لِمَا يَكُونُ فِي الَّذِي يَلِيهِ سَتَظْهَرُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
 آيَةٌ جَلِيَّةٌ وَمِنْ الْأَرْضِ مِثْلُهَا بِالسَّوِيَّةِ وَيَخْدُثُ فِي أَرْضِ الْمَشْرِقِ مَا
 يَحْزُنُ وَيُثْقِلُ وَيَغْلِبُ مِنْ بَعْدُ عَلَى الْعِرَاقِ طَوَائِفُ عَنِ الْإِسْلَامِ مُرَاقٍ
 تَضِيقُ بِسُوءِ فَعَالِهِمْ عَلَى أَهْلِهِ الْأَرْزَاقِ ثُمَّ تَنْفَرُجُ الْغَمَّةُ مِنْ بَعْدِ بَيَّوَارٍ
 طَاغُوتٍ مِنَ الْأَشْرَارِ ثُمَّ يُسَرُّ بِهَلَاكِهِ الْمُتَّقُونَ الْأَخْيَارُ وَيَتَّفِقُ لِلْمُرِيدِ الْحَجِّ
 مِنَ الْأَفَاقِ مَا يُؤْمَلُونَهُ مِنْهُ عَلَى تَوْفِيرٍ عَلَيْهِ مِنْهُمْ وَاتِّفَاقٍ وَلَنَا فِي تَبْسِيرِ
 حَجِّهِمْ عَلَى الْإِخْتِيَارِ مِنْهُمْ وَالْوِفَاقِ شَأْنٌ يَظْهَرُ عَلَى نِظَامٍ وَاتِّسَاقٍ.
 چون ماه جمادی الاولی فرارسید، باید از آنچه روی می دهد،
 عبرت بگیرید و از آنچه بعد از آن واقع می شود، از خواب
 غفلت بیدار شوید (هوشیار باشید). علامت آشکاری از
 آسمان برای شما پدید می آید و نظیر آن در زمین نیز ظاهر
 می گردد. و حوادثی در سرزمین مشرق اتفاق می افتد که
 موجب غم و اندوه است و مردم را به وحشت می اندازد. آنگاه
 بی دینان بر عراق مسلط می گردند و بواسطه سوء اعمال آن ها
 اهل عراق دچار سختی در معیشت و کمبود رزق می شوند،
 سپس این محنت با مرگ یکی از اشرار از میان می رود و از
 مرگ او، پرهیزکاران و شیعیان خشنود می گردند، و مردمی
 که از اطراف عالم آرزوی حج بیت الله دارند، به آرزوی خود
 می رسند و به حج می روند.

یکی از «ادله علمی» قائلین به اتحاد مضمونی آتش مشرق با حمله
 دشمن به مناطق شیعی بیان گردید. البته ناگفته نماند برخی افراد

و جریان‌ها از نگاه آکادمیک و علمی خارج شده و صرفاً با «اغراض سیاسی» در جهت مخالفت با انقلاب زمینه‌ساز و تضعیف جبهه حق، در ترویج دیدگاه سوم می‌کوشند، در حالی که می‌بایست طرح این نوع دیدگاه‌های متفاوت در کرسی‌های نظریه‌پردازی و با حضور صاحب‌نظران و با رعایت موازین علمی و اجتهادی، به بحث و گفتگو و تبادل آراء و اندیشه در این باره پرداخت.

شیخ مفید در عصر غیبت کبری زندگی می‌کرده و اصولاً ادعای دیدار و ملاقات و دریافت حکم و صدور توقیع در عصر غیبت کبری، مسموع و پذیرفته نیست^۱ و اصل بر «انکار و تکذیب» مدعی ملاقات و دریافت حکم در عصر غیبت است.^۲

توضیح اینکه: ظاهر بر این است در عصر غیبت کبری، فقط توقیع امام عصر برای شیخ مفید صادر شده است.^۳ اما از طرفی توقیع در حدود

۱. تعدادی انگشت‌شمار کانال تلگرامی و پیج اینستاگرام در فضای مجازی با طراحی پیچیده در چند لایه امنیتی، که از آن سوی مرزها هدایت و حمایت می‌شوند، با هدف مبارزه با انقلاب شیعی امام خمینی، در حال ترویج دیدگاه سوم هستند و همین موضوع، باعث شده آن دسته از اندیشمندان که با رعایت موازین علمی در صدور تنویر افکار عمومی هستند با شانتاژ رسانه‌ای این دسته افراد، با «محدودیت» در بیان دیدگاه‌های خویش در جهت مقابله با دسیسه‌های دشمنان مواجه شوند.

۲. و آنچه امروزه در عصر معاصر به عنوان دست خط و پیام شفاهی و نقل حکم آن حضرت ارائه می‌شود هیچ پایه و اساسی ندارد. امری که متأسفانه توسط مدعیان دروغین مهدویت و فرقه‌های انحرافی همچون فرقه احمد اسماعیل بصری ادعا می‌شود.

۳. سلیمیان، روش نقد و بررسی روایات مهدویت، ص ۱۹۳-۱۹۴.

۴. البته برخی از علمای معاصر، پیامی را که برای مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی به وسیله مرحوم محمد کوفی شوشتری نقل شده نیز در شمار پیام‌ها و سخنان حضرت مهدی ذکر کرده‌اند (شبیری زنجانی، جریحه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۵۳۶).

هزار سال پیش نقل شده و مشتمل بر «ملاحم و اخبار غیبی» بوده است^۱، و به مقتضای قرائن و نیز نقل متن توقیع در کتاب معتبر الإحتجاج^۲، و البته قبل از آن، وجود بخشی از متن توقیع در کهن ترین نسخه المصباح طوسی^۳؛ بنابراین از آنجا که این توقیعات منسوب به امام عصر است، انکار قطعی آن روا نیست^۴ اما اثبات شدنی نیز نیست^۵؛ البته کماکان، درباره صحت و انتساب توقیع، جای گفتگو و بررسی بیشتری وجود دارد.^۶

«اشتمال توقیع بر ملاحم و اخبار غیبی؟»

صرفنظر از «انتساب صدور قطعی» توقیع برای شیخ مفید، سؤال مهمی مطرح می شود: این فقره از توقیع برای رویدادهای قبل ظهور است یا مربوط به دوران شیخ مفید؟

ظاهر عبارت «سَنَتِکُمْ»، بر این است که مربوط به حوادث عصر

۱. «اشتمال التوقیع علی الملاحم و الاخبار عن الغیب الذی لا یطلع علیه إلا الله و أولیاءه» (بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالية، ص ۳۲۰-۳۲۱).

۲. طبرسی، به دلیل وجود احادیث در کتاب هایی که حکم به صحت آنها شده است، برخی مواقع، سند را حذف کرده است: «أثبتها محذوفة الأسانید تعویلا فی ذلك علی اشتهاها بین نقلة الآثار و اعتمادا علی أن نقلها من کتب محکومة بالصحة عند نقاد الأخبار» (طبرسی، إعلام النوری، ج ۱، ص ۳۵۹).

۳. کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد به شماره ۸۸۲۲.

۴. بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجالية، ص ۳۲۰-۳۲۱.

۵. هرچند برخی محققین، صدور توقیع از جانب ناحیه مقدسه به شیخ مفید را ثابت دانسته و به شرح و توضیح آن نیز پرداخته اند (صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۱۴۷).

۶. برای آگاهی بیشتر، وب نوشت های محققین: پژوهش های حدیثی (<https://t.me/>) tavanerejal/262؛ مدینه العلم (<https://t.me/MadinatAlelm/28>).

شیخ مفید است^۱ و نه زمان قبل ظهور؛ بویژه اینکه در این توقیع، ذکری از نشانه‌های ظهور نیست که بیانگر این باشد سخن از رخداد‌های متصل به ظهور است؛ اما ممکن است چنین مطرح شود: با تتبع در میراث مهدوی، درمی‌یابیم قاعده «تکرار تاریخ»^۲ در برخی گزاره‌های مهدوی نیز جاری است از جمله تکرار «حکومت مکر و خدعه بنی عباس در آخرالزمان» که در کلام امام معصوم به صراحت تأکید شده است.^۳

صرف‌نظر از پذیرش یا عدم پذیرش قاعده «تکرار تاریخ» و سرایت آن به گزاره‌های مهدوی - که نیازمند گفتگو و بررسی بیشتری است - اما سؤالی مطرح می‌شود: در عصر شیخ مفید، مورخین و تاریخ‌نگاران، آیا چنین حوادثی را در ارض مشرق (ایران) و عراق گزارش کردند که بعد از آن، هلاک و مرگ یکی از حاکمان مخالف شیعه نیز ثبت شده باشد و بعد از مرگ وی، راه حج که برای مدتی بسته شده است، باز شود؟

سید محمد صدر، مشرق را ایران دانسته و حادثه حزن‌انگیز را نیز به

۱. صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۱۵۷.

۲. قاعده «تکرار تاریخ» ناظر به این است: هرآنچه در «امت‌های گذشته» به وقوع پیوسته، به «اجمال» در این امت نیز تکرار می‌شود (ملاکاظمی، «انگاره تکرار تاریخ در اندیشه تفسیری علامه طباطبایی»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۴۳، ص ۳۸)؛ لکن آیا آنچه در «تاریخ اسلام» نیز به وقوع پیوسته، به اجمال و نه به تفصیل در «قبل ظهور» نیز تکرار می‌شود؟ به عنوان مثال: نصوص حدیثی دال بر این است که مُلک و حکومت بنی عباس مبتنی بر خدعه و نیرنگ در قبل ظهور تجدید می‌شود (نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۲. حر عاملی، إنبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۹). پرسشی که نیازمند تدبر و تعقل بیشتری است و نمی‌توان اظهار نظر قطعی نمود.

۳. «مُلُکُ بَنِي الْعَبَّاسِ مَكْرُورٌ خَذَعٌ يَذْهَبُ حَتَّى يُقَالَ لَمْ يَبْقَ مِنْهُ شَيْءٌ ثُمَّ يَتَجَدَّدُ حَتَّى يُقَالَ مَا مَرَّ بِهِ شَيْءٌ» (نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۲. حر عاملی، إنبات الهداة، ج ۵، ص ۳۶۹).

جنگ‌های زمان شیخ مفید در دوران حکومت آل بویه مرتبط می‌داند که با هجوم و حمله سلجوقیان به ایران، سلطان طغرل سپس وارد عراق گردید و جنایت‌های بی‌شماری انجام داد و مردم عراق با سختی معیشت و قحطی مواجه شدند تا اینکه طغرل به هلاکت رسید و بعد از چند سال، شیعیان توانستند به حج مشرف شوند.

البته سید محمد صدر در کتاب تاریخ الغیبة، هرچند سعی کرده است، رویدادهای تاریخی آن زمان را کشف و با متن توقیع، شرح دهد لکن درباره «رویداد آسمانی و زمینی» و انطباق آن با تاریخ، با تناقض مواجه شده است. شهید صدر ثانی، بیان می‌کند: «تاریخ، رویداد روی زمین را چنین بازگو می‌کند که: در نیمه همان ماه جمادی‌الاولی، دریای شور طغیان کرده و آب به ایله رسید و بعد از دو روز وارد شهر بصره گردید. رویداد آسمانی نیز عبارت از سقوط پی‌درپی شهاب‌های آسمانی است که مورّخین از آن‌ها به سقوط ستاره‌ها تعبیر کرده‌اند، که به هنگام سقوط، صداهای هولناکی همراه با رؤیت روشنایی شدیدی، شنیده می‌شد. این رویداد آسمانی در سال صدور نامه نبوده است بلکه چند سال بعد در سال ۴۱۷ قمری رخ داده است؛ اما گویا وی متوجه ضعف استدلال خویش می‌شود و در صدد رفع آن بر می‌آید. وی در ادامه می‌نویسد: «اگر اشکال شود: ظاهر عبارت نامه حضرت در آن است که این رویدادها در همان ماه جمادی‌الاولی سال ۴۱۰ واقع خواهد شد. در پاسخ دو احتمال مطرح خواهد شد: یا ظاهر عبارت نامه در مورد رویدادهای آسمانی

نادیده می‌گیریم و برای صدق و صحت عبارت، همان رویداد زمینی را در آن سال کافی بدانیم؛ و نیز این احتمال مطرح است در جمادی‌الاولی آن سال، رویدادی آسمانی نیز اتفاق افتاده اما تاریخ آن را ثبت نکرده است؛^۱ اما واضح است این فقره از سخن سید محمد صدر، ناتمام است و از استدلال قوی برخوردار نیست.

البته سؤالی که کماکان باقی می‌ماند اینکه: آیا حوادث فوق در زمان شیخ مفید رخ داده است؟ اگر به طور کامل اتفاق نیفتاده، آنگاه احتمال اینکه این حوادث مرتبط به رخداد‌های قبل ظهور در ایران و عراق و مشتمل بر اخبار غیبی باشد، مطرح خواهد شد و نیازمند بررسی و تتبع بیشتری است.

به هر حال از نظر علمی، دیدگاه سوم با استناد به توقیع در عصر غیبت، با تردید جدی روبرو است و البته در نوشتاری جداگانه، درباره سایر ادله تدارک نقشه حمله به ایران - که به هوشیاری محور مقاومت شیعی بستگی دارد - و ابهامات پیرامون آن به تفصیل بیان شده است.^۲

دیدگاه چهارم: حمله ایران و جبهه شیعی به مثلث «شوری، کبیری، عربی»^۳ قائلین این دیدگاه، برخلاف نظر سوم، شواهدی در تقویت کلام خویش اقامه می‌کنند از جمله: وقتی در گزاره آتش مشرق، سخن از «فرج

۱. صدر، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۱۵۷.

۲. در کتابی که اخیراً از سوی نشر جمکران منتشر شده است، ادله قائلین «حمله نظامی به ایران» از سوی دشمن را بررسی کردیم و مکمل این بحث خواهد بود. مراجعه بفرمایید: (امیری، آتش آذربایجان قبل از ظهور، ص ۶۶-۷۳).

آل محمد» است یعنی حمله محور مقاومت شیعی و ایرانیان زمینه ساز به مواضع دشمن و شکست دشمنان امام عصر در جغرافیای ظهور. و البته با تشکیل «خانواده حدیثی» بعد از «مرحله سیوف» چه اتفاقی می افتد که دشمن مجبور به پذیرش حق یا حداقل بخشی از حق ایرانیان خواهد شد و عقب نشینی می کند؟ جزاینکه پیروزی هایی برای جبهه شیعه حاصل شده است که دشمن مجبور به پذیرش حق ایرانیان خواهد شد.

بنابراین آتش مشرق بر مواضع دشمن، شباهت عجیبی با مرحله «سُيُوفُهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ» در گزاره انقلاب ایرانیان قبل از ظهور دارد؛ زیرا این عبارت تصریح در جنگ ندارد بلکه به نوعی «رویارویی نظامی محدود» را تداعی می کند. بویژه اینکه آتش مشرق نیز کمتر از هفت روز است که مقصود جنگ وسیع و گسترده نیست و صرفاً تقابل نظامی را می رساند و از این جهت باهم «اشتراک محتوایی» دارند.

البته به قرینه عبارت «قَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ»، طبیعی است در میدان تقابل نظامی با دشمن، برخی مناطق شیعی مورد هدف نیز قرار گیرد و خسارت های مادی و معنوی تحمیل شود و زمینه سازان به مقام رفیع شهادت نائل شوند؛ اما یقینی است، به قرینه عبارت «فَيُقَاتِلُونَ»

۱. در احادیث معتبر از قوم زمینه ساز که قیام می کنند و با دشمن می جنگند و کشته های آنان شهید محسوب می شود و سرانجام انقلاب شان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد، سخن به میان آمده است: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ ... وَ لَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳).

فَيُنْصَرُونَ» و نیز عبارت «فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ»، در نهایت این دشمن است که شکست می‌خورد و ضربه نهایی بر مثلث «غربی، عبری، عربی» وارد خواهد شد؛ و محور مقاومت دست برتر نظامی را در معادلات «جغرافیای ظهور» و در مسیر «کربلا تا قدس» خواهد داشت.

► حمله نظامی ایران و جبهه شیعی به دشمن در زمین و دریا

بنابراین واقعه «آتش مشرق»، حادثه صُنع بشری و هویت جنگی دارد و به قرینه عمود آتش، حمله به هدف و مکان معین از مواضع دشمن و از جمله رویدادهای قبل از ظهور است، به گونه‌ای که شعله‌های آتش زرد و سرخ زعفرانی (الْهُرْدِي) به سمت آسمان زبانه می‌کشد (عمود) و بسیار هولناک توصیف شده است (عَظِيمَةً) و تا چند شبانه‌روز ادامه خواهد داشت (تَظْلُعُ لَيَالِي) و بین سه تا هفت روز تداوم خواهد داشت (ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً) و برای تمام مردم جهان، این رخداد جنگی از طریق شبکه‌های تصویری، وسائل ارتباط جمعی و شبکه‌های تلویزیونی قابل مشاهده خواهد بود (يَرَاهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ) و به منزله آغاز پیروزی‌های جبهه حق بر علیه باطل (فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ) در حوادث منتهی به ظهور خواهد شد (قُدَّامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ) که البته آتش مشرق خود نشانه آغاز تدریجی قحطی و گرسنگی فراگیر در جهان است (سنة الجوع) که باید برای یکسال ذخیره مواد غذایی و مایحتاج مردم توسط حکومت‌ها تامین شود (طَعَامَ سَنَةٍ).

۱. «إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شِبْهَ الْهُرْدِيِّ الْعَظِيمِ تَظْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ»

و بدین سان، با فشار دشمن بر جبهه مقاومت شیعی و حمله به منافع یکدیگر، سرانجام ایران زمینه ساز ظهور، ضربه نهایی و پیروزمندانه را در «مرحله سیوف»، تحت عنوان عملیات «آتش مشرق» بر هدف مشخص از مواضع دشمن در زمین و دریا، فرود خواهد آورد.

و دشمن شکست خورده، مجبور به پذیرش بخشی از خواسته های ایرانیان خواهد شد (فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ) لکن ایرانیان به دلیل قُرب ظهور (قُدَّامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ) و نیز تغییر معادلات جهانی همچون اختلاف و قتل بین غربی ها (هرج الروم)، پیشنهادات دشمنان را نمی پذیرند (فَلَا يَقْبَلُونَهُ) بلکه مہیای فتح عظیم و پیروزی نهایی بر دشمن غربی و یهود (مارقه الروم و اسرائیل) در مرزهای فلسطین در آستانه ظهور خواهند شد و در نهایت پرچم قیام انقلاب خویش را به حضرت صاحب الامر امام مهدی تقدیم خواهند کرد (وَلَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ).

بنابراین تقابل و رویارویی نظامی، حتمی است و تنها مسأله، زمان آن است اما به قرینه اینکه دشمن مجبور به قبول بخشی از حق ایران خواهد شد اما ایرانیان نمی پذیرند، بیانگر این است در رویارویی نظامی، سرانجام محور مقاومت شیعی دست برتر را در «جغرافیای ظهور» خواهد داشت و ضربه نهایی را با عنوان عملیات «آتش مشرق» بر دشمن وارد خواهند ساخت که حمله به ناوهای اتمی غربی ها در دریا از جمله آن

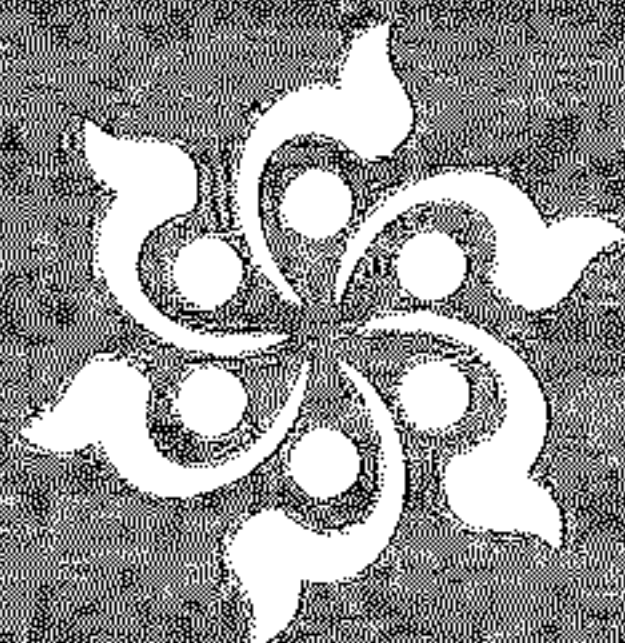
(نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳)؛ «إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَظْلَعُ لِيَالِي فَعِنْدَهَا فَرْجُ النَّاسِ وَهِيَ قُدَّامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ» (نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۷)؛ «سَتَبْدُو آيَةً عَمُودًا مِنْ نَارٍ يَظْلَعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يَرَاهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيُعِدِّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ» (مناوی، فیض القادیر، ج ۱، ص ۳۶۱).

است که در تاریخ بشریت بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون رخ نداده است.

و هرچند تلفات و آسیب به زیرساخت‌ها، تلخ و ناگوار است اما پیروزی نهایی با ایران است چرا؟ دشمن مجبور به پذیرش و قبول خواسته‌های ایرانیان و عقب‌نشینی از مواضع‌اش خواهد شد. بنابراین «تقابل نظامی» قطعاً رخ خواهد داد و مصداق بارز آن «آتش مشرق» است اما «جنگ فراگیر» با آمریکا و اسرائیل، بعد «هرج الروم» است.

بشارت غلبه بر دشمن، ترجمان «آینده‌پژوهی مهدوی» است و پیوست حدیثی دارد؛ در واقع هرگاه «هرج الروم» رخ دهد و حامیان یهود صهیونیسم ضعیف شوند، آنگاه محور مقاومت شیعی از فرصت استفاده کرده و در جنگ با اسرائیل پیروز خواهند شد و رژیم صهیونیستی در مرحله فروپاشی قرار می‌گیرد. شاهد بر این امر لشکرکشی «مارقة الروم» به فلسطین و تلاش برای بقاء این رژیم است.^۱

۱. برای آگاهی از «مستندات حدیثی» زمان جنگ ایران و محور مقاومت شیعی با اسرائیل و مارقة الروم، مراجعه کنید به: (امیری، *خاورمیانه عصر ظهور*، ص ۱۵۹-۱۹۱).



اعتبارسنجی «محتوایی» آتش مشرق قبل ظهور

سه تا هفت شبانه روز: تقابل نظامی و جنگ محدود

مدت آتش مشرق حداقل سه روز، اما از هفت روز بیشتر نخواهد شد؛ تبادل آتش و ضربات متقابل بین طرفین در مدت کوتاه است و نشانگر این است آتش مشرق منجر به «جنگ فراگیر» نخواهد شد. اما در عین حال، پرده از رازی مهم برمی دارد: ضربات و آتش حمله چنان غافلگیرانه خواهد بود که به چند روز نرسیده، نتایج سریع و خیره کننده برای یکی از طرفین حاصل خواهد شد. از طرفی با تشکیل «خانواده حدیثی» و به قرینه «مرحله سیوف» که بعد از آن دشمن مجبور به پذیرش خواسته ها خواهد شد، نشان می دهد، هرچند بین ایران و دشمنان، تقابل نظامی رخ خواهد داد اما ضربات محور مقاومت شیعی بر علیه دشمنان، قوی تر و کوبنده تر خواهد بود.

۱. زیرا طبق مبانی کلامی «علم و عصمت»، امام دچار خطا و اشتباه نمی شود (مفید،

التمکات الإعتقادیة، ص ۴۰. حسینی میلانی، عصمت از منظر فقهی، ص ۱۱۳-۳۲۴).

لازم به ذکر است، واژه «او» که در حدیث از امام معصوم صادر شده است، احتمالات مختلفی مطرح است:

احتمال اول: به منزله شک و تردید امام معصوم نیست. زیرا وقتی امام معصوم از خبر غیبی گزارش می‌دهد، طبق مبانی کلامی شیعه، دیگر تردید و شک از جانب امام معصوم معنا ندارد. به عبارت دیگر، «ثلاثه او سبعة ایام»، نشانه تردید امام معصوم نیست بلکه اشاره به این است مدت آتش که به صورت عمود از زمین به آسمان شعله می‌کشد، از هفت روز بیشتر نخواهد شد و در واقع «أَوُّ» از لحاظ نحوی در ادبیات عرب به معنای «إضراب» می‌باشد؛ و حدیث در صدد بیان این است که این آتش بیش از هفت روز طول نخواهد کشید.

احتمال دوم: اشاره به این است که برخی مردم، آتش را زودتر مشاهده خواهند کرد و برخی دیرتر. و طبیعی است آن‌هایی که زودتر مشاهده کردند، زمان بیشتری (هفت روز) برای شان متصور است. بنابراین این اختلاف به تناسب وضعیت مشاهده‌کنندگان در اقصی نقاط کره زمین است.

احتمال سوم: شک از راوی است. البته احتمال ضعیفی است. زیرا این عبارت «الشک من الراوی» در نسخه متأخر نقل شده است و ممکن است اضافه از جانب نسخه‌نویسان یا توضیحی از مولف کتاب باشد و نه ماخوذ از متن روایت. زیرا طبیعی است که امام معصوم عبارت «شک من الراوی» را بیان نکرده است. شاهد دیگر در ضعف این دیدگاه، در نسخه دیگری از کتاب إعلام الوری، عبارت «شک من العلاء» آمده

است و همین اختلاف و تفاوت تعابیر، نشانگر این است که به متن حدیث اضافه شده است.^۱

عمود آتش، اشاره به حادثه و مکان معین دارد

در فرض وحدت محتوایی گزارش شیعه با اهل سنت، نار مشرق به وصف «عمود آتش» نیز توصیف شده است. و دیدگاه پدیده فلکی و نجومی بودن آتش مشرق را تضعیف می‌کند. اصولاً در تراث مهدوی، تعبیر «نار» بیشتر برای عذاب، فتنه‌ها و جنگ استعمال شده است^۲ و در قرآن نیز استعمال واژه «نار» برای جنگ، تعبیر شایع و مشهوری است^۳، و مهم‌تر اینکه توجه به جوهره معنایی واژه «الْهُرْدی»^۴ و با این پیش‌فرض و «مبنای کلامی» که امام معصوم بر قرآن احاطه کامل دارد و در انتخاب کلمات و عبارات حدیثی، دقیق و حساب شده، رفتار می‌کنند و نیز با توجه به استعمال واژه «نار» در قرآن که آتش «مهم‌ترین و سخت‌ترین عذاب خداوند» معرفی شده است^۵ درمی‌یابیم که این

۱. ر.ک: طبرسی، إعلام النوری قد قدیم، ص ۴۵۸. طبرسی، إعلام النوری، ج ۲، ص ۲۸۴. نیلی نجفی، سرور اهل ایمان، ص ۴۷.

۲. جستجو «نار» و «النار»، «نارا»، «لنار» (مرکز نور، نرم‌افزار مهدویت). مؤسسه دارالحدیث، نرم‌افزار حدیث اهل بیت.

۳. سوره مائده، آیه ۶۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۲۸.

۴. رخداد بارنگ زرد و سرخ زعفرانی را الهردی گویند. «الْهُرْدی: صُبَغٌ أَصْفَرُ» (جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۵۵۶. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۵۰)؛ «الْكُرْكُمُ الزَّعْفَرَانُ» (فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۴۳۲)؛ «طِينٌ أَحْمَرُ» (فیروزآبادی، قاموس المحیط، ج ۱، ص ۴۸۳).

۵. طاهری‌نیا، «نشانه‌شناسی واژه النار در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات متون ادبی اسلامی، ش ۵، ص ۳۲.

آتش به منزله «عذاب و انتقام سخت» بر علیه جبهه باطل خواهد بود. ضمن اینکه، تعبیر «عمود آتش»، اشاره به هدف‌گیری و ضربه نظامی به مواضعی دارد که بعد از آن، ستونی از آتش در آن مکان شعله‌ور خواهد شد و آتش به شکل عمودی به آسمان، زبانه خواهد کشید. و تعبیر «عظیم» برای آتش، نیز دلالت بر اشتعال و آتش گرفتن هدفی بزرگ در زمین و دریا دارد که موجب چنین آتش‌سوزی بزرگ و هولناک در مناطق پیرامونی جغرافیای ظهور خواهد شد.

آیا عمود آتش مشرق، اشاره به حمله اتمی دارد؟

البته حمله به تأسیسات هسته‌ای، منتفی است زیرا از نظر علمی، اولاً آتش حمله اتمی برای چند روز ادامه پیدا نمی‌کند و ثانیاً به شکل عمودی نیست بلکه معمولاً به شکل دایره‌ای و مدور است؛ ضمن اینکه رنگ آتش حاصل از حمله اتمی، سفید و خاکستری است درحالی‌که آتش مشرق به رنگ زرد و سرخ زعفرانی گزارش شده است.

البته هرگونه حمله اتمی، شعله‌های جنگ جهانی را شعله‌ور خواهد کرد. درحالی‌که مطابق کُدهای حدیثی، منطقه خاورمیانه جزو مناطق اصلی شرارت‌های جنگ جهانی نیست بلکه تمدن غرب (هرج الروم) و غیرمسلمانان درگیر جنگ جهانی قبل ظهور خواهند بود. شیعیان

۱. هرچند «آثار» بمب اتمی تا سالها باقی می‌ماند اما «آتش» حاصل از حمله اتمی، سریع خاموش می‌شود و تا چند روز ادامه ندارد.

۲. برای آگاهی از عوامل جنگ جهانی قبل ظهور، مراجعه کنید به: (امیری، آتش آفرین جهان قبل از ظهور، ص ۵۳-۶۵).

و مسلمانان خاورمیانه در مثلث «کوفه، مکه، قدس» به دلایلی که ذکر گردید، از شعله‌های جنگ جهانی نسبتاً به دور هستند و کمتر آسیب می‌بینند.^۲

و اگر فرض بر حمله به تاسیسات اتمی است، طبق گدهای حدیثی، این قوم مشرقی (ایرانیان زمینه‌ساز) هستند که بر دشمن پیروز می‌شوند؛ بنابراین جبهه پیروز و فاتح میدان درگیری نظامی (جبهه مقاومت

۱. طبسی، نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۵۵. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۷۷۷. اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۱۴۱. طبسی، فی رحاب حکومت الإمام المهدی، ص ۵۱. شواهدی نیز بر این امر می‌توان اقامه نمود از جمله در برخی احادیث تصریح شده است شیعیان و مناطق خاورمیانه کمتر آسیب خواهند دید؛ کارشناسان مرکز تخصصی مهدویت نجف اشرف نیز این دیدگاه را برگزیدند: «أكثرية هذا القتل المرتبط بهذه الحروب سيكون خارجاً عن محيط الدول الإسلامية» (<https://www.m-mahdi.com/main/?page=questions&id=1016>) و محتمل است در زمره یک‌سوم نجات‌یافته از آتش جنگ جهانی قرار گیرند: «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ، فَقِيلَ لَهُ: إِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ فَمَا يَبْقَى؟ فَقَالَ: أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِي» (صدوق، أعمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۶. و مشابه آن: طوسی، الغيبة، ص ۳۳۹)؛ سند نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۹۱).

۲. البته ناگزیر آتش جنگ جهانی و اختلاف شرق و غرب، بخشی از مناطق مسلمانان را نیز تا حدودی شامل خواهد شد: «اِخْتَلَفَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَأَهْلُ الْمَغْرِبِ نَعَمَ وَأَهْلُ الْقِبْلَةِ وَ يَلْقَى النَّاسُ جُهْدًا شَدِيدًا مِمَّا يَمُرُّ بِهِمْ مِنَ الْخَوْفِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵)؛ و نشانگر این است که مشکلات و خوف مسلمانان به تبع اختلاف و جنگ بین غرب و شرق ایجاد خواهد شد همان‌طور که محقق محترم کتاب الغيبة - مرحوم غفاری - استنباط فرمودند: «بقریة قوله «و أهل القبلة» أن المراد بأهل المشرق و المغرب الكفار اما أهل الكتاب أو غیرهم من المشركين أو الملاحدة و الدهريين» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۲).

۳. ایرانیان سلاح بر دوش می‌گیرند: «سَيُؤَفِّقُهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ» که این عبارت اعم از قدرت‌نمایی نظامی و جنگ محدود است و بعد از وقوع حوادثی، دشمن مجبور به پذیرش خواسته‌ها خواهد شد: «فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳).

شیعی)، آیا معقول است مورد حمله اتمی واقع شود و درعین حال، پیروز نهایی میدان جنگ نیز باشد؟

ضمن اینکه به دلیل «توازن رعب» هرگونه حمله اتمی به ایران قبل ظهور، موجب زوال و نابودی زودتر از موعد دشمنان در «جغرافیای ظهور» از جمله یهودیان مُفسد ساکن فلسطین (رژیم اسرائیل) خواهد شد. از این رو حتی به قیمت حفظ یهودیان اسرائیل که به خیال باطل خویش، بتوانند معبد سلیمان را رونمایی کنند - و شرط اساسی بازگشت مسیح از دیدگاه صهیونیست مسیحی است^۱ - اتاق فکر طراح جنگ، سعی خواهند کرد از هرگونه حمله اتمی بر علیه بلاد شیعه خودداری کنند. اما ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است از جبهه باطل در هنگام غرق شدن، هر احتمال غیرمعقولی محتمل است بویژه اگر پشت صحنه ماجرا با اعتقادات مذهبی نیز آغشته شود. زیرا مطابق عقیده مسیحیت صهیونیستی، حمله به ایران و عراق، باعث تسریع در جنگ آرماگدون اتمی و بازگشت منجی و مسیح خواهد شد.^۲

الیهودی: تقابل نظامی در زمین و دریا

یکی از دلایل دیگری که احتمال پدیده فلکی بودن گزاره آخرالزمانی آتش مشرق را تضعیف می‌کند، توجه به جوهره معنایی واژه «الیهودی» است.

۱. احمدوند، «آخرالزمان در نگاه مکتب صهیونیسم مسیحی»، فصلنامه مشرق میهن، ش ۱۴، ص ۹۹-۱۲۳.

۲. اقدامات خصمانه آمریکا بر علیه شیعه در ایران و عراق، ریشه در عقاید اوانجلیست‌های صهیونیستی دارد (https://t.me/rasad_tahlil/21432).

در معاجم لغت عربی، الهردی را «آتش زرد» که به دلیل شدت اشتعال به رنگ سرخ زعفرانی می‌گراید، ذکر کردند:

ثَوْبَيْنِ مَهْرُودَيْنِ (مَهْرُودَتَيْنِ) أَي مَصْبُوغَيْنِ بِالْهَرْدِ وَهُوَ الزَّعْفَرَانُ،
الثوب المهرود وهي المصبوغة بالصفرة.^۱

أَنَّ الثَّوْبَ يُصْبَغُ بِالْوَرَسِ ثُمَّ بِالزَّعْفَرَانِ فَيَجِيءُ لَوْنُهُ مِثْلَ لَوْنِ زَهْرَةِ
الْحَوْذَانَةِ، فَذَلِكَ الثَّوْبُ الْمَهْرُودُ.^۲

الهرد: هو صبغ شبه العروق (نبات أصفر)، صَبَغَ أَصْفَرَ، الْكُرْكُمُ
(الزعفران)، وَطِينٌ أَحْمَرُ.^۳

الهرد: العروق التي يصبغ بها وقيل: هو الْكُرْكُمُ فَارِسِيَّتُهُ: زَرْدُ جُوبِهِ. وَ
ثَوْبٌ مَهْرُودٌ وَ مَهْرَدٌ مَصْبُوغٌ أَصْفَرَ بِالْهَرْدِ.^۴

کارشناسان مهدوی نیز همین معنا را برگزیدند:

النار الهردی: المراد به أَنَّ لَوْنَ هَذِهِ النَّارِ الْعَظِيمَةِ صَفْرَاءَ قَمِيلٍ إِلَى الْحُمْرَةِ
لَشِدَّةِ اشْتِعَالِهِ.^۵

۱. النیسابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۵۱.
۲. ابن بطریق، صمدیه عیون صحاح الاخیان، ص ۴۳۰.
۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۳۵.
۴. الحوذانة: ولها تَوَرُّدٌ أَصْفَرُ (زهري، تهذيب اللغة، ج ۴، ص ۲۶۹).
۵. زهري، تهذيب اللغة، ج ۶، ص ۱۰۸. ابن اثیر، النهاية فی ترویب الحديث و الأشیاء، ج ۵، ص ۲۵۸.
۶. زمخشری، الفائق فی ترویب الحديث، ج ۳، ص ۳۹۷. فراهیدی، المعین، ج ۱، ص ۱۵۳.
۷. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۵۵۶. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۵۰.
۸. فراهیدی، المعین، ج ۵، ص ۴۳۲.
۹. فیروزآبادی، قاموس المحیط، ج ۱، ص ۴۸۳.
۱۰. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۳۵. زبیدی، تاج العروس، ج ۱۳، ص ۳۲۵.
۱۱. ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۳۸۲.

بنابراین باتوجه به جوهره معنایی واژه «الهردی»، آتش مشرق متصف به شعله‌های زرد و سرخ زعفرانی که به آسمان زبانه می‌کشد، بیانگر حمله به هدفی بزرگ است که به علت دشواری در فرایند اطفای حریق، تا چند روز نیز ادامه خواهد داشت.

و به قرینه «عمود» شعله‌های آتش به آسمان، حمله ایران به مواضع دشمن در دریا تمرکز خواهد داشت. زیرا خاصیت آتش در زمین و خشکی این است که شعله‌های آتش به اطراف منتشر می‌شود و به یک مکان محدود و محصور نیست و در نتیجه آتش برای چند روز به صورت عمودی شعله نخواهد کشید اما وقوع آتش در دریا، محدوده آن را محاصره می‌کند و از این رو برای «چند روز» این ستون آتش به صورت «عمودی» در دریا، قابل رویت و مشاهده است و باتوجه به اینکه رنگ زرد آتش (النار الهمودی) حاصل واکنش با سدیم^۱ موجود در راکتورهای هسته‌ای است^۲، با دقت در این سه ویژگی مهم می‌توان نتیجه گرفت از جمله رخدادهای قبل ظهور، حمله به مواضع دشمن همچون حمله به

۱. جلال‌الدین علی‌الصغیر، «عمود النار المرتقب من المشرق وفرج شیعة آل محمد» (لینک)؛ «ما هو عمود النار الذي سيندلع في المشرق»، سؤال ۱۳۶۹ (لینک)؛ «هل يمكن ان يكون عمود النار هو ضربة نووية او إستهداف لأحد مفاعلاتها النووية»، سؤال ۱۴۱۰ (لینک)؛ «عمود النار بين حق المشرقيين وفرج آل محمد وشيعتهم وعموم الناس» (لینک).

۲. تست «شعله عناصر» در «علم شیمی»، بسیار کاربرد دارد و رنگ شعله سدیم به رنگ زرد است. ر.ک: مرجع تخصصی شیمی (لینک).

۳. پژوهشگاه علوم و فنون هسته‌ای وابسته به سازمان انرژی اتمی در کتاب تخصصی و علمی بیان می‌کند: از سدیم در راکتورهای هسته‌ای استفاده می‌شود و با آب واکنش نشان می‌دهد که در صورت عدم رعایت ایمنی، عواقب ناگواری دارد (حاج‌آقازاده، انرژی هسته‌ای، ص ۲۴۷-۲۴۹).

«ناوهای اتمی» در دریا، متصور است.^۱

رخداد آخرالزمانی «آتش مشرق» برای اصحاب اطلاع و خواص که حاوی راز و رمزهایی است، چنین توصیف می شود:

«ورد في حديث الامام الباقر عليه السلام وصفه للنار المشرقية بانها كالهردى العظيم، مشيراً الى انها تطلع ثلاثة ليال او سبعة ويعتبرها هي بوابة فرج كبير جدا و هي قدام القائم بقليل، يشار إلى نار بلون محدد و بشكل محدد هذا الأمر مستغرب بشكل كبير جدا و يجب أن نتوقف. وقد استوقفني هذا الوصف كثيراً، فلماذا وصف الامام الباقر عليه السلام النار بانه شبيهة بالهردى وما يريده في ذلك؟ فالهرد هو الكرم وما من شك ان التشبيه بالكرم المراد به لون الكرم وهو اللون الاصفر. فمن المعروف ان النيران حال احتراقها تاكل الاخضر واليابس ولذلك سرعان ما لا يبقى لها لون موحد، وإنما ستختلط الالوان تبعاً لطبيعة ما يحترق من مواد. ولذلك ظل السؤال عن النار الصفراء التي تدوم عدة ليالي عالقاً في بالي، ووصفها بالعظمة زادني غموضاً.

سؤال: فاي نار يمكن ان تكون صفراء وتستمر على صفتها لعدة ايام؟ وحقيقة لم اهتمد لحل مقنع لفرضية اكتفاء النار بمادة محروقة واحدة، وهي الفرضية التي توذي اليها الرواية، فتعتمد التشبيه ينطوي على سر، وما زاد الامر غرابة ان النار نفسها قد توصف بالعظمة او الحجم الكبير او ما شاكل، اما ان ياتي الوصف للون لوحده، فلعل من النادر ان تصف العرب الوان النار بهذه الكيفية، ولعلّي اؤكد ان كثرة بحثي عن

١. جلال الدين علي الصغير، «اتجاهات الاحداث في المنطقة وعلاقتها بمسار التمهيد المهدوي» (لينك).

النار الصفراء في اشعار العرب لم ينته الى امر ذي بال، وزاد الامر تعقيداً
 اني لا ابحث عن نار لوقت قصير، وانما عن نار يمتد صفارها لعدة ليال!
 افترضت انّ العثور على نار بلون واحد تستمر لعدة ليال دون ان
 تختلط بالوان اخرى، يوجب ان تكون المادة المحروقة هي من صنف
 واحد لا تختلط بغيرها، ولهذا استبعدت ان تكون النار المتحدّث عنها
 على اليابسة، لانّ وجود الاتربة على اقل التقادير يوّدّي الى اختلاطها
 بالوان اخرى وبسهولة، ناهيك عن ان اليابسة فيها مواد كثيرة، مما
 تتسبب بتلوين النار بالوان متعددة، وبالتالي لا تحافظ على صفائها،
 وفوق كلّ ذلك فانّ النار على اليابسة لن تستمر على تمحورها في
 عمود، بل هي تاخذ في التوسع الافقي الذي ينجم من اهتراء منصّة
 الاحتراق، وهو امر يجب ان يلحظ ان قلنا بانّ النار المشرقية هي نفسها
 عمود النار المشرقي الوارد في روايات اخرى لتطابق محتواهما الروائي.

وليس من السهل ابعاد النار عن اليابسة وضمان صفرتها الا من
 خلال ان تكون في البحر، خاصّة وانّ البحر بطبيعته لا يسمح بالتوسّع
 الافقي للنار، اللهم الا اذا كانت المادة المحترقة سيّالة واخف من ماء
 البحر كما هو الحال في الزيوت وامثالها، وسنعرف انّ الزيوت ومواد
 الوقود كافة لا تصلح للانطباق على الوصف الروائي.

والهواء هو الاخر لا توجد فيه المادة التي تحترق بهذا اللون، فالغازات
 برمتها مع انّ لها الوانها الخاصة حال الاحتراق، غير انّها لا تشتمل على
 غاز يحترق باللون الاصفر الموصوف في الرواية.

لانّ اللون الاصفر في الحريق يختصّ بمادة الصوديوم حصراً دون بقية
 المواد الكيميائية، ولا مجال لوجود الصوديوم في الجو، ولهذا يتحتم ان

يكون في الماء، ففي البحر يمكن ضمان ألا يختلط المحروق بمادة أخرى، كما ويمكن ابقاء شكل النار العمودي ان توفر عامل النفط الذي يلقي بالنار عالياً.

سؤال: ولكن كيف يتسنى العثور على الصوديوم المحروق في البحر ولعدة ايام؟ فلو كان مجرد لهب عابر لقلنا بإمكانية ان يحترق كلوريد الصوديوم - وهو الملح - المتوفر في البقعة البحرية، ولكننا نبحث هنا عن نار مستمرة لعدة ايام وليال، وهذا لن يحصل الا بوجود كمية هائلة من الصوديوم تفي لهذا الغرض، او ان اداة الاحراق تخالط الصوديوم فتؤدي الى هذا اللون.

والمعضلة هنا اننا لا نحتاج الى منجم من الصوديوم لتوليد هذه النار فحسب، وإنما يجب ان نفكر بالطريقة التي تؤدي الى احراق الصوديوم المقصود هنا، وان افترض وجود سفينة محملة بالصوديوم تتعرض للاحراق كما قد يفترض البعض لن يحل المشكلة، فالسفينة محملة بالوقود وهذا سيعطي النيران لون بعيد عن الاصفر، بل وسيغطي عليه لكثرة المواد الكربونية المتداخلة فيه.

وقد زاد الامر غموضاً ما اعتقده بان هذه الرواية هي تفصيل لرواية عمود النار الواردة في روايات أخرى، والعمود يعني ان النار تنبعث من منبع الاحتراق الى الاعلى بطريقة متصاعدة بما يشبه النفط المستمر، واي نفث بهذه الطريقة يجب ان يستمر لعدة ليالي، ولن ينفعنا افتراض امكانية اشتراك احد انواع الغازات المنبعثة من قعر البحر لتوليد هذا التدفق المستمر، فالغاز المحترق سيتلون بلون مختلف وبالتالي سيخل بالوصف المشار اليه.

وما اضنى تعقيداً على كلّ هذه العقد أنّ اشتعال النار هذه تفضي الى فرج آل محمد صلوات الله عليه وآله كما هو منطوق الرواية، وهو ما يعني أنّ النار لها صفة امنية، والا ما علاقة النار بالفرج؟ لولا ما يترتب عليها من تداعيات امنية تفضي لهذا الفرّج، ولو كان ذلك فما بال هذه الليالي المتعددة التي تستمر فيها النار؟

لأنّ نيراناً كهذه لا بد من ان تتجه اليها عوامل الاطفاء، وكونها في البحر يفترض ان تكون عملية الاطفاء اسهل مما لو كانت على غيره، ولكن الرواية تتحدّث عن بقاء النيران مشتعلة لايام وليالي عدّة، فلم لا يتم اطفائها؟ ولا يخطر في البال احتمال اللهمّ ألا ان تكون عملية الاطفاء تواجه صعوبة امنية بالنسبة لعوامل الاطفاء فتمنع من الوصول اليها، او صعوبة في الوصول الى منبع النار، مما يعسّر عملية الاطفاء ويمدّ بها!

بناءً على كل هذه المعطيات سافترض السيناريو التالي الذي ربّما اعاننا على التفسير المقارب للرواية، فنحن اذ نبحث عمّا يمكن له ان يوفّر لنا؛ اللون الاصفر، والشكل العمودي للنار، وقوّة نفثها، وقدرتها على ان تستديم لعدّة ايام، ناهيك عن العنصر الامني المطروح ضمناً في الرواية، فاني اشير الى احتمال ان تكون هذه البيبة مفاعلاً نووياً في البحر.

فن المعروف أنّ قلب المفاعل النووي يستخدم الصوديوم كمبرّد للمفاعل النووي، وهو - اي الصوديوم - يستخدم في العادة في المفاعلات النووية، وفي نفس الوقت لا تستخدم السفن الحربية او الغواصات ألا المفاعلات النووية، مما قد يفسّر لنا جملة من اسيلتنا المطروحة اعلاه، وما يزيدها تأكيداً أنّ الصوديوم مع كونه يعمل كمبرّد ألا أنّ ايّ تداخل بينه وبين قضبان اليورانيوم النووية يوّدّي الى تفاعلات

خطیره جدّاً في عمل المفاعل، ولهذا يمكن القول بأنّ تداخلاً لسبب ما - وافترض ان يكون عسكرياً - يوّدّي الى النار التي نحن في صددّها، وكون الحريق نووياً او مرتبطاً بوضع حربي يمكننا ان نفهم لماذا يتأخّر اطفاءه؟ وبه نضمن عنصر الديمومة. ما اوردنا هنا يعطينا نمطاً من التفسير لما ورد في رواية الامام الباقر عليه السلام الانفة الذكر، وحاولنا الاقتراب منه قدر الامكان وفقاً للتقديرات العلمية. والله بكل شيء محيط».

بنابراین در شناخت این حادثه آخرالزمانی، باید سه ویژگی مهم (عمود آتش، به رنگ زرد متمایل به سرخ، استمرار عمود آتش به مدت چند روز) توأمان و «همزمان» با هم در این رخداد وجود داشته باشد تا به فهم صحیحی از گزاره آتش مشرق دست یافت.

در واقع انفجار و گسترش آتش به مخزن سدیم در مجاورت آب و نیز توصیف ستون آتش به آسمان و استمرار آن به مدت چند روز، موجب رویت عمود آتش به رنگ زرد متمایل به سرخ (النار الهردی العظیم) خواهد شد. که البته به دلیل خوف سرایت آتش به قلب راکتور هسته‌ای در ناو اتمی و تاخیر در عملیات اطفای حریق، ستون عمود آتش چند روز ادامه خواهد داشت.

توضیح اینکه: وقتی آتش شروع به شعله‌ور شدن می‌کند در خشکی و روی زمین به نسبت برخورد با مواد و اشیاء گوناگون، شعله‌های آتش نیز به رنگ‌های مختلف دیده می‌شود. اما سؤال اینجاست چرا در توصیف گزاره آخرالزمانی «آتش مشرق» صرفاً به رنگ خاصی اشاره شده است:

۱. علی‌الصغیر، «ما هو الهردی العظیم فی النار المشرقية»، فصلنامه الانظار، ش ۲، ص ۲۰-۲۱.

رنگ زرد متمایل به سرخ؟ آن هم با دو ویژگی مهم دیگر: «عمود» آتش و استمرار به مدت چند شبانه روز؟

ضمن اینکه آتش در روی زمین و خشکی، معمولاً به صورت افقی و عرضی گسترش پیدا می‌کند و نه طولی و عمودی. اما در توصیف آتش مشرق قبل ظهور، به عمود آتش به مدت چند روز تصریح شده است و اینکه صرفاً رنگ خاصی (الْهُرْدِی) مدنظر است، مجموع این ویژگی‌ها اذهان به انفجار در دریا رهنمون می‌شود.

لازم به ذکر است، ترکیب هر کدام از مواد شیمیایی با آتش موجب می‌شود رنگ آتش نیز تغییر کند. از جمله رنگ زرد آتش، حاصل واکنش با سدیم است.

باتوجه به این چند فاکتور (انفجار در دریا، ترکیب آتش با سدیم و ستون عمود آتش برای چند شبانه روز) حال سؤالاتی مطرح است: آیا حمله به چاه‌های نفتی مقصود است؟ خیر زیرا آتش سوزی ناشی از سوختن نفت به رنگ زرد نیست بلکه غالباً به رنگ سیاه است.

آیا انفجار کشتی حامل مواد شیمیایی یا کشتی‌های حمل مواد سوختی در دریا متصور است؟ خیر، به دلیل وجود مواد کربنی فراوان، رنگ آتش به رنگ زرد نخواهد بود.

آیا انفجار تاسیسات گازی شناور روی دریا مقصود است؟ خیر، زیرا اشتعال گاز به رنگ‌های مختلف است.

باید دقت شود در شناخت این گزاره آخرالزمانی، به دنبال انفجار و آتش سوزی بود که هر سه ویژگی (عمود آتش، به رنگ زرد متمایل به سرخ،

استمرار عمود آتش به مدت چند روز) توامان و «همزمان» باهم در این رخداد وجود داشته باشد تا به فهم صحیحی از گزاره «آتش مشرق» دست یافت. بنابراین حمله به ناوهای اتمی که قلب راکتور هسته‌ای آن با سدیم خُنک می‌شود، متصور است. زیرا به قرینه «عمود» شعله‌های آتش به آسمان، حمله به مواضع دشمن در دریا تمرکز خواهد داشت. در حالی که خاصیت آتش در زمین و خشکی این است که شعله‌های آتش به اطراف منتشر می‌شود و به یک مکان محدود و محصور نیست و در نتیجه آتش برای چند روز به صورت عمودی شعله نخواهد کشید اما وقوع آتش در دریا، محدوده آن را محاصره می‌کند و از این رو برای «چند روز» این ستون آتش به صورت «عمودی» در دریا، قابل رویت و مشاهده است و با توجه به اینکه رنگ زرد آتش (النار الّهردی) حاصل واکنش سدیم موجود در راکتورهای هسته‌ای با آب است، با دقت در این سه ویژگی مهم می‌توان نتیجه گرفت از جمله رخدادهای قبل ظهور، حمله به مواضع دشمن همچون حمله به «ناوهای اتمی» در دریا، متصور است.^۱

در واقع انفجار و گسترش آتش به مخزن سدیم در مجاورت آب و نیز توصیف ستون آتش به آسمان و استمرار آن به مدت چند روز، موجب رویت عمود آتش به رنگ زرد متمایل به سرخ (النار الّهردی العظیم) خواهد شد. که البته به دلیل خوف سرایت آتش به قلب راکتور هسته‌ای در ناو اتمی و تاخیر در عملیات اطفای حریق، ستون عمود آتش چند روز ادامه خواهد داشت.

۱. تأکید گزاره حدیثی بر عبارت «شبه الّهردی» عرفاً رنگ آتش زرد و سرخ است.

بویژه به قرینه تحقق گشایش و فرج شیعه در آستانه ظهور، این تقابل نظامی، صبغه سیاسی امنیتی نظامی نیز دارد که موجب تحقق «فرج آل محمد» در آستانه ظهور «قُدَّام القائم» است.

زمان وقوع آتش مشرق: ماه رمضان؟

گزاره آتش مشرق در کتب حدیثی شیعه بدون اشاره به زمان خاصی، صرفاً به عنوان رخدادی در آستانه ظهور، نقل شده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لِيَالِي فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَهِيَ قُدَّامُ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ^۱.

از ابوبصیر به نقل از امام صادق: هنگامیکه نشانه آتش عظیم و بزرگ در آسمان از سمت مشرق دیدید که برای چند شبانه روز ادامه داشت، در آن هنگام، فرج مردم و نزدیکی های ظهور قائم است.

اما در کتب اهل سنت به وقوع رخداد آخرالزمانی «آتش مشرق» در ماه رمضان تصریح شده است:

إِذَا رَأَيْتُمْ عُمُودًا أَحْمَرَ قِبَلَ الْمَشْرِقِ فِي رَمَضَانَ فَادْخِرُوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا سَنَةُ جُوعٍ؛ إِذَا رَأَيْتُمْ عُمُودًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فِي السَّمَاءِ مِثْلَ النَّارِ فِي رَمَضَانَ فَأَعِدُّوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ فَإِنَّهَا تَكُونُ سَنَةَ جُوعٍ^۲.

۱. نعمانی، القویة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۲. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳. الشجرى، الأمالي الحشمیة، ج ۲، ص ۳۷.

هنگامی که عمود آتش از سمت مشرق در ماه رمضان قبل ظهور دیدید که برای همه اهل زمین نیز قابل رویت و مشاهده است، ذخیره غذایی یک سال را تهیه کنید که سال قحطی (سنة جوع) در پیش است.

بنابراین، مطابق گزارش اهل سنت «عمود آتش مشرق» در ماه رمضان است و بعد از آن نیز سنة الجوع (سال قحطی) در پیش است، اما واضح است این مقدار اشتراک، الزاماً به معنای وحدت محتوایی نیست البته دلیلی هم بر تفاوت وجود ندارد. صرفاً با مقایسه درمی یابیم هرچند منابع فریقین اشتراک نظر دارند که این رخداد با ظهور مرتبط است اما مصادر شیعی به زمان وقوع آتش مشرق در «ماه رمضان» تصریح ندارند؛ البته با تشکیل «خانواده حدیثی»، قرائن دال بر وقوع رخداد آتش مشرق در ماه رمضان است:

إِذَا رَأَيْتُمْ نَاراً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شَبَهَ الْهُزْدِيِّ (الْأَحْمَرِ) الْعَظِيمِ تَظْلُعُ
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ.^۱

إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَاراً عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَظْلُعُ لَيْلِي
فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَهِيَ قُدَّامُ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ.^۲

۱. سال قحطی بعد از وقوع هرج الروم (جنگ جهانی) است. بنابراین ترتیب حوادث قبل ظهور چنین است: «آتش مشرق»، «هرج الروم»، «سنة الجوع»، حضور «مارقة الروم» در فلسطین در دفاع از اسرائیل که وارد جنگ با ایران و مقاومت شیعی شده است.
۲. البته با تشکیل خانواده حدیثی، قرائن دال بر وقوع رخداد آتش مشرق در ماه رمضان است.
۳. فیروزآبادی، قاموس المحیط، ج ۱، ص ۴۸۳.
۴. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.
۵. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ يَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَيُصِيبُهُمْ خَوْفٌ
شَدِيدٌ مِنَ الْقَتْلِ.^۱

در احادیث اهل سنت نیز از آتش سرخ در ماه رمضان قبل سال
قحطی (سنة جوع) یاد شده است.

إِذَا رَأَيْتُمْ عَمُودًا أَحْمَرَ قَبْلَ الْمَشْرِقِ فِي رَمَضَانَ فَادَّخِرُوا طَعَامَ سَنَتِكُمْ
فَإِنَّهَا سَنَةٌ جُوعٍ.^۲

بنابراین در منابع فریقین به قرائن متعدد - از سال قحطی (سنة
جوع) و آتش زرد و سرخ مشرق (الهُرْدَى الاحمر) سخن به میان آمده
است و اینکه سنة الجوع در آستانه ظهور است (قُدَّامَ الْقَائِمِ) - وحدت
محتوایی تقویت می شود.^۳

حال آتش مشرق در کدام ماه رمضان خواهد بود؟ قبل از سفیانی
(اولین نشانه حتمی) یا قبل ندای آسمانی؟ هرچند شواهد «وحدت

۱. نعمانی، العیبة، ص ۲۵۹.

۲. الشجرى، الأمالى الخمیسة، ج ۲، ص ۳۷.

۳. «وحدت محتوایی» احادیث فریقین: در حدیث اول و دوم از آتش سرخ مشرق (نار الهردی
الاحمر من المشرق) در آستانه ظهور (قُدَّامَ الْقَائِمِ) سخن به میان آمده است؛ در حدیث
سوم از سال قحطی (سنة یجوع) در آستانه ظهور (قُدَّامَ الْقَائِمِ) سخن به میان آمده است؛
در حدیث چهارم از آتش سرخ مشرق در ماه رمضان قبل سال قحطی سخن به میان آمده
است. در همه گزاره‌ها، آتش سرخ مشرق و سال قحطی مشترک است. بنابراین زمان آن
یعنی در ماه رمضان نیز مشخص می شود.

۴. کارشناسان مرکز تخصصی مهدویت نجف اشرف نیز دیدگاه «وحدت محتوایی» احادیث
آتش مشرق در شیعه و اهل سنت را برگزیدند: «نفهم عدم وجود تنافی بین الروایات الخاصة
والعامة وإنما كل منهما أشارت إلى جهة معينة سوف تترتب تبعاً لظهور تلك النار»
(لینک).

محتوایی» دال بر وقوع آتش مشرق قبل از اولین نشانه حتمی است؛ البته احتمال ضعیفی است که این رخداد در سال ظهور و قبل صیحه آسمانی اتفاق خواهد داد؛ زیرا در زمره حوادث قبل و بعد آتش مشرق، دو حادثه دیگر نیز منقول است؛ ابتدا پخش شدن مرگ خلیفه در ماه ذی الحجه هنگام حضور حاجیان در مراسم عرفات و سپس در ادامه راوی به واقعه آتش مشرق اشاره می‌کند آنگاه حادثه بعد از آن، ندای آسمانی است که در ماه رمضان رخ می‌دهد؛ بنابراین ترتیب اینگونه است: ۱. علنی شدن خبر قتل خلیفه در ماه ذی الحجه؛ ۲. آتش مشرق؛ ۳. صیحه آسمانی در ماه رمضان؛ اما این دیدگاه نیازمند شواهد بیشتری است.

البته ناگفته نماند وقوع آتش مشرق در ماه رمضان، در مصادر عامه است و در کتب معتبر شیعی به زمان دقیق آن تصریح نشده است هرچند همان طور که بیان گردید، اشاراتی شده است.

فرج آل محمد و قدام القائم؛ بشارت نزدیکی ظهور

با تتبع در تراث حدیثی شیعی، درمی‌یابیم عبارت «فرج آل محمد» و مشابه آن، علاوه بر معنای «گشایش در عصر غیبت»، در بشارت «قرب

۱. «بَيْنَا النَّاسُ وَوُقُوفَ بَعْرَقَاتٍ إِذْ أَتَاهُمْ رَاكِبٌ عَلَى نَاقَةٍ ذُعْلِبَةٍ يُخْبِرُهُمْ بِمَوْتِ خَلِيفَةٍ يَكُونُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَجٌ آلِ مُحَمَّدٍ وَفَرَجُ النَّاسِ جَمِيعاً وَقَالَ إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَظْلُعُ لِيَالِي فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَهِيَ قُدَامُ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۷).

۲. «إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شَبَهَ الْهُزْدِيِّ الْعَظِيمِ تَظْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ... ثُمَّ قَالَ الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۳-۲۵۴).

ظهور» امام مهدی نیز استعمال شده است^۱ و حتی در ادعیه منقول از معصومین، قرین برپایی دولت اهل بیت و حکومت امام مهدی ذکر شده است^۲؛ و اصولاً عبارت‌های دیگر همچون: «فرج عظیم»، «فرج الناس»، «انتظروا الفرَج»، «فرج شیعتکم» و «فرج آل محمد» و سایر مشتقات آن، همگی در احادیث علائم ظهور و فقط در تراث مهدوی، استعمال شده‌اند^۳ و نشان از حوادثی است که «بشارت نزدیکی و قرب ظهور» را به همراه دارد.

مضافاً بر اینکه محقق پرتوان و احیاگر نسخ حدیثی شیعی (مرحوم غفاری) در تحقیق کتاب الغیبة نعمانی، علاوه بر نسخه «فتوقعوا فرج آل محمد»، عبارت «فتوقعوا الفرَج بظهور القائم» را نیز ذکر کرده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ

۱. البته ممکن است چنین اشکال شود، در میراث حدیثی، عبارت «فرج آل محمد» صرفاً برای قرب ظهور نیست. زیرا در برخی روایات هرچند حکومت عباسیان قرن‌ها است که منقرض شده‌اند، اما از ضعف حکومت بنی‌عباس به عنوان فرج آل محمد تعبیر شده است: «مَتَى أَرَى فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ قَالَ يَا بَشَّارُ إِذَا تُوفِّيَ وَلِيُّ اللَّهِ وَهُوَ الرَّابِعُ مِنْ وَلَدِي فِي أَشَدِّ الْبِقَاعِ بَيْنَ شِرَارِ الْعِبَادِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَيَّ وَلَدِي بَنِي فَلَانٍ مُصِيبَةٌ سَوَاءٌ فَإِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ التَّقَّتْ خَلْقُ الْبِطَانِ وَلَا مَرَدَّ لِأَمْرِ اللَّهِ» (ابن مشهدی، العزائم، ص ۱۳۹)؛ پس این عبارت الزاماً برای قرب و نزدیکی ظهور به کار نمی‌رود اما پاسخ چنین است: محتوای حدیث فوق، قبل آغاز عصر غیبت کبری هنگام شهادت امام حسن عسکری بوده است (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۳۸۱) و تخصصاً از موضوع بحث ما، خارج است. بلکه مقصود ما آن دسته از احادیثی است که به عنوان «حوادث عصر غیبت کبری» است و تعبیر فرج آل محمد در این نوع احادیث حکایت‌گر، حوادث منتهی به ظهور است.

۲. «عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَانْصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي رُؤْيَا قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ» (ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۶ و ۲۳۳).

۳. جستجوی «فرج» و مشتقات آن در تراث حدیثی مهدوی (مرکز نور، نرم‌افزار مهدی‌پست).

قَبْلَ الْمَشْرِقِ شِبْهَ الْهُرْدِيِّ الْعَظِيمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا
فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ (في بعض النسخ: فتوقعوا الفرج بظهور القائم).^۱

البته در ادامه حدیث، زمان عمود آتش مشرق در زمان «قَدَامِ الْقَائِمِ»
تعبیر و تفسیر شده است که دیگر جای هیچ گونه بحث و شکی باقی
نمی ماند که عبارت فرج آل محمد، بشارت «نزدیکی ظهور» را دارد:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا
عَظِيمَةً مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ تَطْلُعُ لِيَالِي فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَهِيَ قُدَّامُ
الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ.^۲

از ابوبصیر به نقل از امام صادق: هنگامیکه نشانه آتش
عظیم و بزرگ در آسمان از سمت مشرق دیدید که برای چند
شبانه روز (بین ۳ - ۷ شبانه روز) ادامه داشت، در آن هنگام،
فرج مردم و نزدیکی های ظهور قائم است.

لازم به ذکر است در تراث حدیثی مهدوی، عبارت «فرج آل محمد»
در دو موضوع به کار رفته است: الف. مرگ پادشاه عربستان و اعلان
خبر مرگ او در موسوم حج^۳ که دشمن شیعه و همپیمان سفیانی^۴ مورد

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۳. «بَيْنَا النَّاسُ وَقُوفٌ بِعَرَفَاتٍ إِذْ أَتَاهُمْ رَاكِبٌ عَلَى نَاقَةٍ ذُعْلِبَةٍ يُخْبِرُهُمْ بِمَوْتِ خَلِيفَةِ يَكُونُ عِنْدَ
مَوْتِهِ فَرَجُ آلِ مُحَمَّدٍ وَفَرَجُ النَّاسِ جَمِيعاً» (نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۷).

۴. سفیانی همپیمان خاندان آل فلان در عربستان است؛ آل بنی فلان قبل از ظهور بر عربستان
حکومت می کنند: «يَا زُرَّارَةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ عَلَامٍ بِالْمَدِينَةِ ... يَقْتُلُهُ جَيْشُ آلِ بَنِي فُلَانٍ»
(کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷)؛ و سفیانی همپیمان خاندان آل فلان حاکم در عربستان
است: «فَيَبْتَغِي الْحَسَنِيُّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَنْشُبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَ يَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ
إِلَى الشَّامِ ... وَ يَبْعَثُ الشَّامِيُّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشاً إِلَى الْمَدِينَةِ» (کلینی، الکافی، ج ۸،

حمایت غربی‌ها است؛ ب. در واقعه عمود آتش مشرق نیز عبارت فرج آل محمد استعمال شده است که حاکی از اهمیت فوق‌العاده این دو حادثه مهم برای شیعیان در «جغرافیای ظهور» دارد.

از ممیزات و معیار تشخیص و افتراق آن از سایر حوادث مشابه، حدوث فرج (گشایش عظیم) برای شیعه بعد وقوع «آتش مشرق» است. در واقع عبارت فرج آل محمد، اشاره به شکست‌های پی‌پی دشمن و پیروزی نهایی جبهه مقاومت شیعی بر علیه باطل در حوادث منتهی به ظهور خواهد بود. و با تشکیل «خانواده حدیثی»، با عبارت «فیعطون ما سالوه فلا یقبلونه» در مراحل انقلاب ایرانیان نیز هماهنگی دارد. زیرا اگر نصر، فتح و پیروزی برای جبهه شیعی اتفاق نیفتاده باشد (فرج آل محمد)، چه دلیلی دارد دشمن سرکش که در دو مرحله از حق قوم مشرق ممانعت کرده است، این بار با ذلت و فروتنی، مجبور به پذیرش خواسته‌های ایرانیان شود؟

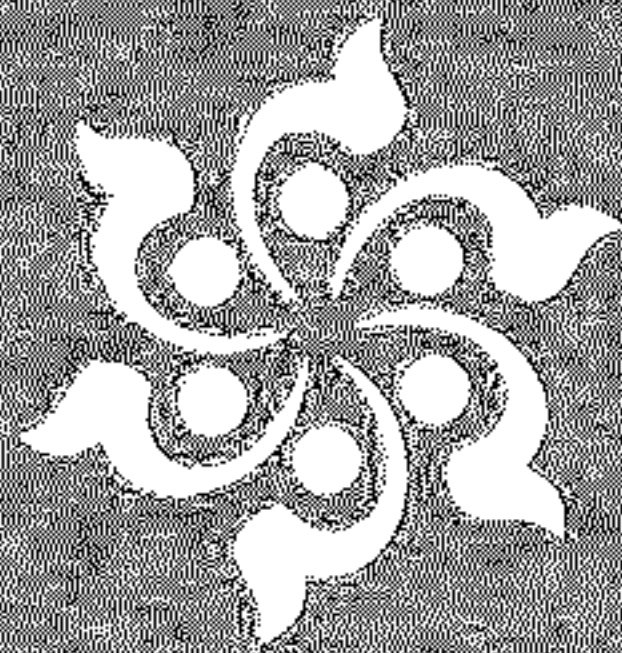
و البته تأکید «فرج آل محمد» (قَدَام الْقَائِم) بعد عبارت «فرج الناس»

ص ۲۲۵؛ این هماهنگی بین نظامیان آل بنی‌فلان و سفیانی در به شهادت رساندن سید حسنی، نفس زکیه قبل از ظهور می‌باشد (آیتی، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۳۴) و حاکی از ارتباط عمیق خاندان حاکم در عربستان با حاکم دمشق در منطقه شام دارد که متعاقب شهادت نفس زکیه، سفیانی لشکر نظامی خود از منطقه شام را به مدینه اعزام می‌کند ولی در منطقه بیداء بین مکه و مدینه، خسف خواهد شد (نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰).

۱. «الشَّفِیَانِیُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ ... فِي عُنُقِهِ صَلِیبٌ» (طوسی، الغیبه، ص ۴۶۳)؛ در عبارت «فِي عُنُقِهِ صَلِیبٌ» دو احتمال مطرح است: یا خود سفیانی چون مسیحی و رومی است، صلیب بر گردن دارد و نماینده غربی‌ها است یا به ظاهر مسلمان است اما مورد حمایت غربی‌ها است.

یعنی حق مظلوم از ظالم گرفته خواهد شد. نکته مهم دیگر، سخن از «فرج الناس» بیانگر این است این آتش انتقام سخت، نه تنها متوجه «دشمنان امام عصر» است بلکه متوجه «دشمنان بشریت» نیز خواهد بود که بعد از آن به سبب شکست «ظالم جهانی»، چنین گشایشی برای عموم مردم نیز حاصل خواهد شد.

Handwritten text in a cursive script, likely Urdu or Persian, arranged in several lines across the upper portion of the page.





مرحله «سیوف»: تقابل نظامی و «انتقام سخت» ایران

از منظر آینده‌پژوهی مهدوی، هرچند درباره واقعه «عمود آتش مشرق» قبل ظهور، نمی‌توان به جمع‌بندی قطعی رسید لکن به قرینه اشاره به «فرج آل محمد» و جوهره معنایی واژه «الهردی»، دیدگاه دوم (هویت جنگی) ترجیح دارد و قدر متیقن در صورت وحدت محتوایی گزاره «آتش مشرق» در فریقین، نشانه و علامت «سنة الجوع» و وقوع «جنگ جهانی» قبل ظهور نیز است.

صرف نظر از اینکه ماهیت آتش مشرق قبل ظهور، چیست و کدام دیدگاه ترجیح دارد؟، اما شکی نیست ایرانیان بعد از دو مرحله «مطالبه حق» از دشمن و البته یاس از اخذ حق خویش، آنگاه در «مرحله سیوف» چنان قدرتمند و طوفانی ظاهر خواهند شد و در «تقابل نظامی» با دشمن «انتقام سخت» را بر مثلث «غربی، عبری، عربی» وارد خواهند ساخت که دشمن مجبور به اعطای بخشی از حق ایرانیان خواهد شد

اما مقاومت شیعی به دلایل مختلف از جمله تغییر شرایط معادلات جهانی در اثر واقعه «هرج الروم»، آماده «رویاری حتمی» و جنگ با دشمن (اسرائیل و مارقة الروم) در آستانه ظهور خواهند شد.

حمله به منافع نظامی مثلث «عربی، عبری، عرَبی»

سؤال اساسی و بسیار مهم اینکه: ایرانی‌ها در کدام میدان، وارد فاز نظامی می‌شوند و جنگ سیوف، عملیاتی خواهد شد؟ واضح و مبرهن است، از آنجا که ایرانیان، هدف زمینه‌سازی ظهور را بر عهده دارند (لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ) و در گزاره آتش مشرق نیز سخن از «فرج آل محمد» و قرب ظهور (قُدَّامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ) است، طبیعی است جنگ با همپیمانان سیاسی و نظامی «سفیانی» (دشمن اصلی امام عصر) یعنی عملیات نظامی بر علیه مواضع دشمنان در محور مثلث «عربی».

۱. «الشَّفِيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ» (صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۴۶). سفیانی، اسم رمز حاکم موقت منطقه شام در عصر ظهور برای بازه زمانی کمتر از دو سال که علاوه بر تسلط بر سوریه، به عراق حمله نظامی می‌کند. ضمن اینکه برای حمایت از حاکمان همپیمان خویش در عربستان و در جهت مقابله با امام عصر نیروی نظامی به مدینه و مکه اعزام می‌کند (کورانی، المعجم الموضوعی لإحداث الإمام المهدي، ص ۳۸۰).

۲. آل بنی فلان قبل از ظهور بر عربستان حکومت می‌کنند: «يَا زُرَّارَةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ ... يَقْتُلُهُ جَيْشُ آلِ بَنِي فُلَانٍ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷)؛ سفیانی همپیمان خاندان آل فلان حاکم در عربستان است: «فَيَبْتَدِرُ الْحَسَنِيُّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَثْبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَ يَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِ ... وَ يَبْعَثُ الشَّامِيُّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشاً إِلَى الْمَدِينَةِ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵). این هماهنگی بین نظامیان آل بنی فلان و سفیانی در به شهادت رساندن سید حسنی، نفس زکیه قبل از ظهور می‌باشد (آیتی، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۲۳۴) و حاکی از ارتباط عمیق خاندان حاکم در عربستان با حاکم دمشق در منطقه شام دارد که متعاقب شهادت نفس زکیه، سفیانی لشکر نظامی خود از منطقه

غربی، عبری^۱ در دستور کار خواهد بود.

جنگ دریایی ایران و جبهه شیعی با دشمن

البته در این میان، نقش «قدرت نظامی دریایی جبهه مقاومت شیعی» قبل ظهور، بسیار حائز اهمیت است. در کتاب الاختصاص و نیز کتاب دلائل الامامة از ابوبصیر نقل می شود: نزد امام صادق بودم. مردی اهل خراسان (ایران) نزد ایشان بود و با ایشان به زبانی گفتگو می کرد که من نمی فهمیدم (صحبت به زبان فارسی) و سپس با زبانی صحبت کردند (زبان عربی) که من فهمیدم. امام صادق فرمود: پایت را بر زمین بکوب؛ ناگهان دریایی هویدا می شود که بر سواحل اش، سوارانی هستند که

شام را به مدینه اعزام می کند ولی در منطقه بیداء بین مکه و مدینه، خسف خواهد شد (نعمانی، الفیه، ص ۲۸۰).

۱. سفیانی، مورد حمایت غربی ها است: «يُقْبَلُ الشُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِراً فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ وَهُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ» (طوسی، الفیه، ص ۴۶۳).

۲. سفیانی، مورد حمایت یهود است: «إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا» (سوره اسراء، آیه ۸)، «يَغْنِي إِنْ عُدْتُمْ {اليهود} بِالشُّفْيَانِيِّ عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» (قمی، تفسیر القصص، ج ۲، ص ۱۴).

۳. عبارت مثلث «غربی، عبری، عربی» و اصطلاحات مشابه دیگر در این نوشتار، برگرفته از احادیث است. به عنوان مثال در گذشته برای رومی ها، عنوان صلیبی، اطلاق می شده است که معادل امروزی آن، غربی ها گفته می شود؛ و نیز سایر موارد در این نوشتار به همین منوال است و یا اصطلاح امروزی برای گفتار قرآنی «فساد بنی اسرائیل در فلسطین با محوریت مسجد الاقصی» که در سوره اسراء به آن اشاره شده است، از آن به رژیم اسرائیل و یهود صهیونیسم یاد می شود. البته این رویه در مقالات پژوهشی در فصلنامه های علمی نیز متداول است (ر.ک: مودب، «واکاوی تفسیری آیات سوره اسراء درباره فساد بنی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۳۴، ص ۹۴-۹۵. طباطبایی امین، «ارتباط سوره اسراء با مهدویت و نقد و بررسی آراء مفسران فریقین»، فصلنامه مشرق مهرود، ش ۵۰، ص ۳۴۳).

گردن‌های خود را بر فراز زین اسب‌هایشان گذاشته‌اند (کنایه از آمادگی نظامی نیروی دریایی جبهه زمینه‌ساز ظهور برای جنگ با دشمنان). امام صادق فرمود: آنان، در زمره انصار قائم (زمینه‌سازان ظهور) هستند:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَّاسَانَ وَ هُوَ يُكَلِّمُهُ بِلِسَانٍ لَا أَفْهَمُهُ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى شَيْءٍ فَهَمُّتُهُ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ الْأَرْضَ فَإِذَا بَحْرٌ تِلْكَ [تَحْتَ] الْأَرْضِ عَلَى حَافَتَيْهَا فُرْسَانٌ [فَارِسَان] قَدْ وَضَعُوا رِقَابَهُمْ عَلَى قَرَابِيسِ سُورَجِهِمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: هَؤُلَاءِ أَصْحَابُ [أَنْصَارِ] الْقَائِمِ.

«پیروزی پس از ظهور»

سند در کتاب دلائل الإمامه و نیز کتاب الاختصاص بدین قرار است:

کتاب دلائل الامامة: وَ بِإِسْنَادِهِ (حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَرَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيُّ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زَيْدٍ (أَحْمَدُ بْنُ مُدَبَّرٍ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ....

کتاب الاختصاص: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ الْكُوفِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ

۱. البته حدیث چند نسخه‌ای است: ۱. فَإِذَا بَحْرٌ تِلْكَ الْأَرْضِ (مفید، الاختصاص، ص ۳۲۵)؛ ۲. فَإِذَا بَحْرٌ تَحْتَ الْأَرْضِ (طبری، دلائل الامامة، ص ۴۶۰)؛ ۳. فَإِذَا نَحْنُ بِلِئِكَ الْأَرْضِ (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۸۹). البته نسخه سوم قطعاً با سیاق و محتوای حدیث سازگاری ندارد. از این رو نسخه کتاب الاختصاص به دلیل تقدم رتبه زمانی، ارجح است.
۲. مفید، الاختصاص، ص ۳۲۵. و مشابه آن: طبری، دلائل الامامة، ص ۴۶۰. بحرانی، عذبة المعارج، ج ۶، ص ۱۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۸۹.

المُؤَدَّبِ مِنْ وَلَدِ الْأَشْتَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ الشَّعْرَانِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي
بَصِيرٍ....

۱. أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَرَمِيُّ (الحسين بن عبد الله
الحرمی): مهمل.

۲. أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى التَّلْعُكَبَرِيِّ (هارون بن موسی
التلعکبری): کان وجهاً فی أصحابنا ثقة.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ (محمد بن همام بن سهیل): جلیل القدر ثقة،
اصحابنا عظیم المنزله.

۴. أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ الْكُوفِيُّ (جعفر بن محمد بن
مالک الفزازی): ثقة، امامی علی التحقيق.

۵. أَحْمَدُ بْنُ الْمُؤَدَّبِ مِنْ وَلَدِ الْأَشْتَرِ (احمد بن المودب، احمد بن
محمد المودب، احمد بن مدبر من ولد الاشر، احمد بن مدين من ولد
مالک بن الحارث الاشر): در کتب رجالی ذکرى از وی به میان نیامده

۱. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲۲، ص ۱۸۶.

۲. نجاشی، الرجال، ص ۴۳۹.

۳. طوسی، الرجال، ص ۴۳۹.

۴. نجاشی، الرجال، ص ۳۸۰.

۵. طوسی، الرجال، ص ۴۱۸.

۶. وثاقتی که از طریق بررسی های روایی و تتبع در اقوال رجالیون شیعی و نیز توجه به قراین،
به دست می آید، «وثاقت اجتهدی و تحقیقی» گویند (غلامعلی، سند شناسی، ص ۳۱۶)؛
مثال بارز در بررسی وثاقت اجتهدی، می توان به حاصل تلاش پژوهشگران خبره رجالی
شیعه تحت نظر آیه الله شبیری زنجانی اشاره نمود که البته اطلاعات آن هر سال به روزرسانی
و ویرایش نهایی می شود و حاصل بیش از ۲۰ سال تلاش تحقیقات رجالی شیعه است و در
قالب دیجیتالی «نرم افزار درایة النور» به جامعه پژوهشی ارائه شده است.

است (مهمل) و البته در کتب حدیثی همچون الإختصاص، علل الشرایع و دلائل الإمامه در برخی اسناد که تلعبیری ثقة در طریق آن قرار دارد، واقع شده است و احادیث وی را نقل کرده است.

۶. مُحَمَّدُ بْنُ عَمَّارٍ (محمد بن عمار الشعرانی): مهمل.

۷. أُبَيِّهِ: مهمل.

۸. أَبِي بَصِيرٍ (یحیی ابوبصیر الاسدی): ثقة وجیه، از اصحاب اجماع.^۱ در سند حدیث، راویان ثقة و مهمل وجود دارد. لازم به ذکر است، قدماء به احادیث راویان مهمل، عمل می کرده اند: «أَنَّ الْقَدَمَاءَ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِالْمَهْمَلِ كَالْمَمْدُوحِ»؛^۲ کما اینکه متاخرین نیز عدم ذکر راوی در کتب رجال، را دلیل ضعف راوی نمی دانند^۳ بنابراین سند حدیث، موثق است. البته مشابه عبارت (انصار القائم) در احادیث دیگر نیز تکرار شده است که به روشنی بیانگر این است مقصود ۳۱۳ نفر نیست بلکه شأن زمینه سازان ظهور را ترسیم کرده است؛ از جمله در فضیلت شیعیان اهل قم چنین نقل شده است:

تُرْبَةُ قُمْ مُقَدَّسَةٌ وَأَهْلُهَا مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ... إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا.^۴

بنابراین عبارت «هولاء انصار القائم»، الزاماً اشاره به اصحاب خاص

۱. نجاشی، الرجال، ص ۴۴۱.

۲. کشی، الرجال، ص ۲۳۸.

۳. شوشتری، قاءوس الرجال، ج ۱، ص ۴۴. رحمان ستایش، قواعد توثیق راویان، ص ۸۸-۹۰.

۴. بروجردی، نهاية التفریر، ج ۱، ص ۲۷۱.

۵. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸. و مشابه آن: «قَصَبَةُ قُمْ تِلْكَ الْبَلَدَةُ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷).

حلقه اول (۳۱۳ نفر) امام عصر نیست. زیرا متواتر است که اصحاب خاص حضرت در مکه مکرمه کنار کعبه اجتماع می‌کنند در حالی که در این حدیث، به حضور یاوران امام عصر در سواحل دریا (بَحْرُ عَلَی حَافَتِیْهَا) و در حالت آماده‌باش نظامی (فُرْسَانٌ قَدْ وَضَعُوا رِقَابَهُمْ عَلَی قَرَابِیسِ سُرُوجِهِمْ) اشاره شده است. از این رو این عبارت اشاره به یاوران و زمینه‌سازان ظهور و نقش مهم آنان در مقابله با دسیسه‌های دشمن بر علیه شیعه در جنگ‌های دریایی دارد. و حتی در فرض اینکه مقصود سیصد و سیزده نفر اصحاب خاص حضرت باشد، از آنجا که غالب یاران امام عصر از عجم می‌باشند، ایرانی‌ها نیز مشمول آن هستند.

نگاه «حداقلی» جریان شریعت‌گرای سنتی

البته این توهم اشتباه در میان برخی «شریعت‌گرای‌های سنتی» با نگاه «حداقلی» به فرایند ظهور، نضج و شکل گرفته است که امام عصر نیازی به زمینه‌سازی و حمایت نظامی ندارد در حالی که با اندکی تدبیر در تراش مهدوی، متوجه می‌شویم: غلبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بر «هیمنه پوچ استکبار» حتی بعد از ظهور که خود امام عصر نیز حضور دارند، با کمک و نصرت زمینه‌سازان اتفاق خواهد افتاد؛ و حضرت مهدی از نسل امام حسین با کمک سلاح یارانش و یاری زمینه‌سازان، دشمنان را شکست خواهند داد:

۱. «ثَلَاثُمِئَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا ... فَيُصِيبُحُونَ بِمَكَّةَ ... أَصْحَابُ الْقَائِمِ» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النه، ج ۲، ص ۶۵۴)؛ «الْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ ... فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثُمِئَةٍ وَ ثَلَاثَةُ عَشَرَ رَجُلًا» (نعمانی، الفیه، ص ۲۷۹).

مَهْدِيًّا مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ يَحَرِّفُهُمْ بِسُيُوفِ أَوْلِيَائِهِ إِلَى نَارِ
جَهَنَّمَ.

قوم زمینه‌ساز، که شعارشان «یا لشارت الحسین» است و آرزوی
شهادت دارند و به وسیله آنان، امام مهدی یاری و نصرت خواهد شد:

يَتَمَنَّوْنَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارَهُمْ يَا لَشَارَاتِ الْحُسَيْنِ... بِهِمْ
يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ.

و همگان می‌دانند این مهم، یک شبه حاصل نخواهد شد. بلکه
شیعه باید «اوج آمادگی و اقتدار نظامی» قبل ظهور را حفظ نماید زیرا
مخاطرات فراوانی شیعه را تهدید می‌کند و از این رهگذر می‌توان
برداشت غلط و اشتباه مخالفین «تشکیل قدرت منجسم شیعی»
- تحت شعار واحد «زمینه‌سازی» در «جغرافیای ظهور» - را بیش از پیش
احساس کرد. زیرا چگونه ممکن است نقشه‌های پیچیده جبهه باطل را
خنثی نمود در حالی که شیعه قبل ظهور از قدرت نظامی سخت‌افزاری و
نرم‌افزاری به هدف یاری امام عصر برخوردار نباشد؟

بعد از اثبات اینکه شیعه به دلایل عقلی و نقلی، ضرورت دارد در
مثلث «کوفه، مکه و قدس»، فرایند زمینه‌سازی را سرعت بخشد، آنگاه
این سؤال مطرح می‌شود: اگر در عصر ظهور، به سر می‌بریم، متعاقب
آن چه تکالیف فردی و اجتماعی برای جامعه زمینه‌ساز در مقابله به
دسیسه‌های جبهه باطل، ایجاد خواهد شد؟

۱. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۶۸.

۲. نیلی نجفی، سرور اهل ایمان، ص ۹۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

نوهیم سقوط انقلاب زمینه ساز

البته این مهم بر عهده ایرانیان نهاده شده است؛ در احادیث معتبر از «ایرانیان زمینه ساز» که قیام می کنند و با دشمن می جنگند و کشته های آنان شهید محسوب می شود و سرانجام انقلاب شان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد، سخن به میان آمده است:

كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالشَّرِيقِ ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ ...
يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ^۱

والبته هرچند پاسخ های متعددی به مخالفین مشروعیت «قیام در عصر غیبت» داده شده است^۲، اما ناگفته پیداست به قرینه عبارت «لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ وَ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ»، مشروعیت قتال با دشمن با اجازه نایبان عام به قصد زمینه سازی، ثابت است؛ مضافاً بر این که، با وجود ادله معتبر همچون: انقلاب مردی از قم، زمینه سازی قوم مشرق زمین و جنگ شیعیان ایران با یهود پیش از ظهور با هدف تسهیل در فرایند ظهور^۳ به ضمیمه آیات استبدال و...، تکلیف شیعیان

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۳. سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳).

۲. ر.ک: مرتضی عاملی، *مختصر غیبة*، ج ۳، ص ۱۷۴. پورسیدآقایی، «بررسی چالش های روایی مشروعیت تشکیل حکومت در عصر غیبت»، *«نصائنام» مشرق موعود*، ش ۴۹، ص ۳۸۷-۴۰۴.

۳. طبرسی در مجمع البیان ذیل آیات ابتدایی سوره اسراء و با توجه به اخبار و احادیث تفسیری می فرماید: قومی قبل از ظهور، زمینه را برای قیام و خروج امام عصر عجل الله تعالی فرجه فراهم می کنند: «قد تظاهرت الأخبار عن أئمة الهدى من آل محمد في أن الله تعالى سيعيد عند قيام المهدي قوما ممن تقدم موتهم من أوليائه و شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و معونته و

در حمایت و یاری انقلاب زمینه ساز ظهور در ایران کاملاً واضح و روشن است.

و از آنجا که در احادیث شیعه و اهل سنت، فقط برای ایرانیان عبارت «لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَيَّ صَاحِبُكُمْ» و نقش زمینه سازی ذکر شده است، به روشنی گویای این واقعیت است که نقش مدیریت و سرپرستی جهان تشیع و رهبری امت در مواجهه با دشمن و جبهه باطل (مثلث غربی، عبری و عربی) بر عهده آنان نهاده شده است که توانسته تحت پرچم «جبهه حق» و شعار واحد «زمینه سازی» با گردهم آوردن شیعیان از مناطق مختلف جغرافیای ظهور - عراق (عصائب العراق)، یمن (اهل الیمن)، لبنان و فلسطین (ابدال الشام) - در مثلث «کوفه، مکه،

بیت‌هجوا بظهور دولته» (طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۶۷).

۱. عبارت مثلث «غربی، عبری، عربی» و اصطلاحات مشابه دیگر در این نوشتار، برگرفته از احادیث است. به عنوان مثال در گذشته برای رومی‌ها، عنوان صلیبی، اطلاق می شده است که معادل امروزی آن، غربی‌ها گفته می شود؛ و نیز سایر موارد در این نوشتار به همین منوال است و یا اصطلاح امروزی برای گفتار قرآنی «فساد بنی اسرائیل در فلسطین با محوریت مسجد الاقصی» که در سوره اسراء به آن اشاره شده است، از آن به رژیم اسرائیل و یهود صهیونیسم یاد می شود. البته این رویه در مقالات پژوهشی در فصلنامه های علمی، نیز متداول است (به عنوان نمونه: مودب، «واکاوی تفسیری آیات سوره اسراء درباره فساد بنی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۳۴، ص ۹۴-۹۵. طباطبایی امین، «ارتباط سوره اسراء با مهدویت و نقد و بررسی آراء مفسران فریقین»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۵۰، ص ۳۴۳).

۲. طوسی، النبیة، ص ۴۷۷.

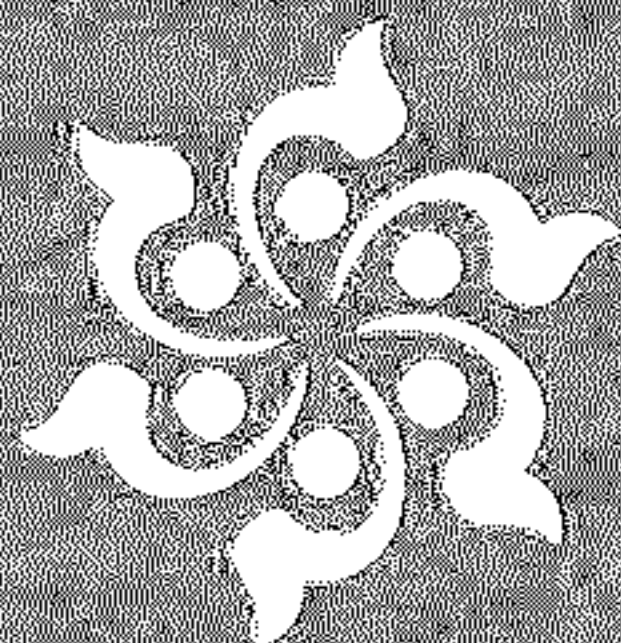
۳. طبری، دلائل الإمامة، ص ۴۶۶.

۴. ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الاخبار، ص ۴۳۳. لازم به ذکر است «ابدال الشام» از بیعت کنندگان با امام عصر در هنگامه ظهور با اصطلاح «ابدال» در کتب برخی عرفا فرق دارد. توضیح اینکه: در احادیث متعددی ذکر شده، بعد از ظهور و قیام امام عصر

قدس»، فرایند امر ظهور را برای تشکیل حکومت حقه جهانی حضرت ولیعصر مهیا و فراهم سازند.

از کنار کعبه در مکه، شیعیان مناطق مختلف همچون «رایات من خراسان»، «عصائب عراق»، «اهل یمن»، «نجباء مصر» و «ابدال شام» با حضرت بیعت خواهند نمود (مفید، الإختصاص، ص ۲۰۸). در الغیبه شیخ طوسی بیعت شیعیان چنین گزارش شده است: «يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نِتْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ» (طوسی، الغیبه، ص ۴۷۷). در نسخه کتاب عمدة عیون صحاح و کتاب الإختصاص، واژه «عصائب عراق» ذکر شده است؛ ضمن اینکه برخی از این افراد در زمره ۳۱۳ نفر یاران امام عصر نیز قرار خواهند گرفت: «خُرُوجُ الشُّفِيَّانِي ... وَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُبَايِعُ لَهُ بَيْنَ زَمَرَمَ وَالْمَقَامِ يَرْكَبُ إِلَيْهِ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ أَبْدَالِ الشَّامِ وَ نُجَبَاءُ أَهْلِ مِصْرَ وَ تُصِيرُ أَهْلُ الْيَمَنِ عِدَّتَهُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ» (طبری، دلائل الإمامة، ص ۴۶۶. مفید، الإختصاص، ص ۲۰۸).

۱. ر.ک: ایران قبل از ظهور، مواجهه نظامی بعد از دو مرحله مطالبه حق (http://mshrgh.ir/1040587) و (http://rajanews.com/node/334458).



خاتمه:

آتش مشرق؛ اعجاز الهی یا انفجار هسته‌ای؟

۱. ضرورت واکاوی «آتش مشرق» قبل ظهور، بدان جهت اهمیت مضاعف دارد که خود نشانه‌ای است بر آغاز قحطی و گرسنگی در جهان (سنة الجوع) و باید ذخایر استراتژیک غذایی و تدابیر اقتصادی از طرف حکومت‌ها انجام شود که البته ناشی از وقوع جنگ جهانی (هرج الروم) قبل از «سنة الجوع» است که در اثر آن، مرگ سفید (طاعون) و مرگ سرخ (جنگ و خونریزی) در گستره جهانی رخ خواهد داد.

۲. مساله اصلی پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل «آتش مشرق» قبل از ظهور با نگاه آینده‌پژوهانه مهدوی است. پرسش اساسی این است: عمود آتش مشرق - که زمان وقوع آن در علم الهی محفوظ است - آیا اشاره به پدیده فلکی و نجومی دارد یا حادثه صُنع بشری (تقابل نظامی) یا انفجار هسته‌ای؟

دیدگاه اول: پدیده فلکی و اعجاز الهی است و ادعا می کنند مرتبط با موضوع «ستاره دنباله دار» (النجم ذو الذنب) است.

دیدگاه دوم: هویت جنگی؛ مطابق این دیدگاه، گزاره «آتش مشرق» در میراث آینده پژوهی مهدوی، آیا تقابل نظامی با دشمن خواهد بود یا در واقع تلمیحی است به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی؟ سه احتمال مهم مطرح است:

۳. احتمال اول: آتش در عربستان: قائلین با استناد به گزاره حدیثی وقوع آتش در حجاز، بیان می کنند آتش مشرق، انفجار میادین نفتی در عربستان قبل از ظهور، مقصود است.

۴. احتمال دوم: حمله به ایران و محور مقاومت شیعی: مدافعان این نظریه در تقویت این دیدگاه می کوشند به شواهدی از میراث حدیثی، استناد نمایند؛ در توقیع منسوب امام عصر به شیخ مفید، به وقوع رویدادها و اخبار غیبی در «جغرافیای ظهور» اشاره می شود از جمله: ماه جمادی در آسمان و زمین، علامت هایی آشکار می شود. قوم مشرق (ایرانیان)، محزون و غمگین می شوند. بعد حوادثی در عراق رخ می دهد و «مارقین» بر بخشی از امور عراق مسلط می شوند. تضعیف جبهه حق در امور عراق ادامه دارد تا اینکه یکی از سران شرور مخالف شیعه - و به قرینه اینکه در ادامه سخن از باز شدن حج است، می توان دریافت راه حج قبل از آن بسته بوده است - در عربستان سعودی یا کشور دیگر به هلاکت می رسد آنگاه حوادثی خشنوده کننده برای شیعیان آغاز خواهد شد.

۵. صرف‌نظر از «انتساب صدور قطعی» توقیع برای شیخ مفید - که محل اختلاف است - سؤال مهمی مطرح می‌شود: این فقره از توقیع برای رویدادهای قبل ظهور است یا مربوط به دوران شیخ مفید؟ آیا در عصر شیخ مفید، مورخین و تاریخ‌نگاران، حوادثی را در ارض مشرق (ایران) و عراق گزارش کردند که بعد از آن، هلاک و مرگ یکی از حاکمان مخالف شیعه نیز ثبت شده باشد و بعد از مرگ وی، راه حج که برای مدتی بسته شده است، باز شود؟

البته شیخ مفید در عصر غیبت کبری زندگی می‌کرده است و صدور توقیع ثابت نیست. اما برخی بر این باورند به مقتضای قرائن و نیز نقل توقیع در کتاب معتبر الإحتجاج و البته قبل از آن، وجود بخشی از متن توقیع در کهن‌ترین نسخه المصباح طوسی، بنابراین انکار قطعی آن روا نیست اما اثبات شدنی نیز نیست.

۶. احتمال سوم: حمله ایران و جبهه شیعی به مثلث «غربی، عبری، عربی»: واقعه «آتش مشرق»، حادثه صُنع بشری و هویت جنگی دارد و به قرینه عمود آتش، حمله به هدف و مکان معین از مواضع دشمن و از جمله رویدادهای قبل از ظهور است، به گونه‌ای که شعله‌های آتش زرد و سرخ زعفرانی (الْهُرْدِيّ) به سمت آسمان زبانه می‌کشد (عمود) و بسیار هولناک توصیف شده است (عَظِيمَة) و تا چند شبانه‌روز ادامه خواهد داشت (تَظْلُعُ لَيْالِي) و بین سه تا هفت روز تداوم خواهد داشت (ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَة) و برای تمام مردم جهان، این رخداد جنگی از طریق شبکه‌های تصویری، وسائل ارتباط جمعی و شبکه‌های تلویزیونی قابل

مشاهده خواهد بود (يَرَاهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ) و به منزله آغاز پیروزی های جبهه حق بر علیه باطل (فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ) در حوادث منتهی به ظهور خواهد شد (قُدَّامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ) که البته آتش مشرق خود نشانه آغاز تدریجی قحطی و گرسنگی فراگیر در جهان است (سنة الجوع) که باید برای یکسال ذخیره مواد غذایی و مایحتاج مردم توسط حکومت ها تامین شود (طَعَامَ سَنَةٍ).^۱

۷. در شناخت این حادثه آخرالزمانی، باید سه ویژگی مهم (عمود آتش، به رنگ زرد متمایل به سرخ، استمرار عمود آتش به مدت چند روز) توأمان و «همزمان» با هم در این رخداد وجود داشته باشد تا به فهم صحیحی از گزاره مهدوی دست یافت. ضمن اینکه باید موجب فرج آل محمد در آستانه ظهور گردد. بنابراین باتوجه به جوهره معنایی واژه «الهردی»، آتش مشرق متصف به شعله های زرد و سرخ زعفرانی که به آسمان زبانه می کشد، بیانگر حمله به هدفی بزرگ است که به علت دشواری در فرایند اطفای حریق، تا چند روز نیز ادامه خواهد داشت. و به قرینه «عمود» شعله های آتش به آسمان، حمله ایران به مواضع دشمن در دریا تمرکز خواهد داشت. زیرا خاصیت آتش در زمین و خشکی این است که شعله های آتش به اطراف منتشر می شود و به یک مکان محدود

۱. إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شِبْهَ الْهَرْدِيِّ الْعَظِيمِ تَظْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةً فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ (نعمانی، النبی، ص ۲۵۳)؛ إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَظْلُعُ لَيَالِيٍ فَعِنْدَهَا فَرَجُ النَّاسِ وَ هِيَ قُدَّامَ الْقَائِمِ بِقَلِيلٍ (نعمانی، النبی، ص ۲۶۷)؛ سَتَبْدُو آيَةَ عَمُودًا مِنْ نَارٍ يَظْلُعُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ يَرَاهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ فَلْيُعِدِّ لِأَهْلِهِ طَعَامَ سَنَةٍ (مناوی، فیض الزمعه، ج ۱، ص ۳۶۱).

و محصور نیست و در نتیجه آتش برای چند روز به صورت عمودی شعله نخواهد کشید اما وقوع آتش در دریا، محدوده آن را محاصره می‌کند و از این رو برای «چند روز» این ستون آتش به صورت «عمودی» در دریا، قابل رویت و مشاهده است و با توجه به اینکه رنگ زرد آتش (النار الّهردی) حاصل واکنش با سدیم موجود در راکتورهای هسته‌ای است، با دقت در این سه ویژگی مهم، می‌توان نتیجه گرفت از جمله رخداد های قبل ظهور، حمله به مواضع دشمن همچون حمله به «ناوهای اتمی» در دریا، متصور است.

البته به این معنا نیست آنچه مورد اصابت قرار می‌گیرد الزاماً حاوی مخزن عظیم سدیم باشد تا آتش به رنگ زرد خالص جلوه کند بلکه مجموع عناصر شیمیایی منجر به تولید منظره شعله‌های انفجار خواهد شد بویژه تأکید گزاره حدیثی بر عبارت «شبه الّهردی» است و دقت‌های علم شیمی چنان‌که در آزمون تست عناصر به کار می‌رفت لازم نیست بلکه عرفاً آتش حاصل از انفجار شبیه رنگ زرد و سرخ جلوه کند، کافی است. بنابراین اهدافی از مواضع دشمن در زمین و دریا مورد اصابت قرار می‌گیرد از جمله کشتی‌هایی که با سوخت هسته‌ای در دریا فعالیت دارند، نیز مشمول حمله و انفجار خواهند بود.

۸. بنابراین قبل ظهور، تقابل نظامی بین زمینه‌سازان با دشمن، اجتناب‌ناپذیر است و تنها مسأله، زمان آن است اما به قرینه اینکه دشمن مجبور به قبول بخشی از حق ایران خواهد شد اما ایرانیان نمی‌پذیرند، بیانگر این است در رویارویی نظامی، سرانجام محور

مقاومت شیعی دست برتر را در «جغرافیای ظهور» خواهد داشت و ضربه نهایی را با عنوان عملیات «آتش مشرق» بر دشمن وارد خواهند ساخت؛ و هرچند تلفات و آسیب به زیرساخت‌ها، تلخ و ناگوار است اما پیروزی نهایی با ایران است چرا؟ دشمن مجبور به پذیرش و قبول خواسته‌های ایرانیان و عقب‌نشینی از مواضع‌اش خواهد شد. بنابراین «تقابل نظامی» قطعاً رخ خواهد داد و مصداق بارز آن «آتش مشرق» است اما «جنگ فراگیر» با آمریکا و اسرائیل، بعد «هرج الروم» است.

۹. مطابق گزارش اهل سنت «عمود آتش مشرق» در ماه رمضان است و بعد از آن نیز سنة الجوع (سال قحطی) در پیش است، اما واضح است این مقدار اشتراک، الزاماً به معنای وحدت محتوایی نیست البته دلیلی هم بر تفاوت وجود ندارد. صرفاً با مقایسه درمی‌یابیم هرچند منابع فریقین اشتراک نظر دارند با ظهور مرتبط است اما مصادر شیعی به زمان وقوع آتش مشرق در «ماه رمضان» تصریح ندارند. ضمن اینکه احتمال دارد، دو حادثه جداگانه باشند.

۱۰. از منظر آینده‌پژوهی مهدوی، هرچند درباره واقعه «عمود آتش مشرق» قبل ظهور، نمی‌توان به جمع‌بندی قطعی رسید لکن به قرینه اشاره به «فرج آل محمد» و جوهره معنایی واژه «الهردی»، دیدگاه دوم (هویت جنگی) ترجیح دارد و قدر متیقن در صورت وحدت محتوایی گزاره «آتش مشرق» در فریقین، نشانه و علامت «سنة الجوع» و وقوع «جنگ جهانی» قبل ظهور است.

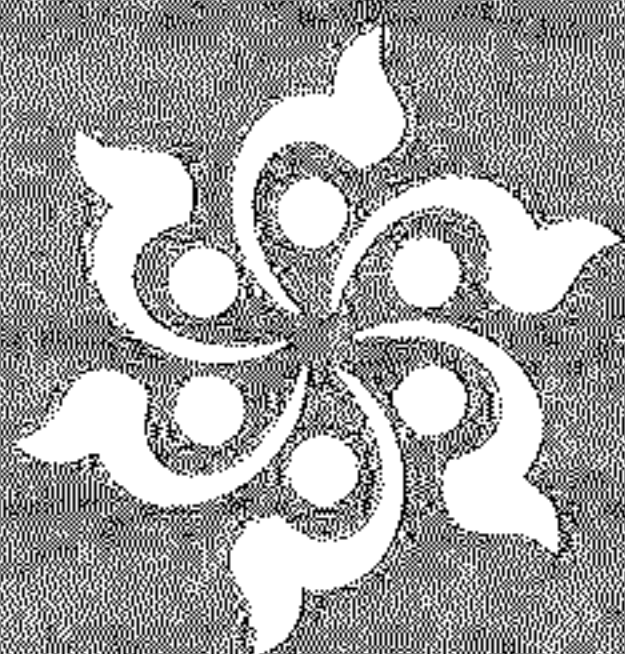
۱۱. در احادیث، سال قحطی آمده (سنة الجوع) که باید ذخیره

غذایی یک سال توسط حکومت‌ها فراهم شود. و نشانه قبل از سال قحطی و هرج‌الروم، رخداد «آتش مشرق» است که اگر دیدگاه تقابل نظامی جبهه مقاومت شیعی با دشمن ترجیح داشته باشد به قرینه تعبیر سه تا هفت روز، می‌توان دریافت که آتش مشرق، قطعاً جنگ وسیع و گسترده نیست بلکه تقابل محدود نظامی است.

۱۲. بنابراین ترتیب حوادث قبل ظهور چنین است: «آتش مشرق»، «هرج‌الروم، جنگ جهانی»، «سنة الجوع»، حضور «مارقة الروم» در فلسطین به دفاع از اسرائیل که وارد جنگ با ایران و مقاومت شیعی شده است.

۱۳. صرف‌نظر از اینکه ماهیت آتش مشرق قبل ظهور، چیست و کدام دیدگاه ترجیح دارد؟، اما شکی نیست ایرانیان بعد از دو مرحله «مطالبه حق» از دشمن و البته یاس از اخذ حق خویش، آنگاه در «مرحله سیوف» چنان قدرتمند و طوفانی ظاهر خواهند شد

۱۴. و در «تقابل نظامی» با دشمن «انتقام سخت» را بر مثلث «غربی، عبری، عربی» وارد خواهند ساخت که دشمن مجبور به اعطای بخشی از حق ایرانیان خواهد شد اما مقاومت شیعی به دلایل مختلف از جمله تغییر شرایط معادلات جهانی در اثر واقعه «هرج‌الروم»، آماده «رویاریوی حتمی» و جنگ با دشمن (اسرائیل و مارقة الروم) در آستانه ظهور خواهند شد.



کتابنامه

۱. آیتی، نصرت الله، تأملی در نشانه های حتمی ظهور، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۲. آیتی، نصرت الله، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ۱۳۹۸ ش.
۳. الاسدی، حسین، «عنصر الخفاء فی القضية المهدویة»، فصلنامه الموعود طبع نجف اشرف، ش ۴، ۱۴۳۸ ق.
۴. ابن اثیر، محمد بن مبارک، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۵. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۶. ابن حمّاد، نعیم بن حمّاد المروزی، الفتن، تحقیق: مجدی بن منصور الشوری، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق.

۷. ابن حیتون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تحقیق: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
۸. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم والفتن، قم، مؤسسه صاحب الامر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات، تحقیق: محمد حسن محرز، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۱. ابن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۳. ابن فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، قم، نشر رضی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۱۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرتضویه، چاپ اول، ۱۳۵۶ش.
۱۵. ابن مزاحم، نصر، وقعة صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۶. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

۱۸. ابن هشام، عبدالله بن يوسف، مغنی اللیب، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ چهارم، ۱۴۱۰ق.
۱۹. ابوالفداء، اسماعیل بن علی، تهویم البلدان، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، چاپ اول، ۲۰۰۷م.
۲۰. احمدوند، شجاع، «آخر الزمان در نگاه مكتب صهيونيسم مسيحي»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۴، ۱۳۸۹ش.
۲۱. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
۲۲. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۳. اشعری قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، تحقیق: محمدرضا انصاری، قم، کتابخانه آية الله مرعشي نجفی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۲۴. اصطخری، ابراهیم بن محمد، مسالك الممالك ط لیدن، تحقیق: احمد بن سهل ابوزید، بیروت، دارالصادر، چاپ اول، ۱۹۲۷م.
۲۵. اکبرنژاد، مهدی، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
۲۶. الهی نژاد، حسین، «مهدویت و فرجام تنازع حق و باطل»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۳۹، ۱۳۹۱ش.
۲۷. امیری، مصطفی، آتش آذربایجان قبل از ظهور، قم، مسجد جمکران، چاپ اول، ۱۴۰۰ش.
۲۸. امیری، مصطفی، «بررسی و تحلیل حوادث فتنه شام سوریه قبل از ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ۱۳۹۸ش.

۲۹. امیری، مصطفی، «خاورمیانه عصر ظهور»، قم، نشر معارف، چاپ اول، ۱۴۰۰ش.
۳۰. بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، رجال السيد بحر العلوم المعروف بالفتاوى الرجالية، تهران، مكتبة الصادق، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۳۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، تفسیر البرهان، تهران، مؤسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان، مدینه معجز الأئمة الإثني عشر، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، تحقیق: وزارة الاوقاف مصر، قاهره، المجلس الاعلى للشئون الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۴. بخشی، سعید، «مواجهه امام زمان با قوم یهود در عصر ظهور»، فصلنامه «مشرق موعود»، ش ۴۲، ۱۳۹۶ش.
۳۵. برقی، احمد بن محمد، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ش.
۳۶. بروجردی، حسین، نهاية التقرير، تحقیق: محمد فاضل لنکرانی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۷. بروسوی، محمد بن علی، أوضح المسالك إلى معرفة البلدان، تحقیق: مهدی عبدالرواضیه، بیروت، دارالغرب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۳۸. پوررستمی، حامد، مجموعه آثار ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.
۳۹. پورسیدآقای، مسعود، «چالش های روایی تشکیل حکومت در عصر غیبت»، فصلنامه «مشرق موعود»، ش ۴۹، ۱۳۹۸ش.

۴۰. ثعالبی، عبدالملک بن محمد، *فقه اللغة*، تحقیق: جمال طلبه، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۴۱. جزائری، نعمت الله، *ریاض الأیوار فی مناقب الأئمة*، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۴۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۶ق.
۴۳. حاج آقازاده، علی، *انرژی هسته ای*، تهران، پژوهشگاه علوم و فنون هسته ای، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۴۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، *إثبات الهداة*، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۴۵. حسینی میلانی، علی، *عصمت از منظر قویقین*، قم، مرکز حقایق الاسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
۴۶. حلی، حسن بن سلیمان، *مختصر البصائر*، تحقیق: مشتاق المظفر، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۴۷. حلی، حسن بن یوسف، *خلاصة الرجال*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۴۸. حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دارالصادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵م.
۴۹. حنبلی، مرعی بن یوسف، *فرائد فوائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر*، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق.
۵۰. خاتون آبادی، محمدصادق بن محمدرضا، *کشف الحق*، نجف، مرکز الدراسات التخصصیة فی الإمام المهدی، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.

۵۱. خزاز رازی، علی بن محمد، *کتاب فی الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر*، تحقیق: عبداللطیف حسین کوه‌کمری، قم، بیدار، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۵۲. خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش.
۵۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۵۴. رحمان ستایش، محمدکاظم، *قواعد توثیق روایان*، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
۵۵. ری شهری، محمد، *دانشنامه امام مهدی*، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۵۶. زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس*، تحقیق: علی شیر، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۵۷. زمخشری، محمود بن عمر، *الفاقی فی غریب الحديث*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۵۸. سلیمانی، جواد، «بررسی آیات غلبه حق بر باطل از منظر علامه طباطبایی»، *فصلنامه مطالعات تفسیری*، ش ۳۰، ۱۳۹۶ش.
۵۹. سلیمیان، خدامراد، *روش نقد و بررسی روایات مهدویت*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
۶۰. شبیری زنجانی، موسی، *جرعه ای از دریا*، قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
۶۱. الشجری، یحیی بن الحسین، *الأمالی الخمیسیه*، تحقیق: محمد حسن إسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۶۲. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۶۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الآثار فی الإمام الثانی عشر، قم، وحدة النشر العالمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۶۴. صدر، محمد، تاریخ الغيبة الكبرى، بیروت، دارالتعارف، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۶۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علم الشرائع، قم، داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۶۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۹ش.
۶۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۶۸. صمدی، قنبر علی، «بایسته های ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۵، ۱۳۸۷ش.
۶۹. طاهری نیا، علی باقر، «نشانه شناسی واژه النار در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات متون ادبی اسلامی، ش ۵، ۱۳۹۶ش.
۷۰. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۷۱. طباطبایی امین، فاطمه سادات، «ارتباط سوره اسراء با مهدویت و نقد و بررسی آراء مفسران فریقین»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۵۰، ۱۳۹۸ش.
۷۲. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، تحقیق: طارق بن عوض الله، قاهره، دارالحرمین، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

۷۳. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد، مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۷۴. طبرسی، فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۷۵. طبری، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، تهران، مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۷۶. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۷۷. طبسی، نجم الدین، فی رحاب حکومت الإمام المهدی، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۷۸. طبسی، نجم الدین، نشانه‌هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
۷۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۸۰. طوسی، محمد بن الحسن، الرجال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۸۱. طوسی، محمد بن الحسن، العدة فی اصول الفقه، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، قم، تیزهوش، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۸۲. طوسی، محمد بن الحسن، الغیة، تحقیق: عباد الله طهرانی، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ سوم، ۱۴۲۵ق.
۸۳. طوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبة المحقق الطباطبائی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

۸۴. طبرسی، فضل بن الحسن، إعلام الوری، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۸۵. طبرسی، فضل بن الحسن، إعلام الوری ط قدیم، تهران، دارالاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
۸۶. طبرسی، فضل بن الحسن، تاج الموالید، بیروت، دارالقاری، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۸۷. عاملی نباطی، علی من محمد، المضارط المستقیم إلى مستحق فی التقدیم، تحقیق: میخائیل رمضان، نجف، المكتبة الحیدریة، چاپ اول، ۱۳۸۴ق.
۸۸. عدة من العلماء تاریخ الأئمة، بیروت، دارالقاری، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۸۹. علی الصغیر، جلال الدین، «ما هو الهردی العظیم فی النار المشرقیة»، فصلنامه الانتظار، ش ۲، ۲۰۲۱م.
۹۰. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۹۱. غلامعلی، مهدی، مستند شمس، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۹۲. فتلاوی، مهدی حمد، ثورة المواطنين للمهدی فی ضوء احادیث أهل السنة، بیروت، دارالوسيلة، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۹۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۹۴. فلاح، مجتبی، «بررسی مقارن پدیده های کیهانی در پیش و پس از عصر ظهور»، فصلنامه مشرق و معرّف، ش ۴۷، ۱۳۹۷ش.
۹۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۹۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان،

- کتابخانه امیرالمؤمنین، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۹۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *نوادیر الأخبار*، تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.
۹۸. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۹۹. قربانچی، محمد، *موجز دائرة معارف النبیة*، نجف، مرکز دراسات التخصصیة فی الإمام المهدی، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۱۰۰. قربانی، سعید، «تأملات آینده پژوهانه در آرمانشهر مهدوی»، *فصلنامه آینده پژوهی ایران*، ش ۱، ۱۳۹۵ش.
۱۰۱. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ش.
۱۰۲. کارگر، رحیم، «مهدویت و فرجام ستیزش حق و باطل»، *فصلنامه انتظار موعود*، ش ۱۹، ۱۳۸۵ش.
۱۰۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۰۴. کورانی، علی، *عصر الظهور*، قم، دارالهدی، چاپ دوازدهم، ۱۴۳۰ق.
۱۰۵. کورانی، علی، *عصر ظهور*، ترجمه: عباس جلالی، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۸۲ش.
۱۰۶. کورانی، علی، *معجم احادیث الإمام المهدی*، قم، مسجد جمکران، چاپ دوم، ۱۴۲۸ق.
۱۰۷. کورانی، علی، *المعجم الموضوعی للاحادیث الإمام المهدی*، قم،

- دارالمعروف، چاپ ششم، ۱۴۳۶ق.
۱۰۸. کشی، محمد بن عمر، الرجال، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۰۹. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منهای المقال فی احوال الرجال، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۱۰. مافی، هادی سلیمان، «نقش ایرانیان در عصر ظهور»، فصلنامه پژوهش های مهدوی، ش ۲۵، ۱۳۹۷ش.
۱۱۱. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۱۳. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۱۴. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، تحقیق: علی پناه اشتهازدی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۱۵. مدنی، علی خان بن احمد، الطراز الأول، مشهد، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۱۶. مرتضی عاملی، جعفر، دراسة فی علامات الظهور، بیروت، المركز الاسلامی للدراسات، چاپ چهارم، ۱۴۲۴ق.
۱۱۷. مرتضی عاملی، جعفر، مختصر مفید، بیروت، المركز الاسلامی للدراسات، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.

۱۱۹. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۲۰. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۲۱. مفید، محمد بن محمد، النکت الإعتقادية، تحقیق: رضا مختاری، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۲۲. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد المدرّسی أخبار المتطهر، قم، مسجد جمکران، چاپ سوم، ۱۴۲۸ق.
۱۲۳. ملاکاظمی، «انگاره تکرار تاریخ در اندیشه تفسیری علامه طباطبائی»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۴۳، ۱۳۹۹ش.
۱۲۴. مناوی، زین الدین محمد، فیض القدير، قاهره، المكتبة التجارية الكبرى، چاپ اول، ۱۳۵۶ق.
۱۲۵. مودب، رضا، «واکاوی تفسیری آیات سوره اسراء درباره فساد بنی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۳۴، ۱۳۹۷ش.
۱۲۶. میرلوحی سبزواری، محمد بن محمد، مختصر کفاية المهتدي لمعرفة المهتدي، تحقیق: یاسین الموسوی، قم، بقية العترة، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۱۲۷. نجاشی، احمد بن علی، الرجال، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
۱۲۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۱۲۹. النیسابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقي، قاهره، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

۱۳۰. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، سرور اهل الإيمان فی علامات الظهور، تحقیق: قیس عطار، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۳۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، تحقیق: محمد امین ضناوی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۳۲. نرم افزار حدیث اهل بیت، قم، مؤسسه دارالحديث.
۱۳۳. نرم افزار درایة النور، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۳۴. نرم افزار مهدویت، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

135. <https://t.me/tavanerejal/262>
136. <https://t.me/MadinatAlelm/28>
137. https://t.me/rasad_tahlil/21432
138. <https://jamshimi.ir/?p=9817>
139. <http://mshrgh.ir/1040587>
140. <http://rajanews.com/node/334458>
141. <https://www.sh-alsagheer.com/post/3987>
142. <https://www.sh-alsagheer.com/post/3769>
143. <https://www.sh-alsagheer.com/post/3990>
144. <https://www.sh-alsagheer.com/post/4270>
145. <https://www.sh-alsagheer.com/post/4552>
146. <https://www.m-mahdi.com/main/?page=questions&id=1016>
147. <https://www.m-mahdi.com/main/?page=questions&id=1134>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
عَلَّمَ مُحَمَّدٌ